

کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

۴۷

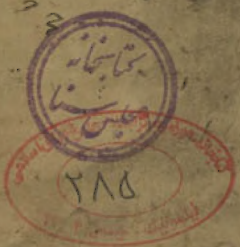
رساله مجموع سلطانی

بنظر نگارنده اگر نسخه تغییر نپذیرد باشد قدیم ترین و کهن ترین کتاب است که در مورد
 سبب قیام (بی بی عقیله) در دست . بطوریکه در دیوانه شاهان و بندها
 سلطان المشایخ سلطان محمود غزنوی را هم پیش آمده .
 سبب آن نیز از آن قرن مورد بحث حکایت میکند . و لغت فارسی مانند
 سالکات و شیطانیان و مانند آن بسیار است که باید استخراج گردد
 توضیحی بنظر نگارنده ضرورت دارد و آن آنست که سلطان المشایخ دربار
 که امروز مشیخ الاسلام نامیده شود در دربار سلطان محمود غزنوی بواسطه شیر آردی
 حضرت زنده شده و سلطان دستور میدهد که سال مورد نیاز و محتاج الیه را با جواهری
 آن بقتلای عاگرد آردند . کتاب تمام ابواب فقه و لکن فقه اهل سنت
 و جماعت فزیه حنفی . و سی و پنج باب است .
 به نظر که در بالا اشاره شد سبب آنش و سیرین و دهمین قرن است
 و علاوه بر استغفار دینی و تقوی کی زنون کن فاریست که از جهت شیخ و محقق
 نیز دربان در خود توجه استادان فرنگ و ارب باشد . گرچه تمام کتاب متبع و معتد
 و امروز در آناه امروز و شاه گزلی صفات در صفحه ۲۳۱ و کتاب طلاق بکار بسیار
 سودمندی بخوردم که در جواب سوال راجع با جرای لفظ طلاق بلیغ فارسی و تحت
 و جرات آن کلمات بگذاشتم و بکار کردم و بای گشاده کردم و دست باز داشتم و
 رها کردم را دست و گاه نموده و کتاب مولد غلط باشد
 کتاب ۲۵۷ صفحه و قریب ۳۸۰ سطر است

۴
 الف
 الف

۱۵۲۴۴
 ۱۵۲۴۶

بسم الله الرحمن الرحيم



۲۸۵
 ۷۹۹

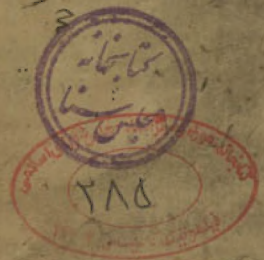
رساله مجموع سلطانی

بنظر نگارنده اگر نسخه منحصر بفرد باشد قدترین و کهنترین کتب است که در مورد
 سیر قیچی (ی که علییه) در دست . بطوریکه در دیوانه گشته چون بنده کاتب
 سلطان المشایخ سلطان محمود غزنوی را همی پیش آمد ...
 سکن ایشان و نیز از نظر قرن مورد بحث حکایت میکند . و لغات فارسی مانند
 سالانک و شطیلیدین و مانند آن بسیار است که باید استخراج گردد
توضیحی بنظر نگارنده ضرورت دارد و آن آنست که سلطان المشایخ دربار
 که امروز مشایخ الاسلام نامیده می شود در دربار سلطان محمود غزنوی بر طبقه شیر آردی
 محضند نه در شته و سلطان دستور میدهد که سال مورد نیاز و محتاج الیه را با جوابی
 آن بقضای علی گرد آورند - کتب در تمام ابواب فقه و لکن فقه اهل سنت
 و جماعت و فقه حنفی . و سی و پنج باب است ۴۲۱ - ۳۹۵ هـ
 به نظر که در بالا اشارت شده سبک ایشان و شیرین و دلپذیر قرن است
 و علاوه بر استقامت دینی و فقهی یکی از توفیق کهن فارسیست که از جهت تنوع و تحقیق
 نظر در زبان در خود توجه استادان فرنگ و ادب می باشد . گرچه تمام کتب متع و مفید است
 ولی امروز در آنجا مورد و شاه گزاری صفحات در صفحه ۲۳۱ و کتاب طلاق بجهت بسیار
 سودمندی برخوردارم که در جواب سوال راجع به اجرای لفظ طلاق بجهت فارسی و تحت
 و جواز آن کلمات بگذاشتم و بطوریکه و پای گشاده کردم و دست بار داشتم و
 رها کردم را در دست و گاهی ندانم و کتاب محمود غزنوی را ماسه
 کتاب ۲۵۷ صفحه و قریب ۳۸۰ سطر است

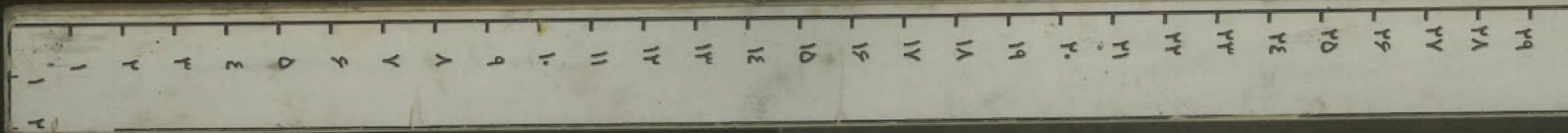
۴
 الف
 ب

۱۴۲۴
 ۱۴۲۴۶

بسم الله الرحمن الرحیم



۷۹۹



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين والصلوة
على رسوله محمد وآله اجمعين بدانکه این کتب عظم
و عظیم در بیان مسایل فقه عبادت و نام این کتب
مجموع سلفانی هاده شده است بفرموده الله تعالی فی التوفیق
که چون بندگی حضرت سلطان المشایخ و اولیای اهل
محمود عز ثوی را مهم پیش آمد و هر عالم را که در ولایت
او بود طلب فرمود که در برابر مادر مهم بیایند
و عالمان ملک او را مشکل پیش آمد که هر سالی
ای پادشاه را مهم پیش خواهد آمد همه عالم را
با خود خواهد برد پس باید که این قانون را دفع
کنیم و جمیع عالمان و فقیهان مسایلها را از کتابها
جستند و این نسخ بسند قوی راست گردانند
طلب کردند

تفتیش

و تفتیش جمیع عالمان است و یکی از ایشان علماء فقه
بود و لطیف خیف الحسن این پیش پادشاه مذکور
داد و گفت که هر مشکل و دشواری که پیش آید این
کتب مذکور مساله دید حل بکنید جمله چهل و هفت
باب است **باب اول در بیان موضوعات** متوضی اکثر
متوضی مفروض ترک دهد یعنی شستن پای است
مقدم دارد هر عضوی که مقدم است مؤخر دارد
و ضو جابین باشد یا بی جواب باشد اما این الف
سنت است و موافقت رفض شود که این جمیع
البحرین **سوال** اگر بعد شستن روی بکاری دیگر
مشغول شد بعد دست شست یا نه بکاری دیگر
مشغول شد بعد پای شست و مسح بر کشیده
درست باشد یا بی جواب باشد که فی الکافی

ابو کاس

سوال اگر اعضاء وضو يك بار بشويد نماز كند در
بدن وضو شايد يا في جواب شايد چون آب تمام
اعضاء وضو كه شستن است سائل كرد كذا في
المضمرات سوال اگر لمعه از عضو ناست مانند قطره آب
از عضو ديگر بر كيرد و آن آب را بر آن لمعه
صرف كند درست باشد يا في جواب در غسل
رو باشد و در وضو كذا في الخلاصة سوال
اگر براي مسح سري آبي جلد يد بر كيرد از شستن
دست تريك كه بردست او ماند باشد بدن مسح
سر كند درست باشد يا في جواب يا نشد كذا
في المضمرات سوال اگر آبي كه از ريش چكد
قطره از آن بر كيرد و بدماسح سر كند
درست باشد يا في جواب درست نباشد

كذا

كذا في المضمرات سوال افعال كه در وضو
سنت است چند اند و كدام اند جواب
سین ده چیز است شستن ^{اول} دو دست
تا بند دست دوم را آغاز وضو و تسمية و مسح
چهار مضمضه ^{دوم} و استنشاق و تحلل ^{سوم} و ريش
و تحلل انگشتان و اعضاء وضو سه بار شستن
و نيت رفع حدث و يا اقامت الصلوة ^{چهارم}
و مسح تمام سر كشيك و مسح گوش كردن
دو انگشتي كه در قرار دادن كور است بچاء
او درين و ترپوشتن سوال افعالي
كه در وضو مستحب اند كدام اند مفسر بيان
فرمايند جواب مقلد داشتن دست راست شستن
بر دست چپ و پا راست بر پاي چپ دوم

تبریز شستن سیوم مسح کردن کشته
سوال آداب وضوء بیان کند کجا
 چند اند و کلام اند **جواب** دوازده اند
 اول پیش در آن وقت غائر وضوء نشستن
 دوم آب بر مو از سر بخفتن آنکه در
 بسیار و سیوم مستقبل قبله نشستن
 در حال وضوء چهارم از جای سر انگشتان
 آب انداختن از دست بسوی اسرار و از پای
 سوی شالنگ پنجم کلمه شهادت گفتن
 در شستن هر عضوی ششم یاری از کسی تا
 خواستن یعنی آب خود ریزد هفتم از سر سخن
 دنیا رکنده هشتم بعد الفراغ مستقبل
 قبله استادن و کلمه شهادت گوید

هفتم بقیه آب وضوء استاده خوردن دهم
 بعد الفراغ دو کمان گذاردن یازدهم آب
 فرود موی لب و موی ابروی رسانیدن
 دوازدهم هم انگشت خنصر در سوراخ گوش
 در آوردن کذا فی التجنیس **سوال**
 چون از تن آدمی خون و یا امیم و یا زرد
 آب و یا گرم بیرون آید شکسته وضو
 باشد یا **جواب** باشد کذا فی الهدایه
سوال اگر خون و عذو بر سر جراحت ظاهر
 گردد و سائل نگردد شکسته وضو باشد
 یا **جواب** نباشد کذا فی التجنیس و هو
 الصحيح **سوال** اگر خون بر سر جراحت بیرون
 آید اندام پنبه بر گیرد و یا قدری خالك

وياخا كستر برات اندازد و خونت
از آنها باشد اگر ايت چنين نكردي
روان كشتي ايت قدر شكسته وضو باشد
يا في جواب باشد كذا في المضرات سوال
چون خونت اگر بر سر جراحت بر آيد
و از جراحت هفت نشيب تر هاید قاف
همه طرقي روان نكرده شكسته وضو باشد يا في
جواب نباشد كذا في التنجيس وهو
الصحيح سوال اگر خون و غنوه بر سر جراحت
ظاهر گردد و سائل نشود شكسته
وضو باشد يا في جواب نباشد كذا
في المضرات سوال اگر خون در پاره ها پيروي
از يميني برسد و پيرون نبايد شكسته

وضو

وضو باشد يا في جواب باشد كذا في المضرات
سوال اگر از كوشد متوضي ريم بغيره
پيرون ايند شكسته وضو باشد يا في جواب
نباشد كذا في السراجه سوال اگر ايله
خورد بر اندام باشد پوست از سر او
دور شود آب از آن سائل شود شكسته
وضو باشد يا في جواب باشد كذا في التنجيس
سوال اگر پشه و يا كيك و يا كنه بر تن
آدمي سخت شود و خون او پيوشد و پير
شود وضو بشكند يا في جواب في مكر
آنكه بيار بر مرث باشد كذا في السراجه
سوال اگر ديوب از خون آرمي بر شود
وضو بشكند يا في جواب شكسته كذا في التنجيس

سوال اگر کسی دنبال را بشبلید و خونت
 بیرون آید وضویش شکند یا بی **جواب** شکند
 کذا فی القنیة وهو الاشبه **سوال** اگر کسی
 رشته از اندامی بیرون آید بغیر خونت
 و سیریم وضویش شکند یا بی **جواب** بی کذا
 فی المضرات **سوال** اگر از دهن یا بینی خونت
 یا آب امیخته بیرون آید چه حکم باشد
جواب حکم مرغله را باشد **سوال** اگر خون یا آب
 دهن و یا بینی برابر باشد شکند وضو
 باشد یا بی **جواب** باشد کذا فی التجنیس
 والقنیة **سوال** اگر خون بست کچھ فی کند
 کم تر از پری دهن باشد شکند وضو باشد
 یا بی **جواب** بی کذا فی شرح الکنز **سوال**

درقی

درقی تلخ و طعام و آب نیز پری دهن
 شرط است یا بی **جواب** شرط است کذا فی الکنز
سوال اگر کسی مجرد بلغم پری دهن
 فی کند وضویش شکند یا بی **جواب** بی
 کذا فی الکنز **سوال** اگر کسی اندک اندک
 چند کوة فی کرد و مجموع مقدار پری دهن
 میشود شکند وضو باشد یا بی **جواب** بی
 باشد اگر یکشور شد باشد کذا فی الکافی
 والأصح قول محمد یعنی قول السبیح
 متفرقة **سوال** خواب بیرون غان شکند
 وضو باشد یا بی **جواب** باشد اگر هر دو
 سر بر زمین قرار نکرده باشد کذا
 فی المضرات **سوال** اگر در حال جلوس
 خواب غالب شد و آن غلبه خواب بیفتد

و بمجرد رسیدن بر زمین پیداشد وضو او
 بشکند یا بی جواب بی کذا فی الجنین
 سوال خواب در سجده تالوت شکسته وضو
 باشد یا بی جواب باشد کذا فی السریة
 سوال بدیوان شدن و بهوش کشتن وضو شکسته
 یا بی جواب بشکند کذا فی الکن سوال
 مستی که وضو بشکند حد آن چیست
 جواب آنکه در رفتار و بی تجاوز نموده شود
 که قدم بر جای قرار نگیرد و بلغم و هو
 الصبیح کذا فی الذخیره سوال اگر در حال غفلت
 در نماز کسی خنده قهقهه کند وضو او بشکند
 یا بی جواب بشکند کذا فی السریة سوال
 اگر در نماز جنازه و یا در سجده تالوت در حال

بیداری

بیداری کسی خنده قهقهه کند وضو او بشکند
 یا بی جواب بی کذا فی الهدایة سوال عاقلی غیر
 بالغ در نماز مطلق خنده قهقهه کند وضو
 بشکند یا بی جواب بی کذا فی شرح الکن
 سوال اگر عاقلی و بالغی در نماز جنازه جنات
 خندید که خود شنید و آنکه نزدیک او بودند
 حکم وضو و حکم نماز او چه باشد
 جواب نمازش تباه شود و وضویش بی
 کذا فی المنافع سوال اگر مردی زن برهنه
 کنار گیرد و سر آله برهنه فرج عورت برسد
 وضو او بشکند یا بی جواب اگر آله قائم
 باشد وضو او بشکند کذا فی الکافی باب دوم
 در بیان غسل سوال اگر سر آله مرد تا محل لغت

در قبل و یا در دبر آدمی غایب شود و هیچ
انزال نشود غسل بر هر دو لازم کرد و در
جواب تردد کذا فی الکن **سوال** اگر کسی با جماع
پای و طی کند بغیر انزال غسل لازم کرد یا بی
جواب بی کذا فی الرجاء **سوال** اگر مردی بر لبت
شد و هیچ انزال ظاهر نکشت غسل بر
لازم کرد یا بی **جواب** بی کذا فی الکن **سوال**
اگر می یا مادی ظاهر نکشت و هیچ احتلام
یا دغمی از دست غسل لازم کرد یا بی **جواب** کرد
کذا فی السوا جیه **سوال** اگر مردی بر لبت
شد اب می از پشت هم بشهوت جنبیه بعد
بیدار شد ذکر بدست محکم گرفت تا انکاه
کریم شد پس از بول بنوی تنفس می

بیرون

بیرون آمد غسل واجب آید یا بی **جواب** آید
کذا فی الکافی **سوال** اگر زن را احتلام شود
و لذت انزال یا بد بیلتن اب می هیچ ظاهر
نکرد غسل بر او لازم کرد یا بی **جواب** بی
کذا فی المضار و هو المصحیح و قول دیگر
النت که بر او غسل لازم کرد **سوال** اگر مردی
بول کرد در حال آلودگی او منشیش بود یا بول
نمی بیرون آید بر وی غسل واجب آید یا بی
جواب آید کذا فی القیة **سوال** اگر مردی یا زنی
مل عبه کرد در آن حالت بنوی از نفس او اب
سپید بیرون آمد غسل بر او لازم کرد یا بی
جواب بی کذا فی الوا فی **سوال** اگر ای سپید
که عقب بول بیرون آید بدن غسل واجب

و کذا فی الرجل لو رفع ذکره فجامع
عنه لم یلزم الکفره و ان جامع و لم یزک
الغسل و ان جامع اجتهاد یلزم الغسل فی
الموطأ و یستظهر

کردن بای **جواب** فی کذا فی الکندر
پسری نزدیک بداعت شده است بازنی
جماعت کرد یا مردی یا دختری که نزدیک
بداعت بود جماعت کرد بر سر و دختر ملاک
غسل لازم آید بای **س**ی فاما ایشانرا برین
که غسل بکند تا خونی کیرند کذا فی السی
س غسل که بر مسلم فرض گردد بجز بجا
شدن یا آنکه آنکه قصد غارت کند یا قصد
کاری کند که با جنابت درست نباشد **جواب**
آنکه آنکه قصد عمل کند که با جنابت نشاید کرد
کذا فی الکافی **س** اگر مردی زنی سرایت
بشهرت زد زن ملک او مردان آب نشاء
انتال شد و آب می شد غسل بر او لازم

نشاء

کرد

کردن بای **جواب** کرد کذا فی القیة **س**
غسلها که است است چندان و کلام اند **جواب** چنانکه
برای جمیع و عیدین و روز عرفه و احرام **س**
غسل جمیع برای نماز است و یا برای روز جمعه
س برای نماز جمعه تا اگر بدلت وضو نماز
نگذارد فغسل غسل نیاید کذا فی السی
س غسل عرفه که است است در حق و نقلاً
عرفه است کذا فی شرح جمع البیون **س** اگر عید
روز جمعه باشد بیک غسل چون هر دو نماز
گذرد بیک باشد بای **س** باشد کذا فی
النجیس **س** غسل واجب کدام است
مستخرج می آیند **س** غسل میت بر زن مسلمان

و غسل گوی که در حال جنابت مسلم شود کفن
 فی الکفن - در غسل چند چیز فرض است
 - به چیز فرض است شستن و منه و یسوی
 و شستن الذم ظاهر تمام کذا فی الهدایه -
 اگر مردی کافره از حیض پاک کرده و پیش غسل
 مسلم شود غسل بر او واجب گردد باین -
 کذا فی التبعین - پوست ناخن گرفته
 اگر در وقت پوست که درخت بریده میشود باشد
 مانند غسل در وقت باشد باین - باشد
 کذا فی الکفن - اگر مضغه با احتیاط کند
 قدام میان هر دو دندان کوفتی مانده بود نیز
 دور نکند و یا بریم در ناخن او بود نیز
 دور نکند غسل تمام باشد باین - باشد

کذا فی التبعین - اگر در غسل بریم خشک
 در یسوی سخت شد و انزاد و برنگرد پس جنابت
 باقی باشد باین - باشد کذا فی القیة -
 عورت که اگر عذر و بخورد در وقت غسل
 بر آن دم می مالند اگر در وقت ناخنها چون بریم
 نشیند از دهن برنگرد جنابت باقی باشد باین
 - باشد کذا فی التبعین - اگر ناخن
 در سوراخ گوش و در نیاف در دنیا و در زمین
 محلها آب رسانیده او را یقین نباشد حکم پاک
 او شود باین - فی کذا فی القیة - اگر زن
 بوسهها یافته باز نکند و در بنهاده مو و آب برسد
 پسند باشد باین - باشد کذا فی الکفن -
 اگر مردی عکوی چنین کند و باشد باین

جواب في كذا في الكافي **جواب** ما يلدن الدم
 غسل شرطه يائي **جواب** في كذا في جمع البهائم
 ست طريق در غسل کلام است **جواب** اول
 دورست تا بند دست بشوید و کمتر که خود را
 بشوید و بخاستی که براندم و رسید باشد
 اندر بشوید نگاه وضو مرتب کند و لیکن
 با شما نشوید اگر بداند که باز آمده خواهد شد
 بعد آب برساند و براندم سه کرة بریزد
 کذا في الشافعي **جواب** اگر بعد از عضو باشد
 مانده باشد تری از عضو دیگر بر کبود باشد
 صرف کند در دست باشد یائی **جواب** در غسل
 باشد و در وضو کذا في المصنف **جواب** اگر
 چندی بماند اعضا بشوید بعد از خشونت

بخاری

بخاری و دیگر مشغول شود بعد از اعضا دیگر
 بشوید جائز باشد یائی **جواب** باشد کذا في السنن
جواب اگر در لباس جنب است جامه برای غسل
 ندارد و هیچ برده نمی باید اگر غسل کند و فراموش
 او را بر عهد می باشد او را درین صورت تاخیر
 غسل واجب است یا در نظر ایشان غسل کند
جواب غسل کند چون خوف فوت شدن فلان
 باشد **جواب** اگر نیزی مرتجین فقیه اذند او نین
 و اخیر کند یائی **جواب** تاخیر کند اگر نیک
 في القنية **جواب** اگر جنب بر او گرفتن آب
 دست دلاوتند اندر زیا برای کشیدن و شوپا
 در جاه و آورد آب مد کور پلید کرد در یائی
جواب في وهو المصنف كذا في السراجية **جواب**

برای خشونت

اگر محدث در محلی ای ایست یافت و ببرد
 نسکا الودکی نجاست است و هیچ اوردیدند
 که بدان آب برگیرد و چگونه طهارت کند
 آب بدن برگیرد و بدان دست بشوید بعد
 بدست برگیرد طهارت کند **قال** اگر آب محلی
 نشیب باشد که در آن آب برسد چگونگی
 کند **جواب** با شستن یک طرف برگیرد از آن ترکند
 از مقابل آن آب دست بشوید بعد دست دیگر را
 کفای المضرات **باب** **سوره** **سوره** پاکیزگی
 آب و مقدار آن **سوره** ای که بدان رفع حدث
 شود یا متوضی استعمال کرده باشد بعد از آن
 وضو و نیز آب ثواب هر چه شد از وضو
 مستعمل می گردد یا بعد نکند در مکانی قرار گیرد **جواب**

چون

چون از عضو جدا شود کفای المذنی و هو
 الصبیح **قال** لا یزال من العضو ما رتفعه
قال آب مستعمل نجاست غلیظ است چنانچه در
 الزام اعظم یا مخفف چنانچه قول ابی یوسف یا
 است غیر ظهور چنانچه قول محمد است **جواب**
 ظاهر است غیر ظهور و هو الصبیح کفای جمع
قال جنب یا حیض اگر آب در دهان کند بغیر
 نیت مضمضه آب مذکور مستعمل گردد یا **جواب**
 فی لیکن ظهور ملند **قال** اگر آب در دهان
 نیت مضمضه کند و آنرا بر جام ریخت پدید آورد
 یا **جواب** فی السکات فی الخالصه **سوره** آب وضو
 کونش را حق مستعمل باشد یا **جواب** باشد
 چون عاقل بوده و الختام کفای جمع البعوض **قال**

آبی که در طشت از شستن دست پیش از طعام بعد
 از طعام جمع شود مستعمل باشد چون اب وضو
 باقی **جواب** باشد چون اب وضو که در فی الطهارة
 لایحایه چون وضو سازد اب وضو
 مستعمل باشد بلی **جواب** باشد که فی التیة
 جنب که برای کشیدن دل و در چاه غوط خورده
 حکم آن جنب و حکم آن اب چشاند **جواب** بروایت
 از امام اعظم هر دو نجس و بر قول امام ابو یوسف
 اب بحال خود پاک و جنب همچنان بر جنابت
 و بر قول امام محمد هر دو پاک و بروایت اب
 مستعمل شود و جنب از جنابت پاک کرد ربه
 بر سید اب مستعمل متنجس گردد از امام اعظم
 روایت صحیح چنین است که قرآن خواندن مرد

دست باشد اگر مضغ و استغراق کرده باشد
 که فی الحائضه و شرح الطحاوی **جواب**
 چون بر دست هیچ نجاستی نباشد اما بگوید یا
 التوبه باشد اگر آنرا بشوید تا دور شود
 اب مستعمل باشد باقی **جواب** فی کذا فی الطهارة
جواب اگر بعد از وضو اعضا را بجام هفت
 میکند جام مذکور مستعمل باشد باقی **جواب**
 فی هو المختار که فی الفضا **سوال** در غیری
 بر زنی که آن حکم اب روغن دارد چون از طشت
 کسی غسل جنابت کند بر اندام او هیچ نجاستی
 نباشد دیگر بر آید که غسل آن جام وضو
 کند باقی **جواب** شاید و علیه الفتوی
 که فی الفضا **جواب** ای استاده که حکم اب

روان باشد او را و بحدت معش و مرز چیست
 ده کز ده کمتر باشد بکنز کز باشد که عفت
 او بشاید باشد که بخیر کردن زمین غنی شود
 و علیه الفتوی که فی الحقیقه **سوال** در حق
 کاب طول او بسیار باشد و عطف او اندک باشد
 فاما در حسب محتاسب ده کز ده در کمتر میشود
 نیز حکم حوض بزرگ باشد یا **سوال** باشد
 هو المختار فی الخالص **سوال** در حوضی بخاستها
 افتاده بعد پر آب شد و آب از وجه طرف بیرون
 نیامد وضو و غسل از درستی باشد یا **سوال**
 از اینجا که آب در می آید اگر مقلیده کز در کمتر
 پاك باشد بعد در محلی پلید برسد کل پاك كز
 باقی و اگر محل در آمدن پاك کمتر باشد در صدد

کل پلید گردد که فی التجبین المیزد **سوال**
 حوض حرم اگر پلید گردد بعد از طرف درون در آید
 و طرف دوم بیرون آید پاك كز **سوال** یا **سوال**
 پاك كز در المختار فی الخالص **سوال** اگر در آب
 نجاستی افتد رنگ و بوی و یا مزه و نجاست
 بر او صاف آب غالب چنانکه در عینها قیاس
 است گاه پیش روان که می بینید بوی کین
 از آن آب می آید و آن آب صد کز در صد است و قیاس
 عمیق از آن عینها خورده و طهارت کردن و قیاس
 و آوند شدن روا باشد یا **سوال** فی کتب
 الشافعی والنص **سوال** در حوضی صریح افتاد و آب بر آن
 میگذرد حکم آن آب من کوی مرچ باشد **سوال** اگر
 تمام آب باقی برای می رسد از آن وضو ساقط

رو باشد و اگر زیاد از نصف در محل پاک
 میرود و اندک که نصف بود از نصف دور
 باشد توصی از آن کذا فی التالیف **سوال** پاک
 بام در بعضی محلهای نجاست باشد و در آن بام
 افتد و آب از نایز فرو افتد آبند کور
 پاک باشد یا **سوال** اگر نجاست نجاستی در
 ظاهر گردد مطلق پلید گردد و الا نیکو
 اگر نجاستی باز یاره نجاست متصل میشود
 پلید گردد و اگر کمتر از نجاست نجاست متصل
 میشود و اثر نجاست در آن نباشد که پاک گردد
 کذا فی القصص **سوال** در میان نایز نجاستی
 سخت شده باشد البتة مکرر چه باشد
جواب حکمی که حکم بالی ذکر مرسته است یعنی حکم جبه

در بعضی پاک نشود و از آن پاک نشود
 و اگر از آن پاک نشود

روان که در موردی افتاده باشد همانست المسئله
 فی الکیمی **سوال** در پای اندک چیزی
 پاک افتاد چنان رنگ او یا بوی با منزه و یا
 افتادن چیزی پاک بگردد مانع جواز وضو
 باشد یا **سوال** فی کذا فی الکیمی که اثری
 مانع صحیح گفته است **جواب** اگر دو وصف آب
 یا افتاده چیزی پاک بگردد مانع جواز وضو
 باشد یا **سوال** فی بروایت منافع که اندک
 صحیح گفته است **جواب** اگر دو آب چیزی پاک
 افتاد غالب و مغلوب بر منزه شناخته شود
 یا با جزئی **سوال** با جزئی فی الجمع کذا فی الجمع
جواب ای از درختی و یا میوه بشپیدن
 که پیوسته آید وضو و غسل بدان رواست

یابی **ج** در کتب الواقعت و غیره بحکم مروت
 از انفع **سوال** در صورتی که آب از میوه بغیر
 شیلیدن خود بچکد وضو بدان جایز باشد
 یابی **ج** باشد بحکم روایت مضمر است و از آن
سوال ای که درین چیزی پاک بخوشاوند چنانچه
 بخورد و نحو ذلك وضو ساختن از آن مرهبا
 یابی **ج** باشد و اگر چه سز شده است
 گردد روا نباشد و الا اگر چه رنگ و مزه
 او کشته باشد کذا فی الینایع **سوال** ای که در است
 انکوره بکشد و آب مذکور شیرین گردد وضو ساختن
 بدان روا باشد یابی **ج** فی هو اصح فی الجامع
 الصغیر و او زجندی **سوال** در آبی که مرده و
 ترکند و آن آب شیرین شود وضو ساختن

در آن آب شاید یابی **ج** فی هو اصح کذا فی
 الظاهر **سوال** در آب اندک اگر استخوان مرده
 یا موی مرده افتد باید کرد یابی **ج** فی مکمل
 بر استخوان چیزی باشد **سوال** پوست سگ
 و خوک و سایر حیوانات چون مرده شود
 بد باغت پاک شوند یابی **ج** پاک شوند
 جز پوست خوک و آدمی کذا فی مجمع البحرین
سوال هر چیزی که پوست او بدلت پاک کرد
 اگر آن حیوان به سمه ذبح کنند بغیر
 دباغت پوست و گوشت او پاک کرد یابی
ج کرد کذا فی الوقایه **سوال** پوست سگ
 و کبک و بوزینه بعد از دباغت در حال غارت
 پوشیدن و متصل ساختن درست باشد یا

واجب باشد و علیه القتوی کذا فی المضاعف
 سوال موی خوک که بدو ختن جرم حاجت می
 افتد چه حکم دارد جواب درختن است کذا فی
 التعلیق سوال موی آدمی را هیچ استعمال کرد
 چنانچه و ختن جوال و پیلان بدن خود و ک
 و مرت باشد بانی جواب فی کذا فی جمع الج
 سوال اگر در چاه موی آدمی کافر و یا مسلم
 پاک و یا میوه افتد پلید گردد یا بی جواب فی
 کذا فی الکافی سوال آدمی که با طهارت اگر در چاه
 میزد که بشک تمام آب از چاه واجب گردد
 یا بی جواب کورد سوال آنچه در چاه مقلد آدمی
 است چنانچه کوسفتند و سبک چون در چاه
 میزد که بشک تمام آب از آن چاه واجب گردد

یا بی

یا بی جواب کورد سوال در صورتی که حیوانی
 خورده مقلد کشتک یا خورده تو از آن که در آن
 خورده مسافلی گردد و در چاه میزد و اما سید و
 کورد نیز کشیدن تمام آب چاه واجب گردید
 جواب کورد سوال در صورتی که چاه چشم
 دار باشد که بکشیدن آن آب چاه کم نشود چگون
 پاک گردد جواب مقلد می که آب در چاه
 موجود باشد آنقدر بکشند کذا فی الوقایه
 سوال مقلد می آب چاه چگونه معلوم شود
 جواب بقولند و مرده که ایشانرا در یا ختم موثر
 آب بفشارت باشد و هو المیع فی الهدایه
 اگر موش یا حیوانی که در چاه بموش نزدیک
 بود در آب میزد چه قدر کشتن واجب
 گردد جواب بیست دلو اگر آن حیوان را

چهار نصیر است
دو میان چرخ و راست

with

3

او بالاسیر اب بنده پانک کذا فی شرح الکفر
 اگر در وقت افتادن هیچ معلوم نباشد
 و حیوانی اما سید و برزیده دریافته شود
 چند روز را غسل و غار بار کور دارند که بکند
 آب کذا رو باشد **جواب** سه شبانه و روز
 اگر مرده غیبی اما سید و برزیده یافته شود حکم
 او چه باشد **جواب** انگاه یکبار سوزانند
 المسلمان فی الکفر **سوال** سر این سوخت
 چون خالص شود و خمر مرده اگر در خاک
 افتد و آن نیز بکند **جواب** خاک شود و قدری
 از آن خاک سحر یا از آن خاک در سحر افتد یا
 در آب آنک افتد پلید کورده یابی **جواب** فی
 و علیه الفتوی کذا فی الغل ص ۱۰۰ **سوال**

خرواستر چو کشت ایشان حرمت
 و خوی ایشان پاک باشد بیان شایقی و نای
جواب شک است در پاک پس خورده ایشان
 و پلیدی ال پس چون آب دیگر نباشد
 جز پس خورده ایشان و پلیدی ال پس
 خورده چون آب دیگر نباشد جز پس خورده
 خرواستر هم وضو سازد بدان آب هم
 بنهم کند کذا فی الوقایه **سوال** اگر کسی به پس
 خورده خرواستر وضو سازد بعد از آن
 مطلق باید شستن محلها را آب مشلول
 رسید باشد از اندام و جامه واجب گردد
 بانی **جواب** فی و علیه الفتوی کذا فی الوقایه
 و المصنوعات و النصاب **سوال** پس خورده

اسب

اسب چو کشت او مکروه یا پاک است
جواب پاک است کذا فی الوقایه **سوال** پس خورده
 آدمی جنب و حیاض و کافر ^{چون} پس خورده
 مسلم پاک است یا فی **جواب** پاک است کذا فی الوقایه
سوال پس خورده حیوانی که کشت او خورده
 است چو دهن او و چیزی که کشته باشد
 است یا پلیدی **جواب** پاک است **سوال** پس خورده
 مالکیان کوچک کرد و پس خورده کوبه و سباع طبع
 چنانچه در پرندگان چون باغوشا همین
 و سبب و نحوه و پس خورده سواکن بهوش
 مار و موش و کبوتر و هر چه بخورند ایشان
 است چه حکم دارد **جواب** مکروه هست کذا فی الوقایه
 و فی الکفر **سوال** پس خورده شک و خوک
 و سباع بهایم چون شید و کرک و بوز

و شغال در رو به پلید است مطلقا با مکروه است
جواب پلید است مطلقا **سوال** چوبه چوبه ای باشد
 مکروب مکروه وضو بدان بغیر کراهیت جایز
 باشد بانی **جواب** بغیر کراهیت کذا فی شافعی
 و شرح الحدید **سوال** مقام مالیه چوبه
 بیقین نجاست آلوده باشد در لای که منقأ گردد
 مکروه باشد یا پلید **جواب** پلید کذا فی الجامع
سوال چوبه در چند آوند آب باشد و بشر
 از آن پلید گشت و بعضی پاک و هیچ معلوم نیست
 کلام پاک و کلام پلید و جناب لای دیگر باشند
 نجس کند یا در دل صواب جوید از آن آوند
 وضو سازد **جواب** نجس کند **سوال**
 اگر پیشتر آب آوند پاک باشند اگر بغیر نجس

از آوندی وضو سازد روا باشد یا بی
جواب باشد کذا فی جمیع البیوع **سوال** اگر آوند
 پلید همان قدر است که آوندها پاک است و فرق
 حاصل نیست در حکم چیست **جواب** نجس کند
 کذا فی شرح جمیع البیوع والله اعلم بالصواب
یا صاحب **سوال** نجس است **سوال** نجس چیست و
 نجس چیست **جواب** در شریعت هر دو دست بر
 زمین پاک به تیغ طهارت بزنند و یکبار
 بر روی مال و یکبار بر هر دو دست تا هیچ
سوال اگر از روی در محلی که آب رسانند
 در آن وضو است در نجس از آن چیزی فرو
 گذاشته کند دست آنجا رسانند درست باشد
 یا بی **جواب** بی کذا فی الجامع الصغیر لا و نه جند

و نه است که در نجس است که در وضو است
 و نه است که در نجس است که در وضو است

سوال چو به انگشتی تنگ و ستر در حال
 تیمم نجس باشد یا حلال انگشتان ترا کند تیمم باطل
 باشد یا بی **جواب** بی هوامختار فی المصنوع
سوال در حق جنب و حائض و نفسانین
 تیمم همبریه غلط است یا زیاده ازین **جواب**
 همبریه غلط است **سوال** اگر جنب تیمم کند
 نیت و طهر و جهره غسل نیز همان پسته باشد
 یا نیت غسل دیگر کند **جواب** همان پسته باشد
 کذا فی السراجیه **سوال** اگر کسی تیمم کند
 نیت تلاوة قرآن غاصر گذاردن بدان تیمم باطل
 باشد یا بی **جواب** بی کذا فی التبعیث
 اگر در حال که آب نباشد حقیقتاً یا حکماً
 برای غاصر جنازه یا سجده تلاوة تیمم کند

غاصر

غاصر مطلقاً بدان گذاردن روا باشد یا بی
جواب باشد کذا فی السراجیه **سوال** اگر کافر
 بنیت اسلام تیمم کند بعد مسلمان شدن غاصر
 گذاردن بدان تیمم مراد جایز باشد یا
جواب بی کذا فی الکنز **سوال** چند چیز
 که بدان تیمم ریختن است **جواب** هشت چیز
 است یکی در بودن از آب مقلد یک میل
 یا زیاده و ریختن از جهت آنکه آب نباشد
 اکثر یا در دو میل یا یک بدن خوف تلف نفس
 و عضوی است و خوف عذر و خوف تشکی
 و نابودگی دلو و نحوه و خوف فوت غلغله
 و خوف فوت غاصر جنازه کذا فی الوقایه **سوال**
 میل چه مقلد راه است **جواب** سیوم حص

استعمال کردن او را

از فرستادگان و آن چهار هزار کس بشود
 و کانی یک نیم کز هر کزی بیست چهار کس
 کذا فی البنایع **قال** اگر مسافری را در راه
 رخت باشد اند یا دینار و نیم کند و غار
 گذارد بعد از آن حدیثی وقت یاد از دنیا
 باز گرداند یا بی **جواب** بی کذا فی الکفر
قال در صورتی که در میان آوند پسر و
 او ظاهر موجود است او را بداند نظر
 بفتاد و یاد دینار و غار باز گرداند **بعل**
 یا بی **جواب** گرداند کذا فی السریعیه **قال**
 مسافری میداند که رستا و یا چپا آب است
 که سراسر میل فاما اگر برای طلب طهارت
 برود از قافله جدا افتد و از غایب

شود

شود به جم کذا درن مرا و جایز باشد
 یا بی **جواب** باشد کذا فی التجنیس **سخت** اکثر
 المشایخ هذه الروایة **قال** مسافری غار
 گذارد است بعد از آن حدیثی شد کز
 او چاه و یا جوی روانست غار گذارد است
 باز گرداند یا بی **جواب** بی و هو المصیح کذا فی
 التجنیس **المرید** **قال** مسافری آب نداند
 و بر رفیق او آب هست کمان دارد و اگر
 از آب بخواهد او را بداند و مع ذلك اگر **قال**
 و نیم کرد و غار گذارد جایز باشد یا بی **جواب**
 بی **جواب** مکر بروایتی از امام اعظم کذا فی المضار
قال اگر آب به یا یافته می شود فاما
 خیر هاقده دارد که توبه را لا بدی او

حاجت است یا آنکه خرج بیشتر بدین مرد
 فاما بغیر فاحش میفرشد غبن فاحش
 آنرا گویند که ازهای دو چندان میفرشد
 روا باشد که آب بخورد و نیم کند غار کند دیانی
جواب باشد کند فی شرح اللثنه **جواب** کوسا
 در متبلی خود نیک و در کما او غالب است
 که نزدیک این مقام آب هست چه مقدار صافیت
 آب طلب کرد برو واجب است **جواب** يك غلوة
 یعنی بصدقه تا چهار صد گز بگز گریاس کند
 فی المیزان **جواب** شیخ هر دو دست مرتضی دانه
 اگر آب شرکند آنرا زیاده دارد اگر روی میشود
 دست او متضرر میشود و کسی ندارد که روی
 و یا بشوید بنیم غار کند در آن را شاید

بانی

بانی **جواب** شاید کند فی القنیة **جواب** شیخ از
 سبب مرتضی یا ضعف ناتوانی گفته است که
 ساختن نمیتواند فاما کسان دارد که اعفاء
 وضو و یرا بشوید و یا مال دارد که بدلایه
 نوضی چیزی میتواند گرفت بنیم کردن و غار
 کند در آن او را جایز باشد یا فی **جواب** نباشد
 مگر آنکه آب او را متضرر باشد کند فی التجنيس
جواب مساقی را جام متنجس است
 مقدار آب دارد که اگر جام بشوید برای وضو
 کند برای جام همانند کلام اختیار میکند
 جام بشوید و نیم کند غار کند در آن فی التمهنة
 مع حوائی یوسف رح **جواب** مردی آب مقدس
 دارد که تمام بدایه پخت شود و پخت میخواهد

آنرا

چون از آن آب هیچ زیاده آب نماند و یا نیم
 او را موجودان آب جایز باشد یا نه **جواب** باشد
 اگر چیزی بخت تمام طعمی دیگر او را موجود باشد
 که بدک آب با قیامت کذا فی القیام **جواب** چنین که
 شهر آب گرم نمی یابد و باب سردی می رسد که
 عضوی او خواهد مرخص مراد نیم جایز
 باشد یا نه **جواب** باشد کذا فی مجمع البحرین مع
 خلل صاحب **سوال** اگر در وضو خوف تلف
 عضو باشد سبب سرما نیم روا باشد یا نه **جواب**
 باشد کذا فی المصنف **سوال** در صورتی که خوف
 سرما دارد و خوف تلف عضو را بر نیم جایز باشد
 یا نه **جواب** نباشد بقول ما اعظم بخیر و صلح
 کذا فی المحقق و لا يجوز التمسک بالبرای لغت البعد

حق

حق لو کان القلب المراد يجوز بها فادهو
 المصنف **سوال** شیخ لا یسرون خانه پشت
 و وقت نماز بخندیده اگر برای وضو میزد
 این پشت سخت میزد و منفر می شد و مراد
 در آن خانه نیم کردن و نماز کلفت
 شاید یا نه **جواب** شاید حکم مرویت قیه
سوال مرویت نماز عید چنانچه در این نیم
 روا کنند اند در این نماز عید اگر کسی سر
 وضو بشکند نیم بنا کردن روا باشد یا نه
جواب باشد کذا فی مجمع البحرین **سوال** چنانچه
 حاضر آوردند اگر آنکس که وضو سازد بر او
 تکبیر نرساند و اگر نیم کند هر چهار تکبیر
 برسد اکنون نیم او را جایز باشد یا نه

و بر بعض باشد طهاره چه طهر کند
جواب حکم مرغالب راست اگر صیغ پشتر باشد
انرا بشوید تیمم نکند و اگر جریح پشتر باشد
تیمم کند کذا فی جمع البحرین **سوال**
در صورتی که اعضاء صحیح و جریح برابر باشد
حکم چیست **جواب** شستن صحیح بیننده باشد
کذا فی التجهیز و فتوی بر آنست که تیمم کرد
سوال اگر بعضی اعضاء وضو مجروح باشد
حکم چیست **جواب** اگر صیغ غالب است یا
مساوی انرا بشوید و بر جریح جام بپاشد
صح کشد و لا تیمم کند کذا فی التجاوی
سوال منیم اگر قدمه بر آب شود تیمم بر او
کرد یا نه **جواب** کرد چون برای طهاره

پست

بیننده باشد کذا فی الوقایه **سوال** اگر آب مقله
یافت که یگان با سر شستن هر عضو
مبتر شود فاما سه بار بشود تیمم او باطل
کرد یا نه **جواب** کرد هوا مختار کذا فی
المضار **سوال** مری غسل کرد بعد از
عضو داشت ماند برای آن تیمم کرد بعه
وضو او شکست برای وضو نیز تیمم کرد
اکنون قدمی آب یافت که برای وضو
شستن لم یستند نیست بلك برای یکی
بستند است بدین آب هر دو تیمم او بشکند
یا یکی باقی باشد **سوال** بقول امام ابی
یوسف مرع اب را بر لعل صرف کند برای
وضو تیمم کند کذا فی جمع البحرین **سوال** مردی

در اثناء نماز حدث صادر شد و تیمم شروع
 کرده بود چوین برای طهارت بازگشت
 البیافت مراد و وضو ساختن و باقی نماز
 گذاردن روا باشد یا نه **جواب** باشد
 کذا فی التبعین **سور** مری بر حسب موزن
 شده در **سور** میورد در غنوی بود که گران
 آب کشت او را از آن خبر شد تیمم او بلا
 حال باطل کرد و یا نه **جواب** کرد بقول امام
 اعظم رحمه الله کذا فی مجمع البحرین **سور** اگر
 کسی تیمم کند و نیت طهارت و رفع حدث
 او را نباشد پس تیمم او جایز باشد یا نه
جواب فی کذا فی المضاربات **سور** تیمم
 مسح موزن **سور** اگر بر موزن **سور** بغیر

قصد

قصد پوشیدن رسید یا خود آب رسانیدن
 قیامت مسح میسایند یا اینچنین آب برین
 بمسوح قایم مقام مسح باشد یا نه **جواب**
 باشد کذا فی الکافی **سور** افشک که در اند
 شب در غلایه های افتد اگر محل مسح موزن
 از آن تر نشود از مسح کفایت باشد یا نه **جواب**
 باشد بر قول کسی که این آب را از تاثیر هوش
 فرموده اما بقول کسی که گوید که این آب از
 حیوانی است که الخشب از دریاه سرچ
 میکند و دم میگذرد همان زمین پاکند شده
 می افتد بر قول او و قول اولی صح است
 کذا فی الینایع **سور** محل مسح موزن کدام
 است **جواب** پشت پای موزن مقلد است

انگشت ترخند فاما دراز نکشد سود ساق
 در سبت باشد یابی **جواب** باشد کذا فی شرح الجمع
 المجربین **والا** اگر فرو موزه جانب نعل
 مس موزه کشید یا گرد پای جانب پای
 با عقب کشد در سبت باشد یابی **جواب** فی
 کذا فی المفردات **والا** در کشیدن مس موزه
 اگر خطاهای شریک بر موزهها پیدا نشود
 روا باشد یابی **جواب** فی حکم روایت طحاوی
والا شخصی هر دو پای شست موزه پوشید
 بعده وضو قام کرد پس از آن اگر مس بر موزه
 کشد در سبت باشد یابی **جواب** باشد کذا فی
 الکافی **والا** اگر پای بشوید موزه پوشد
 و پیش از مال وضو حله کند موزه بکند

پاینا

پاینا بشوید یا مس کشد **جواب** موزه بکند
 پای بشوید مس روا باشد کذا فی شرح الکند
والا مردی بر وضو کامل موزه پوشید
 بعده جنب کشد و آب داشت بجم کرد بعده شستن
 از وضو صابون شد و آب مقلای یافت
 که وضو بر بسته است فقط مراد شستن
 بر موزه روا باشد یابی **جواب** فی کذا فی التالیع
والا اگر تیمم کرد موزه پوشید بعده آب
 یافت روا باشد که مس بر موزه کشد یابی
جواب فی کذا فی المفردات **والا** اگر وضو
 با پیش خورده خرواستر کرده باشد یا نباشد
 ثم ساخته موزه پوشید چون آب مطلق یا
 وید مس بر موزه جایز باشد یابی **جواب**

لی کذا فی الألف **سوال** موزه اگر بالا قرار
 شتالک پاره شده باشد یا از شتالک بالا
 اصل نباشد مسح بلف جایز باشد یا
جواب باشد کذا فی الطحاوی **سوال** اگر
 پاییزی که در میان سینه معمول است اگر شتالک
 بدن پوشیده شود و از پیش محل که س
 انگشت شکاف باشد مسح بدن جایز باشد
 یایی **جواب** باشد اگر شکاف مسدود باشد
 کشاده نباشد هذا مستفاد من المضام
سوال پاییزی که انرا عری جوئی کت
 بعلت از پوست و بالایش از پستان ^{و پستان}
 یا معلوج چون مز نبید می یافتند مسح
 جایز باشد یایی **جواب** باشد چون شفت

باشد

باشد و علیه الفتوی کذا فی المضام و الهدایه
سوال موزه و آنچه مانند موزه است اگر فرد
 قرار شتالک پاره شود چه مقدار پارسید
 نمی مانع است از مسح **جواب** مقدار به انگشت پ
 از انگشت تا خود کذا فی الکنز **سوال** در صورتی
 که چند محل از یک موزه یا از دو موزه پاره شده
 باشد چنانکه پای می نموده شود و هر یکی به
 انگشت نباشد و اما اگر جمع کنند مقدار به
 انگشت یا زیاده از آن می شود این چنین
 پارسید کی مانع باشد یایی **جواب** باشد
 اگر در یک موزه است و در دوم موزه نباشد
 کذا فی الشافی **سوال** اگر بخایسته غلیظه اند
 از درم شری در چند موضع در دو موزه

رسیده باشد و بتصرف جمع زیاده از مردم شریعت
 مانع جواز صلوة باشد یا **جواب** باشد
 کذا فی الکنز **سوال** اگر از یک موزه پای پیروی
 آمد یا از محل خود ساق رسید مسج هر دو موزه
 باطل گردد و شستن هر دو پای واجب گردد
 یا **جواب** کرد کذا فی الوقایة **سوال** اگر موزه
 از محل خود بیرون آمد فاما در محل مسج مقدر
 سه انگشت از پیر پای مانده باشد مسج
 اول باقی و دوم با رجایز باشد یا **جواب**
 باشد کذا فی المفردات **سوال** اگر بیرون
 در موزه در آید پای ماسج بدست
 شود مسج هر دو موزه باطل گردد **سوال** اگر
 کذا فی الکنز **سوال** اگر ماسج بر موزه در تمام

غالب

نماز محدث ثلث برای موضوع رفت و آمده مسج
 اقام شد شستن پای و اتمام نماز بر وی باشد
 یا **جواب** باشد اگر پیش از وضو ملة تمام شود
 و اگر بعد از وضو کشیده مسج موزه ملة تمام شود
 نماز باطل شود و مسج موزه تباه شود
 کذا فی التقریر **سوال** ملة مسج موزه چه
 مقدار است **جواب** مقیم را یک شب از نماز است
 و مسافر را سه شب از نماز **سوال** اگر نماز ملة
 مسج موزه از سجده بعد پوشیدن
 موزه چون محدث گردد کذا فی الوقایة
سوال اگر در اتمام ملة مقیم بود بعد ملة
 شد بعد مقیم شد در حق ملة اعتبار اول
 محال باشد یا آخر **جواب** آخر **سوال** اگر کذا فی

الکنز **سوال** یوشیخو کا اعضاء دیگر باشد چنانچه
 دست موزنه و برقع و کلاه و دستار و
 بنین مسج جایز باشد یا **جواب** فی کذا فی جمع
 البحرین **سوال** مسافر مدتی مسج غام شد
 مرما سخت است و میترسد از رفتن **جواب**
 بکشیک موزنه مادام که خوف بلیق است
 مر او را مسج بر موزه بعد از مدتی نیز جایز
 باشد یا **جواب** باشد کذا فی الکنز
سوال بعد از تمام مدتی چون موزه بکشد
 مجرد پای بشوید یا تمام وضو باز کردند
جواب مجرد پای بشوید کذا فی المناجم **سوال**
 بیشتر که بطبر وضو بر جراحت یا بر دنبال
 بسته بران مسج کشید و اگر آن بیفتد مسج

باطل

باطل شود و شستن آن محل واجب کرد
 یا **جواب** کرد اگر فروزان به شده باشد
 والا کذا فی الکنز **سوال** اگر بستی از جراحت
 پنهان تر باشد سبب آن بعضی از اندام که آن
 اصح است ناشت میفاند روا باشد یا **جواب**
 باشد اگر باز کرده بستی مذکور زیاده را
سوال کسی که بستی بر دنبال بسته و مسج بر
 دنبال و بر سر نیست و اگر او مسج بد و نکند
 و بر بستی بکشد روا باشد روا باشد یا
جواب کذا فی المصنف **سوال** مسج بر بستی چیست
 و نحوه فرض است یا **جواب** فرض است
 بلای **سوال** فرض است و اما اگر زیاده تر از
 نصف کشد از حکم کلا است و اما بر نصف

و کثرت از آن روا نیست و به یغنی کذا فی المضار
سوال بستی به جراحات اگر در حال جنابت
 یا در حیض است بوقت غسل کردن منع بر آن
 و نداشتن فروغ البیاض باشد یا نه **جواب** باشد
 اگر نیروا و ایوان رسد از یشتن او مزیرا و نیندود
 مسح کند و اگر انداء نباشد بشوید **یا ششم**
 در بیان حیض و تقاضا **سوال** اقل مدتی حیض
 چه مقدار است و اکثر را حدی چیست **سوال**
 اقل مدتی شبانروز است و اکثر **سوال**
 مدتی ده شبانروزه است **سوال** اگر عورتی
 خون دید کمتر از سه شبانروز یا زیاده
 از ده شبانروز حکم آن نقصان و زیاده **سوال**
جواب استحاضه باشد نه حیض کذا فی

الکثر

الکثر **سوال** میان حیض و استحاضه فرق
 چیست و چگونه شناخت شود **جواب** خون که پیش از آن
 گفته سالکی و در حال حمل و کم از آن اقل مدتی **سوال**
 از اکثر مدتی حیض نباشد و استحاضه اش
 رخصت می باشد **سوال** اقل مدتی طهر و اکثر مدتی
 چه مقدار است **جواب** اقل مدتی طهر پانزده
 شبانروز است و اکثر را حدی نیست کذا
 فی الشافی **سوال** احکام که تعلف بخیزد در
 جمده چند است و کلام است **جواب** جمده
 عده است اول غایب نکلده دوم روزی
 نکلده و یسوم و یسوم و یسوم و یسوم
 چهارم سقوط غایب قضاء پنجم حرمت جماع
 ششم منع از امر املک مسجد هفتم منع

از طواف کعبه هشتم حرمت ثلاث و آن هم مرت
 من مصحف بغیر غلاف دهم انقضاه علی یمن
 بعد از طواف دانستن یا بعد از نفوت شدت
 شوهر حرمت زنا شوهر دیگر کردن
 تا آنکه عده نکلند بران کذا فی المفهرات
 - خون که بعد از آوردن فرزند عورت
 می بیند از عده دیگر محاط بد و نیز متعلق
 است یا یمنی - جز انقضاه عده دیگر محاط
 متعلق است کذا فی المفهرات - غلاف
 که متصل بمصحف است آنکه با شیرازه وصلت
 حائض و نفسا و غیره بان گرفتار
 شاید یا یمنی - و هذا الصیح کذا فی الهدایة
 - ننی مرکه عاده معروفه هفت روزه است

فانی که بگوید احاطه میکند و در هر روز

اگر چه

اگر سه یا پنج روز خون او باشد فی الحال او
 شاید که غسل کند و نماز وقتیه بگذارد و
 شوهر او وطی کند یا یمنی - عاده بگذارد
 و وطی نشاید تا عاده او نکلند کذا فی القضا
 - اگر خون از ایام عاده که آن هفت روزه
 مثل و سروز خون دید بعد سه روز یا
 دید باز دوسروز خون دید هر هفت روزه
 حیض باشد یا یمنی - باشد کذا فی المفهرات
 - از این امر عاده معروفه در هر ماهی شش روزه
 بود اخرها خون او را دائم روان گشتنی
 است حال نماز او و وطی شوهر او چه باشد
 هر ماهی شش روز در آن روزها
 که خلیض میبیند حیض باشد و باقی استحا

در آن حکم طهر باشد **سوال** اگر در آن اقامت
بلاغت خون دید و خون او مستمر گشت آنرا
هر ماهی حیض او چند روز استخاضه او
چند روز باشد **جواب** حیض او ده روز یا
استخاضه کذا فی الظاهر **سوال** زنی را عاده
معروف پنج روز بود درین ماه هفت روز
یا هشت روز یا ده روز دید جمله حیض
باشد یا بی جواب **باشد** **سوال** در صورتی
که پنج روز عاده بود از ده روز زیاده شد
حکم او چیست **جواب** پنج روز که عاده او
باشد و زیاده استخاضه باشد کذا فی الظاهر
سوال زنی است که او را عاده معروف نیست
گاهی پنج روز گاهی شش روز خون

می بیند درین وقت خون او مستمر شد
حیض او چند روز استخاضه او چند روز
و از آنجا که در **سوال** شش روز که اکثر مده او بود
حیض باشد و بایقی استخاضه کذا فی
الموارد الفتواء **سوال** بعد از انقطاع حیض
فی الحال جماع شاید یا در نك مند **جواب**
اگر بعد از دو روز منقطع شد است بحد انقطاع
جماع شاید و اگر کمتر از ده روز منقطع شد
است در نك كند چنانچه غسل کردن
و تكلیف غرضه كه گفتن میستحایب **سوال** حیض اگر
آخر وقت منقطع شود چنانچه غسل کرده
و تكلیف غرضه كه گفتن میستحایب قضاء آن غاثر
برو لازم آورد یا بی **جواب** كردن كذا فی التمهید

سوال زن مستحاضه را و کسای که عنبر
 ایشان را میزند است وضو بدهد آمدن وقت بشکند
 یا بیرون آمدن وقت **جواب** بیرون آمدن
 فرض **سوال** معذرت اگر برای نماز عید طهارت
 کند چوین حدیث دیگر از او حاصل نشود
 بدنه طهارت نماز ظهر بگذرد یا بی **جواب** بگذرد
 کذا فی الهدایه **سوال** خون استحاضه جمله
 چنگ و چه است مفسران بیان فرمایند
جواب پنج و هجده است یکی آنکه کثرت از سه
 روز و نیکو از ده روز است و عاده او در روز
 باشد دوم آنکه عاده که سه روز و نیکو از ده روز
 چوین درین کمتر زیاده از ده روز نشود
 پس آنچه زیاده بر عاده باشد استحاضه

باشد

باشد
 و بیوم آنکه عاده کمتر عورده حامله خوب
 باشد آن نیز استحاضه باشد چهارم آنکه
 دختر هشت سال یا خورده تر از آن پسندیم
 آنکه عورت آنکه خون پسند کذا فی الفتا
 حجه **سوال** زنی آنکه بعد چند سال توان
 گفت **جواب** بعد پنجاه سال ایشه اند گویند
 که ما آمید شود از حمل کذا فی المفرد و علوم
 یغنی من یوم ولدت بحمیدین سنة **سوال**
 صاحب عنبر اگر پشینه و یا غیر ذلك در عنبر
 ندارد بدان سبب از سیران ای بماند **سوال** حال
 او گویز معذرت توان گفت یا بی **جواب** بی کذا
 فی ال کبیری **سوال** کمی از سبب زحمت یا
 یا سوز خون مستمر میشود و بر کار جامه

بر موقوف بندد یا بستنی بر دین نیست و انعام
 و بستنی بخوبی آورده میشود چون زیادتر از
 درم شرعی میشود مانع جواز صلوة
 باشد یا نه **جواب** اگر خوب از آنها باشد که
 اگر بشنود صد مرتبه نماز زیاد از درم
 جواز صلوة میشود مانع نباشد و الا باشد که کفای
 المفهرات **سوال** زن تا وقت وزیدن او در
 پیش از ولادت و در اثنا ولادت اگر خوب
 روان شود آن نیز حکم استخاضه دارد و یا
 حکم نقاس **جواب** حکم استخاضه دارد کفای
 الوقایة و شرحها **سوال** زنی دو فرزند
 بیک شکم از د نفاس است اول کی بود یا
 از دوم **جواب** از اول کفای اکثر و شرح

و هو المعجب **سوال** علوق زنی اگر پیش از آن که
 صورتی از بی تمام می شود بیفتد در حقیقت
 و انقضای علة و ام ولد شدت کنیزک
 و غیره فلتک او را حکم فرزند باشد یا نه
جواب باشد اگر بعضی اعضاء او ظاهر شده
 باشد **جواب** موقوف تا ختن و نحو ذلك کفای
 الکافی **سوال** اقل مدة نقاس چه مقدار است
 و اکثر **جواب** اقل را حدیث
 و اکثر را چهل شبانه و زیادت کفای اکثر
سوال در صورتی که بعد از ولادت پانزده
 روز خوب دید و پانزده روز پاک دید
 و ده روز دیگر بان خوب دید هر چهل
 روز نقاس باشد یا اندر ده روز حیض

باشد یا **جواب** هر چهل روز نفاس باشد
 نزدیک امام اعظم و بر قول صاحبیه بود
 پانزده روز یا یکی که خون می بیند اگر سه
 روز زیاده از سه روز باشد حیض باشد
 و لا استحاضه کذا فی مجمع البحرین فی الخاضع
 و علیه الفتوی ای علی قول ابی حنیفه
سوال زنی که اول بار فرزند آورد پانزده
 روز خون دید که دیگر که فرزند آورد
 زیاده بر پانزده روز خون دید نفاس
 او همان پانزده روز که عاده اوست پانزده ^{ماند}
 نیز **جواب** اگر تا چهل روز منقطع شود
 تمام نفاس باشد و اگر از چهل روز زیاده
 باشد ^{هم} پانزده روز که عاده اوست نفاس

باشد

باشد ^{فحلیه} استحاضه باشد کذا فی المفرد
سوال اگر زنی بعد ولاده اصلاً خون بیند
 غسل بروی لازم کرد یا **جواب** ایست مسئله
 از امام اعظم ابی حنیفه رضی الله عنه بر
 سیدند فرمود که این چنینست هرگز نباشد
 فاما ام محمد مریم علیه که است که بر و غسل
 نباشد و ابو علی دقاق رحمه الله گفته است
 که مجرد ولاده بر و غسل لازم کرد و قبله تلخیص
 کذا فی الفتاوی حجة **سوال** اگر کوته
 بر پستانها مامد می کند و زیاده از مرهم
 شرعی از آن آلوده میشود متنجس گرد یا
جواب اگر در چون پرید هن باشد متنجس
 گردد بر وایت از امام امیر سراج صحیح

از ابو حنیفه رضی الله عنه نباشد مادم کبیر
 نشود کذا فی الجنب و المزیه **باب** **ع** در
 بیان طهاره جام و خوف ذلک بدانکه جام
 پاک داشتن یکی از فرایند و شرایط فلک است
سوال نجاست بر چند وجه است و حکم هر یکی
 چیست **جواب** بر دو وجه است یکی غلیظ است
 که مزایه از دم شرعی باشد مانع جویز صلو
 است چون بنفس یا بجا مرکسوه یا بمصل
 برسد و خفیفه آنکه چون زیاده از ربع جام
 باشد مانع جواز نماز است و تا ربع عفویت
سوال خمر بول ادی و حیوانی که غیر ماکول
 لحم است و پس افکنده ماکلا و مرکب اسب و گاو
 و گاو و غایط و خون و ریم و زرد آب

نجاست

نجاست غلیظ است یا خفیف **سوال** غلیظ است
 کذا فی الشافعی و الیساع و بعضها فی السکن
سوال نجاست که تملک است آنکه فرد شود بود
 خشت شدن چنانچه عذره و مرکب و زرد
 دم شرعی و مرو معتبر است یا مساحت **سوال**
 وزن معتبر است کذا فی جمع البیرون **سوال** بول
 چیرغیا که ماکول لحم است و بول اسب و پس افکنده
 مرغانی که گوشت ایشان حرام است چون جرج
 و بامز و شاهین و سیچف و بخوه و بول حیوان
 که گوشت او حلال است چو گاو و کوسند و غن
 قانما پس افکنده مرغانی که گوشت ایشان حلال است
 چون کبوتر و کبچشک پاک است کذا فی الکن
سوال اگر عذره بر جام دود رسیده آب

عذر و بر دوش جامه رسیدن آب عذر
دوم جامه تنجیس کردن باین **جواب** کرد بر قول
امام اعظم علیه السلام بویوسد رحمة الله و بوجوه
امام محمد رحمة الله و بر ویست از امام اعظم **عنه**
کوفی رحمة الله علیه کذا فی المراجعة **سوال**
نجاست غلظت جامه یا بتن رسید چه حکم دارد
جواب نجاست غلظت چون زیاده از دم شرع
باشد ضریقه است شستن آن مشهور است
نجاست مقدار دم شرعی باشد آن واجب
بود و غایت آن جامه جایز با کراهت بود
اب و اگر کمتر از دم شرعی باشد شستن
آن است است کذا فی النایع **سوال** دم شوی
چه مقدار است **جواب** گفت دست چون پیشان کند

در آن

در آن قدر که البایستد هم قدر دم شرعی باشد
فاما بحدیث ابو حنيفة کبر آنکه امام محمد بن
مقدیر بیان کرده است این است **سوال** جامه
تر است بآب بپزند در جامه پاک بپزند از اثر آن
بپزند جامه پاک نیز ترکت اما آن چنانکه
شپیلند چنانکه بپزند آن جامه را نیز بپزند
توان گفت باین **جواب** فی کذا فی اللخیر
سوال اگر جامه خشک بر سر کین تر انداختند
و اثر سر کین در آن جامه ظاهر گشت فاما اگر
بشپیلند آن هیچ قدر از آن بچکد جامه مذکور
بپزند کرد باین **جواب** فی کذا فی النایع فی
فتاوی الصغیرة الأصح انه لا یبصر نجسا
نجاستی که جامه یا بتن یا بساط برسد

بگویم چیز پاک کرده **جواب** یا ابلیس یا آنکه
 نجاست بدان مزایا شود چنانچه سرکه و آب **مغفر**
 که بدان مرنگ میکند و بخور و آب مستعمل **بزرگ**
مخفی علیه کذا فی المضمرات **سوال** نجاست **جواب**
 بشویند حکم بیکی اوکی شود **جواب** نجاست
 که غوره میشود چون قطع شود پاک گردد
 و آنکه غوره نمیشود چنانچه جود و خمر **بزرگ**
 کوزه نشستن و هر سه کوزه شیلیدن با احتیاط
 گردن کذا فی الکنز و غیره **سوال** نجاست که قوی
 میشود اگر بشستن بمورد آب اشران **بزرگ**
 چنانچه چنانچه آب نجس ترکند و خوف
 حیض و نحوه اگر افران بعد نشستن باقی **بزرگ**
 حکم بیکی او توان گفت یا **جواب** توان گفت

چون

بخون بمالفته شد شود کذا فی مجمع البحرین
سوال اگر جامه پلید مراد رسه آفتاب در کند
 و هر بار بمالفته شیلد و بجا آنکه در یک اوند
 بس آب بشویند و هر بار شیلدن پاک گردد
 یا **جواب** کرد کذا فی مجمع البحرین **سوال**
 چنانچه که شیلد نمیشود چنانچه بوسه یا
 و جام خاکی سفالین و شمشیر و کیم و غله
 و غود که اگر نجاستی بدک برسد که دید
 نمیشود چنانچه بول و خمر مثل آن چگونه
 پاک گردد **جواب** بزرگ شستن و هر یک
 جفا که کوبد کذا فی الکافی **سوال** آب معی
 از پی چون مزیا را از سرم بجام برسد و
 و خشک شود اگر از مال و بیفشاند

پاك كردد ياني **جواب** كردا اگر بعد از بول
 آت را باب شته باشد و مدني درو غالب
 نباشد كذا في المنافع **سوال** مرعي كثر از
 خود مي ديد و خشك شده يا فت كدام عامر مان
 كريا ند **جواب** آنكه بعد از خريد خوب كزان
 باشد **جواب** اگر بخايت غير مي در جامه يا
 و يقين مفايد كيا بجا مه عامر كز ميه است
 هيچ مانز گودند ياني **جواب** في المسكنات
 في السرايعة **سوال** اگر بخاستي تندر بموز
 رسد در حاله كتر باشد و بعد از آنك خشك
 شود بماليدن بوزمين بمبالغة يا اكر كرد
 ياني **جواب** كودر كذا في النخبة و عليه الفتوى
 من مشايخنا لعموم البلوي وهو المصحيح

الكر

اگر بخاستي غير تندر چنانچه بول و خن بموز
 رسد و آنرا پيش از آنكه خشك شود بخاك
 بمبالغة بمالد يا كودر د ياني **جواب** كودر بر قوت
 امام ابو يوسف مرجح عليه كذا في المضارح
 و من السرايعة و اعقد مشايخنا على هذه الرواية
 من الواقاية **سوال** چنانچه موز و غيره
 بماليدن يا كودر بوسيتين نين بدین
 طريق يا كودر ياني **جواب** كردد كذا
 في الفتاوي حجة **سوال** بوسيتين را كپرند
 يا بوز و عن پيلد چرب كودند بعد از كپرند
 بوسيطه كذا كذا رفت بوجود آنكه اش
 ان باقي باشد پاك كودر ياني **جواب** كودر
 كذا في الفتاوي حجة و فقيه **سوال** دشت

از می از مرغ غن پلید آلوده شد از اسهال
 باب شستن بوجود آنکه از مرغ غن مذکور
 بر دست او پاک گردد یا بی **جواب** گردد کذا فی النسخه
بسط اگر بخاستی برسد و شستن باب آن
 مضر باشد بجای شستن کمره پاک گردد و پلید
 شود یا بی **جواب** نشود کذا فی الفنیة **سور** است
 موزه که از کویاس باشد آب پلید یا بول از مرغ
 آن اندر موزه برسد و کویاس ملکه
 بدن تر گردد اگر سکه آنرا بآب پر کنند و هر
 کسیت بریزند **مکرمه** بدین طریق
 پاک گردد یا بی **جواب** گردد کذا فی التجنیس المزیه
دانه کنتم یا گوشت در آب نجس بخت شود
 هیچ وجه پاک گردد یا بی **جواب** فی وعلیه الذنوب

کذا فی

کذا فی المضرات **سور** بگوشت یا بجای آنکه از خون
 پاک بریزد روان میشود و آلوده میشود
 یا از مرگها گردد خون سایل بگوشت یا بجای
 برسد متنجس گردد یا بی **جواب** گردد **سور**
 خون که در گوشت منجمد و در حال بریدن
 میچکد آن نیز نجس است یا بی **جواب** بی
 المسلمات کذا فی الفنیة **سور** لیا به خون پلید گردد
 چگونه پاک شود **جواب** آنکه ایستاده است و آنرا بر
 پاک و پخش شدن است چو در زمین بچند
 ضرب بریزد بغیر شستن پاک نشود کذا فی المضرات
 ما ذکره قایم علی المرحله المختار انه یطهر بالحق
 و بعد ما قطع لا یطهر الا بالغسل **سور** بر زمین خفته
 چوین بخاست برسد و افتاب و ختاب بکند

می رسد بر ساق چنان خشک شود که اثرات
 نموده نشود تا آن بران گذرد باشد یا فی
 باشد کذا فی النافع **چون بول آبی**
 بخت پخته نبوی رسد اگر کوفی بشوید و هر
 کوفی خشک کند پاک گردد یا فی **چون** گردد
 کذا فی المضرات **سوال** زمین که بران بخت
 رسیده اگر کوه آب در آن بریزند و هر کوفی عاقل
 و بر پر کال جامه انرا هفت کنند یا آنکه آب
 چندان بریزند که مرنگ و بوی بخت از آن
 ترا ببرد بعد هفت کردن پاک گردد **یا**
 گردد کذا فی النافع **چون** صفت خاکی
 بکل و سر آید چنانچه رقت و بوی سر آید
 غالب نباشد تا آنکه کذا در آن بول شاید یا فی

چون

چون شاید کذا فی المضرات **چون** غل که باوان
 یا غل می کنند و بول کاوان در آن غل می افتد
 مازن بر پدید گردد یا فی **چون** فی بول ماکول
 بول بر قول امام محمد رحمه الله علیه پاک است
 و درین مسئله فتوی بر قول و است کذا فی
 الفتاوی و بوجه **چون** در بقیه دیار خرم
 غل بخران یا غل می کنند چون بول ایشان در آن
 غل افتد خرم غل مازن کور چکوه پاک
 گردد **چون** چوبه قسسه کنند و بریزند یا بقیه
 از آن بکسی دهند انگاه هر قسمت محفل شود
 خوردن از آن شاید کذا فی الوقایه و شرحه
چون تا غل اگر ان پشت کوه سفید و شتر
 و اسرایه کار و بیرون آرند بشتن پاک است

و درین مسئله
 فتوی بر قول
 امام محمد رحمه الله علیه
 است

گردیدانی **چون** اندک از شک بیرونه اند پاک
 گردد و آنکه از سر کین بیرون آید بی گناهی کثیر
چون بنیویاید بفره مرده و بشیر مردار پاک است
 با بلید **چون** نزدیک امام اعظم رحمة الله
 علیه پاک است بخلاف صاحبیه که با جمیع کفر
چون بر پستانه کوفتند و غیوه که مکررین حالت
 یابره ای بچه پچو شد اگر بدست ترشده از پاره شد
 و از دست بشیر نین مرید حرام گردیدانی
چون عفو است مگر بر وایت گناهی القیه **چون**
 اوئی بزرگ چنانچه ختم بزرگ که از او بپ
 کسلی نگویند کرده و آب از و چکانند و شوره
 آید اگر معتبس گردد از او سه کرة بشویند
 آب از او تمام نکشد پاک گردد **چون** کرد

کد

کذا فی الفیه **سوال** کار دو تیغ و آینه چو در متجسس
 گردد و آنرا بر زمین بچاند عادل که اشراف بخاست
 هیچ نماند پاک گردد یابی **جواب** کردد کذا فی مجمع
 البحرین **سوال** اگر اندکی پنجه پلید باشد
 و پیشتری پاک باشد چو نه یکجا مخلط
 کرده ندانند که پاک گردد یابی **جواب** کردد
 اگر سکه باشد کذا فی الفیاضة **سوال** اگر روغن
 متجسس گردد چگون پاک شود **جواب** در **اول**
 پاک و بریزند باند زرد و در آن اولند آب بر
 یزدند بچوشتند چون روغن بالا آید بر
 که یزدند در آوندی دیگر کنند آب تمام
 بریزند باز روغن در آن اولند کنند بر
 صلیب اولی بریزند بیک کفر چنین کرد

سروغن پاک کرد کذا فی المنجس **سوال** اگر شهد
منجس شود بحد حمله پاک کرد **جواب** در آن
آنکه زنده چوبی یاقی در آن استاده کنند مقدرند
یا بند بعد مقلد مریک اب و در آن با آنکه زنده
اشترهند بچوشتند ساکنه همچنین کنند
تا آنکه سوخته شود آب و شهد بماند با آن
اب با آنکه زنده و ساکنه همچنین کردند پاک
شود اگر چه مزه او متغیر شود کذا فی القیه
المزید **سوال** بخالتی چون با آن سوخته کرد
آن پاک شود یا **جواب** پاک شود و هو
المختار کذا فی مجمع البحرین **سوال** بردست شو
اگر بخالتی رسیده باشد چون دست بشوید
هر بار دست تر بردست ابروی هفت بار

شستن

شستن دست بردست هر دو پاک کرد یا **جواب**
پاک کرد کذا فی المختار **سوال** استنجاء بک
سنت است یا واجب **جواب** سنت است کذا
الکتم **سوال** بعد استنجاء بک استنجاء با آب چه حکم
دارد **جواب** واجب است چون جز منجس زیاده
از دم شرعی آلوده باشد و الا مستحب اگر پیشاه
باید از نظر کذا فی الطایفه **سوال** استنجاء از کدام
چین ها نیج است **جواب** با استخوان و سر کین و طعام
کذا فی الشیخ **سوال** استنجاء بچوب و پنبه و غده
یا **جواب** شاید کذا فی الکتم **سوال** استنجاء
بکاعذ سفید شاید یا **جواب** فی **سوال** اگر
در حال استنجاء انگشت تر در رو و نه دیگرند و
و رو و نه بشکند یا **جواب** بشکند کذا فی

للضرب **باب** در بیان طهارت جمله اعضاء
 و مکان متصل **باب** مکان جمله اعضاء و مکان جمله
 متصل باک داشتن فرض است یا **باب** مکان
 متصل هر دو قدم و مکان پیشانی و هوالمصعب
 کذا فی المظهر **باب** اگر بر سبیل نماز کذا در غیر
 محل سجده و غیر قدیم در آن نجاست باشد
 نماز بر آن جایز باشد یا **باب** باشد کذا فی المظهر
 و لوصل علی سباط فی ناحیه منها نجاسته ارم
 یکن فی موضع قد میه و لا فی موضع سجود
 لا یصح اداء الصلوة موله کما فی السباط کیرل
 او صفیر یحث لو حرکه احد طرفه یتحرک
 طرف الآخر هو المختار **باب** اگر جامه یکطرفه از او
 پوشد و دوم طرفه آن نجاست بود از بر نهی

اختاره

اختاره کذا شد یا آن لباس نماز او جایز باشد
 یا **باب** باشد اگر چنانچه آن طرف که
 نیست است طرفی نجاست جنبه کذا فی البیض
باب یلغزو **باب** اگر نجاست باشد از روی
 کند بر طرفی یا آن نماز گزار در دست باشد یا
باب باشد و علیه الفتوی کذا فی المعزات **باب** اگر
 نماز بر غدا میگذرد که یکدوی آن نجاست سر برید
 باشد دوم روی که ایشان نجاست هیچ ظاهر نکند
 باشد از بالا کند نماز بگذرد روا باشد یا **باب**
 باشد کذا فی النجاست **باب** اگر مردی سجده در محل
 نجاست کرد چوین سر برداشت دریافت که محل سجده
 متنجس است در محل پاک اعاده کرد نماز او جایز
 باشد یا **باب** فی بر قول امام اعظم و محمد

رضي الله عنهما وبقول امام ابو يوسف رواه انك
 في البنايع **ا** كرو بر مصلي دوازده نماز دوخت
 باشد نماز كنند و استراحت محل دو قدم يا محل
 مسجد متعین باشد نماز جايز باشد ياي
ج بر قول امام ابو يوسف رواه انك و بر قول
 امام محمد رواه انك كذا في جميع البنايع و شرح
ا محل قدم اگر نجاسة باشد و كذا يا براس
 پاك باشد ياي از آن بعد از آمدن و بر آن پايش
 ياي در آن محل نجاست نماز كنند در دست
 باشند ياي **ج** باشد **ا** كرو ياي از پا براس
 نكشد حكم او چیست **ج** در دست نهانند چه
 در محل نجاست است كذا في التمهيد **ا** كرو
 در نماز هر دو قدم كسب از درم شش و پيشود

و در تمام
 نمازها

عالم

عالم جواز صلوة باشد ياي **ج** باشد كذا في التمهيد
 والله اعلم كذا في التمهيد المزيدي **ا** كرو غلظت كسب
 بر هر دو قدم و مقدار ياي محل سجود و جمع
 زيادة از درم ميشود جواز صلوة باشد ياي
ج باشد كذا في التمهيد **ا** كرو مرديا وقت
 اداء نماز رسيد و دو محل است ياي زمين مملوك
 غير است كرو غلظت است دوم مره مره است
 كدام اختيار كند **ج** راه اختيار كند اگر زمين
 مزروع باشد يا ملكي كافي باشد و اگر زمين
 كرميلوك غير باشد بموجب اذن است لال
 المسائل من كذا في التمهيد المزيدي **ا** كرو
 مكاني نجس مصل باسليك انداخت كه نجاست
 الله نموده ميشود نماز بر آن جايز باشد

بای **سوره** باشد اما بر این نباشد کذا فی التنبیه
بای در بیانات قضاء العوائت **سوره** مرد بر
 نمازها و بیست و نه وقت شده عقیق نذالند که چند است
 نماز هر روز و نماز کفر بعد چند و نماز
 آن شد که شاید جمله قرائت قضا کز آن مبر
 اگر باز نیت قضا بکند در آخرین دو رکعت باقی
 سوره نیز خواندند بهتر است یا بعد از آن **سوره**
 سوره نیز خواند کذا فی الفتاوی **الحج** **سوره** مر
 نماز هالیا مضاعف می کند بر سبب احتیاط
 اگر چه هیچ نماز و برافوت نشسته باشد چنین
 کز آمدن و بر اجابت باشد بای **سوره** باشد مگر
 بعد نماز فجر و عصر کذا فی التنبیه **سوره**
 در بیانات فی سجود السهو **سوره** اگر کسی در نماز

فعل که از واجبات نماز است ترك آن مرد و یا نماز
 بر واجب بجای آورد چنانچه در رکوع و سه
 سجود در یک رکعت یا در دو رکعت اول فاتحه
 دو بار متصل خوانند یا انقضاء حاصل آید
 چنانچه آیه قصیر خوانند بعد از فاتحه یا **سوره**
 را ترک آرد و بعد از آن نماز یا در آنجا
 آورد چون بغیر قصد صلی بر چنین افتاد
 سجده سهوا لازم کرد بای **سوره** که در کذا فی
 المفهرات و بعضها فی المحیط **سوره** اگر در رکعت
 اول بعد از فاتحه سوره خواند یا فاتحه خواند
 سجده سهوا لازم کرد بای **سوره** کذا فی المفهرات
سوره اگر کسی چیزی از فاتحه خواند پیش از تمام
 فاتحه سوره سهوا نماز کرد بروی سجده

سهو باشد یا بی **جواب** نباشد اگر پیشتر از فاتحه
خوانده است و اگر اندک تر خوانده است و پیشتر
مترک آورده است سجده سهو لازم باشد کذا
المفصلات **جواب** اگر امام یا منفرد در قعد اولی بعد
اقام تشهد صلوة همین قدر خواند که اللهم
صل علی محمد سجده سهو بر لازم آید یا بی
جواب آید چون بغیر عمل خوانده باشد کذا فی المصاحف
جواب مردی در رکعت دوم بعد فاتحه هزار سوره
خواند که در اولی خوانده بود بوجود آنکه سوره
فرز تر از آنست یا در دارد سجده سهو بر لازم
کرد یا بی **جواب** کرد چون عمل نبود کذا فی
الخط **جواب** مردی در رکعت اولی فاتحه
خواند در رکوع رفت بروی سجده سهو لازم

باشد یا بی **جواب** باشد هو المعجم کذا فی الخلاصة
جواب در دو رکعات اخیر اگر کسی بعد از فاتحه
سوره نین خواند سجده سهو لازم آید یا بی **جواب**
بی هو المختار کذا فی الکبیری و علیه الفتوی
فی الضباب **جواب** اگر امام در نماز ظهر و عشاء
کمتر از یک رکعت آیت با و از بلند خواند
یا در عزب و عشاء اقل رکعت خواند سجده
سهو بر لازم کرد یا بی **جواب** بی کذا فی المصاحف
والکبیری **جواب** اگر فاتحه فراموش کند
و سوره بخواند سجده سهو بر لازم کرد یا بی
جواب کرد المستان **جواب** منقره اگر در
ظهر و عصر بلند خواند و در فجر و مغرب و عشاء
اقل بخواند سجده سهو بر لازم آید یا بی

جواب فی کذا فی المفرات **والکبیر** **س**
 امام اگر در قضاء فجر و مغرب و عشاء بر سر نماز
 خواند و یا قضا ظهر و عصر شب بلند خواند
 بروی سجده سهو لازم کردد یا فی **جواب** کردد
 بسجود چنان خواند کذا فی المحیط **والکبیر**
 در سواقل شب بسجده است خواند بروی
 سجده سهو لازم کردد یا فی **جواب** کردد و اگر بعد
 خواند انرا لازم کردد کذا فی المفرات **والکبیر**
 در غایت واجب بسجود کرده که احیط ببلد
 چنانچه سجده سلام که بعاصی لازم کردد سجده
 سهو لازم کردد یا فی **جواب** فی کذا فی التحقيق **س**
 امام بگمان فاسد سجده سهو بجاء آورد و بسجود
 نیز موافقت کرد نماز بسجود منکوم تمام شود

یا فی

یا فی **جواب** فی مکمل و من معلوم باشد که امام سجده
 سهو لازم نیست مع ذلك موافقت کند کذا فی **الکبیر**
س بسجود بعد از سلام امام چون برای قضاء
 آنچه با امام نکرده است برنجیند بعد از امام سجده
 سهو یاد دارد و سجده سهو بجاء آورد و بسجود
 منکوم موافقت کند یا فی **جواب** کند اگر کمره لا
 مقید بسجده نکرده بود **سوال** اگر در سر صورت
 در اثناء قنوت یا در رکوع بود انرا بخدا **س**
 رفت بعد از قنوت از سجده سهو **س** قنوت
 وان رکوع از سوکیرد یا قدری که بجاء آورد
 ان محسوب باشد یا فی **جواب** انکه بجاء آورد
 محسوب نباشد **سوال** اگر بعد انکه بسجده کمره
 مقید کرد و امام سهو یاد آورد سجده کرد

در اسلام



غائر مسبوق مذکور اگر موافقت و یک کند
غائر ثبأ شود یا **ی** بشود کذا فی الطحاوی
سوال مسبوق بعد آنکه مقلد تشهد نشد
برای قضا مانده ویرا کله رقی بود برخاست
تا ناگاه امام را سجده تلاوت یاد آمد از اینجا
آورد مسبوق مذکور را که برود در اینجا و در
متابعت نکند غائر و ثبأ شود یا **ی** **جواب**
شود کذا فی الهدایة **سوال** امام و منفرد بر قیام
ایستاده شده و میخواست که ایستاده شود
یاد آورد که ویرا باید نشست اکنون بنشست
یا آنکه بعد رکعت اول نشست بکمان آنکه دوم است
سجده سهولانم آید یا **ی** **جواب** آید کذا فی
الخلاصة **سوال** در قعود اولی امام یا منفرد بکمان

آنکه این قعود اخیر است صلوة بود تشهد خوانده
گرفت اللهم صل علی محمد گفت بعد یا داود رکعت
قعود اولی است برخاست و باقی غائر بکند در سجده
سهو بر و لازم کرد یا **ی** **جواب** کرد در بقول امام
ای شجاع رحمة الله علیه و بر قول امام حسن
ماثر قیدی نیاید مادام که علی العبد نکوید
کذا فی السراجیه **سوال** مردی در قیام و یا در رکعت
و یا در سجده سهو خوانده سجده سهو شد
لازم کرد یا **ی** **جواب** کذا فی السراجیه **سوال** اگر کسی
تشهد در قعود و دعاء قنوت در وتر قنوت
بسهو بر و سجده سهو لازم کرد یا **ی** **جواب** کرد
کذا فی السراجیه **سوال** اگر قانع مکرر در پیش رکعت
خواند سجده سهو لازم کرد یا **ی** **جواب** کرد

اگر قصد خواندن اما اگر بعد فاتحه سورة بخواند
و بعد سورة فاتحه نیز بخواند سجده سهو
بر لازم نیاید کذا فی الکبری **سوال** اگر در رکعت اولی یا ثانی
تیمی فاتحه فراموش کند و سورة دیگر بخواند
گیرد و در اثناء خواندن یاد آورد فاتحه آغاز
کند و بعد فاتحه سورة بخواند سجده سهو
ترك فاتحه امر محل خود بر لازم کردد یانی
جواب کردد کذا فی التخت **سوال** شخص در سجده
مثل در دو رکعت اخیر با فاتحه سورة نیز بخواند
سجده سهو بر لازم کردد یانی **جواب** فی کذا
فی الکبری **سوال** چو سجده تلاوت کسی بسو
ترك آورد سجده سهو بر لازم کردد یانی
جواب فی کذا فی التخت **سوال** شیخ مسوق بسو

بنازم

با امام سلام گفت بعد یاد آورد برخاست نماز تمام
کرد سجده سهو بر لازم کردد یانی **جواب** کردد اگر
بعد از امام سلام گفت باشد و گوید تمام سلام کند
باشد فی کذا فی السراج **سوال** شیخ در نماز عشاء
رکعت کذا در در رکعه مقدم تشهد نشد چند
که مکرر این قعد اول است و من دو رکعت کذا در امیر
خواست یک رکعت دیگر کذا در یاد آورد که این رکعت پنج
است بنشیند سلام بگوید یا ششم نیز بگذرد انگا
سلام بگوید چنانچه در نماز ظهر **جواب** برویز
هنگام ششم نیز خم کند و فتوی هسبرین است
سوال اگر درین صورت مذکور چون سر بخم کند
سلام گوید سجده سهو بر لازم کردد یانی
جواب فی مکرر انگا ششم نیز بگذرد **سوال** اگر در حق

و جوب سجده سهو و نفل بر سر است
یا آخره است **جواب** برای است کذا فی المحيط **سوال** اگر
در نماز عصر سهواً قتل چون سلام گوید
اختاب فرود شده باشد در اینجا سجده
سهو یا از یایی **جواب** فی کذا فی القیامه **سوال**
امام و منفرد بعد اقامه فاتحه اگر مقدم یک رکعت
در رکعت کند در بین اندیش آنکه کلام الله یا کلام
سوره بخواند سجده سهو بر و لازم کردنی
جواب کرد کذا فی الکنز **سوال** شخصی دو رکعت
نماز نفل میگذرد و سجده سهو یا اعتبار
سهو یا آوردن روا باشد که دو رکعت دیگر
با آن هم کند یا یایی **جواب** فی کذا فی الکنز **سوال** مسوق
چوب برای قضاء آنچه امام پیش از او گفته است

بر حالت

برخواست و مقیم چون بعد از سلام امام که امام
مسافر بود برای باقی نماز برخیزد در اینجا
ایشان اگر ترك واجب بسو شود سجده
سهو برایشان واجب یک یا یایی **جواب** یک کذا
الطحاوی **سوال** لاحق برایشان بشمار آنکه او را سلام
فوت شده است بگذارد سجده سهو و یا نه
امام شاید یا یایی **جواب** فی لیکن در قعه لغو
صلوة یا از کذا فی المصنوع **یا بیان دهم**
در بیان سجده تلاوت **سوال** سجده تلاوت بر
خوابنده و شونده چه شرط لازم گردد مفسران
بیان فرمایند **جواب** بحثها در شرط یکی آنکه عاقل
باشد دوم آنکه بالغ باشد سیوم آنکه مسلم باشد
چهارم آنکه بالغ باشد از حیض و نفاس کذا فی

و مسوق میگوید است از امام مسافر است

المفترقات **س** اگر خوانند یا شنوده جنب باشد
 سجده تلاوت بر ولازم کرد یا **جواب** کرد کذا فی
 للعل است **س** مردی مشغول است بکار بیرون
 او کسی آیه سجده خواند و او نشنید سجده تلاوت
 بر ولازم کرد یا **جواب** فی وهو الصبح کذا فی
 المفترقات **س** شخصی در خواب است سجده خواند
 کسی که از وی بشنود سجده تلاوت بر ولازم
 کرد یا **جواب** کرد کذا فی المفترقات **س** در صورت
 کی کسی در خواب چوبید لرزش او را خبر کردند
 بر خوانند من کور سجده تلاوت لازم کرد یا
جواب فی کذا فی النقص **س** کسی که بود خوانند
 امام است سجده افتاد کند بر و متابعت امام در
 سجده تلاوت لازم کرد یا **جواب** کرد کذا فی التقدیر

آیه و جواب

سؤال امام در ظهر و عصر آیه سجده خوانند
 شاید یا **جواب** مکروه است کذا فی النشأ **س** در نماز
 جمعه و نماز عید بین امام اگر آیه سجده خوانند
 کربا اعتبار آنکه بعضی جماعت نشنیده باشند و در
 نیابند و تکیه سجده تکیه رکوع بندارند رکوع کند
 و در نماز ایشان خللی افتد امام را سجده
 من کور ترند کیر یا **جواب** شاید در رکعت
 کذا فی المحيط **س** مقتدی اگر آیه سجده تلاوت
 بر امام خواند امام و جماعت از وی بشنود
 تلاوت بر امام و جماعت و خوانند من کور لازم
 کرد یا **جواب** فی کذا فی الینایع **س** در سرون
 نماز شخصی ایات سجده شنید از کسی که در نماز
 سجده بر ولازم کرد یا **جواب** کرد کذا فی التقدیر

سوال شیخ در نماز ایست سجده شنید از کسی گفت
 علی الحد میگوید یا بیرون نماز است بنشیند
 آن سجده بجا آوردن چنین کفر است شاید
 و نماز او بناء شود یا **جواب** چنین کرد ^{بناشد} مرد
 فاما نماز وی قبیح نشود بر و است صحیح خواهد
سوال چون کسی در نماز ایست سجده از کسی
 بشنود که او در نماز وی نباشد یا مطلق در
 نماز نباشد و آن سجده در نماز بجا آورد یا
 نیاورد چون آن نماز فارغ شود سجده تدارک
 بجا آورد یا **جواب** اگر کذا فی الکنز **سوال** شیخ
 در نماز یا در سجده تلاوت بخواب رفت و وضو
 یش بشکست یا **جواب** بشکست برویت اما بقر
 اصحی کذا فی الخلاصة **سوال** شیخ آیات

سجده

سجده در وقت مکروه خواند بعد از آن در وقت
 وقت سجده بجا نیاورد و بعد از آن در وقت
 مستحب نیز بجا نیاورد اگر در وقت مکروه
 دیگر بجا آورد در وقت باشد یا **جواب** بی کلام
 فی النقص **سوال** چون کسی در نماز ایست سجده نمود
 جهرا نیست که فی الحال سجده کند یا بعد اقام
 سورة سجده کند **جواب** در صورتی که ایست سجده
 در میان سورة باشد چنانچه سورة تحفی و تحف
 در آن افضل است که سجده فی الحال کند بعد
 سورة تمام کند و در صورتی که ایست سجده آخر
 اوست چنانچه سورة البقره و البقره و البقره
 است که رکوع بجا آورده بعد سه سجده کند
 دو صلیه و یک سجده تلاوت و اگر سجده تلاوت

بر رکوع مقدم کنند و اولی آنست که از سورتی دیگر
 چیزی بخواند بعد در رکوع سرور و اگر استاده
 شود و هیچ بخواند بعد رکوع بجا آورد دو رکعت
 تمام کند نیز روا باشد و اگر از بعد از ایات سجده
 دوایه سجده دو ایات یا سه ایات باشد چنانچه
 در سورتی بنی اسرائیل و اذا السماء انشقت
 او بخیر است اگر خواهد سجده تلاوت بجا آورد
 بعد باقی بخواند و نماز تمام کند و اگر خواهد
 سوره تمام کند انگاه سجده کنند کذا فی
 الینایع **سوره** اگر کسی بجا سجده تلاوت رکوع
 کند غیر رکوع صلیب جایز باشد یا نه **سوره**
 باشد اگر در حال رکوع نیت الله باشد که این
 سبب تلاوت است و اگر در حال رکوع نیت

نکند

نکند بروایقی جایز باشد و بروایت دیگر
 فی الضمات **سوره** شخف ایة سجده خارج صلیب
 خواند و سجده تلاوت بجا آورد و متصل
 شروع در نماز کرد و در نماز نیز همان ایة
 خواند سجده اولی بسته کند یا نه **سوره**
 فی کذا فی المحيط **سوره** اگر کسی در نماز سجده
 تلاوت ترک آورد بعد قضاء آن ممکن باشد
 یا نه **سوره** فی کذا فی الکافی **سوره** در صورتی
 که بیرون نماز ایة سجده خواند همان ساعت
 همه مرتبه مجلس شروع در نماز کرد باز هم
 ایت سجده خواند اول نیز همین بسته باشد
 یا نه **سوره** یا باشد کذا فی الکفر **سوره** کسی در یک
 مجلس ایة سجده تکرار کند از جمله یک سجده

که اول بجاء او برود تا آخر سله باشد یا نه **جواب**
باشد کذا فی المضاربت **سوال** اگر کسی در سجده
جامع بیکرود و آیت سجده تکرار میکند
یکبار در یک سوره و کمره دوم در دوم سوره
نخواند یا آنکه در خانه بفرماید و یا در کشتی
و یا در جوض و یا در جوی کمره در یک سوره
و کمره در دوم سوره بخواند بر وجه یک سجده
لازم آید یا هر بار سجده دیگر **جواب** یک سجده
لازم آید کذا فی المضاربت **سوال** اگر در محرام
کسی پیاده میرود و کسی بر مرکبی غیر
نشیند سوار شد میرود و کسی که در پاهای
انشاء میکند که دنبال سواران در حرم بیکرود
و کسی که شایخی بشاخنی سوار میاید شود

درین احوال اگر آیت سجده تکرار میکنند
کریه سجده لازم آید یا از جمیع یک کند **جواب**
بهر گوی سجده لازم آید مگر آنکه بر مرکب در
خانه تکرار کند کذا فی الشایع **سوال** در یک
مجلس این سجده تکرار کند و در میان
چند لقمه طعام بخورد یا آب بسیار بخورد
یا سبخن بسیار کند یا خواب بر بهلوی کند
یا زنی فرزند را شیر دهد یا شاء در سوره
تند یا در شاء آن خرید و فروخت یا در
مکاح مشغول شود یا بعد از خواندن در
خانه شروع کند و در آن نین بخواند برین
تکرار بر و تکرار سجده باشد یا نه **جواب** باشد
کذا فی المضاربت **سوال** اگر خواننده آیت سجده

خوانند و برخواست رفت شخصی از شنید
 و او صاف بجای بود که با نماز اند همان ایستاد خوانند
 بر شومند من کور نیز تکرار سجده ایند تا
در فی فعلیه التوکی فی الیابیع **در** در
 صورتی که خوانند همدان مجلس باشد و نوا
 برود با نماز ایند کوفی دیگر نیز همان ایستاد
 بشنود سجده دیگر بر و لازم کرد **در** کرد
 و علیه التوکی فی المیزان **در** در سجده تراز
 تکبیر در اول و آخر واجبست یابی **در** فی کفای
 المبسوط **در** طریق مستحب در سجده تکرار **در**
در آنکه استاده نشود تکبیر گوید سجده کند
 بعد سجده نیز تکبیر بگوید استاده شود بعد
 بنشیند کذا فی الظهیر و العتابة و الله اعلم

باب

باب در زیارت در بیان صلوة المسافر **در**
 مسافر بقصد سفر مسافر کرد یا بفعلی غیر
 بستند **در** هر دو سبیل ازین دو کذا فی المضاف
در شخصی قصه معنای کرد که آنجا اگر بخشاک
 برود سه روز برسد و اگر در گشتی برود
 در روز و در برسد چون بکشتی برود شاید
 که قصر فطاسر کند یابی **در** فی و اگر خشی برود
 باید نماز قصر کند یعنی دو کاه بگذارد و روزه
 افطار کند کذا فی المضرب بانه قصد موضعا
 له طریقان اتحد کما فی البر و آخر فی البکری
 و طریق البر یوصله فی ثلاثة ايام و طریق اقل **در**
 فانه اذا سافر فی البر یقصر و اذا سافر فی البحر
 لا یقصر و لا یعتبر حدما بالآخر **در** خفیض

البحر

کذا فی المصنف

بقصد مقامی بیرون آمدن در راهی که کم از سه
 شبانروز نتوان رسید و سویی آن مقام را
 دیگر در زمین هموار است که بدان راه دوازده روز
 توان رسید و روزی شاید که قصر و اقطاع
 کند کتایب الینالیج یای **جوت** شاید اگر مرز
 برسد فلان قصر کند و روزی اقطاع کند که
 فی الینالیج **مر** در راه از خا تا بقصد مقامی
 بیرون آمد که دوازده میرفت از بخار به قصد
 مقامی کرد که آن نیز دوازده راه است بدین
 خط اگر چند ماه در مسیر باشد و آن هم مقام
 قصد سه روز راه نکند احکام سفر بر و مرتب
 شود یای **مردی** که کتایب الینالیج **مر** اگر
 با ایشاه از شهر سکونت بقصد سه روز راه

بیرون

خطیست از اسافریها
 صلوة المافزار اسافری

بیرون آید و در ملت خویش گشت کند رخصت
 قصر و اقطاع مراد باشد یای **مر** باشد کتایب
 فی الاصول الشافعی حتی انه السلطان لوطا ف
 اطواق ملت بقصد مقادیر السفر کاند که
 الترخیص فی الاقطاع و القصر فی التخصیص المزیج
 اذا سافر یصل صلوة المسافر لانه مسافر اخذ
مر مسافری در غیر وطن خود نیست چنانکه
 که فریاد یا پیش فریاد و آن شوم هتبرین مدافریه
 گشت رخصت قصر و اقطاع از وی ساقط گردد
 یای **مردی** فی کتایب العتایبه **مردی** شخصی در
 شهری در ملک بفرعی و عزیمت وی است که
 که غرض من حاصل گردد بیرون آیم هتبرین
 فقط تا یکسال یا زیاد گشت میمیرد

یانی **جوابی** کذا فی العتابیه **سوال** چو لشکری
 در زمین مواسی در لیل و اهل حرب را گرد کرد
 در آن مقام اگر امیر ^{تلاصت} باشد ^{تلاصت} میکند مواسی
 یا نه روزی و یا زیاد کند مقیم کرد یا بی
جوابی و هر الصبح کذا فی المضار **جوابی** بخت
 صحرا نشین که خاندان ایشان خیم و خورگاه
 است به نیت اقامت ایشان مقیم کرد یا بی
جوابی کذا فی الکبری و علیه الفتوی
سوال کوکبی و شسائی از خاد بنی سب
 شاز و مز راه یا زیاده بیرون آمدند
 بعد کودک مذکور بالغ گشت و آن
 ترسا مسلمان گشت قصر نماز و افطار بود
 در حق هر دو باشد یانی **جوابی** در حق

ترسا

ترسا باشد و در حق کودک کذا فی
 الخالصه **سوال** شخص در مسافر بید
 محبوس است و یا بملزمیت با دایره ماسر
 است نیت سفر و اقامت از آن دایره معتبر است
 یا از آن مدیون **جوابی** اگر مدیون فقیر باشد
 نیت دایره معتبر است و اگر موسر است به نیت
 مدیون مگر آنکه غنیم چنین کند که این دایره
 غنایم دارد کذا فی النص **سوال** چو امیر
 یا مستاجر در سفر باشد یا نه یا شومر باشد
 یا لشکر یا امیر باشد یا غلام یا معنی باشد
 به نیت سفر و اقامت از آن تابع معتبر است یا نه
 یا از آن متبوع **جوابی** نیت متبوع معتبر باشد
 کذا فی الذخیره والرجیه **سوال** دیگر لشکری اگر

و بجه خویش خورد و وظیفه ملک بخوردیت
 او معتبر باشد یا بی **جواب** باشد کذا فی الظهور
سوال اگر کسی بقصد معصیه از خانه بیرون
 آمد مسافر گردد در سخت قهر خانه و افعار
 روزی او روا باشد یا بی **جواب** باشد کذا فی
 الهدایه و غیره **سوال** در غایت شام و در بیجا
 ست و موافق نیز قهر شاید یا بی **جواب**
 کذا فی المحيط **سوال** اگر مسافری در مقام بنیت کرد
 که چهارمیه روزی در بیجا چاه خواهم
 بود مراد شاید که غایت چهارمیه کاه قهر کند
 یا بی **جواب** شاید کذا فی الکفر **سوال** در حق مسافر
 قهرایی است یا کمال **جواب** قهرایی است بلك با کمال
 اگر کرد کذا فی الاختیار **سوال** اگر مسافری چهارمیه کاه

در ظاهر بگذرد و قعه اولی ترک از غایت وی تمام شود
 یا بی **جواب** شود کذا فی الطی **سوال** مسافر چون در
 وقت قهر و یا عصر و یا غایت با مقیم اکتفا کند در
 او هر چهار رکعت فرض کرد در یا بی **جواب** کرد کذا
 الکفر **سوال** اگر بعد بیرون آمدن وقت مسافر
 اکتفا با عید بمقیم کند روا باشد یا بی **جواب**
 کذا فی المحيط **سوال** اکتفاء مقیم بمسافر در وقت
 بیرون وقت جایز باشد یا بی **جواب** باشد کذا
 فی الشافی **سوال** چون مقیم بمسافر اکتفاء کند مسافر
 ملک او را اگر چهارمیه کاه بگذرد اکتفاء مقیم در کاه
 اخیر جایز باشد یا بی **جواب** کذا فی المصنف
سوال در غایتی که در عصر فوت شده باشد چنانچه
 در سفر قضا بگذرد در آن نیز قهر روا باشد

کتاب الکبر
فوت سید احمد از ادب و علم

یابی **مردی** چون فضل کند چهار کاذب بگذرد
 یاه و کاذب **جور** دو کاذب کذا فی الکفر **مردی**
 از وطن اعیان انتقال کرد در شهری دیگر چون
 آشت بعد از مقام سکونت مسافر شد و در
 اصلی دناقت بخیر در آمده معین کرد بغیر
 نیت اقامت یابی **جور** کذا فی الهدایه
سور مردی بمقدس و وزیر یا زیاده افتاد
 بیرون آمد در شان راه و میرانیت بازگشت
 شد بعد چهار کاذب بگذرد یا و کاذب
جور اگر از محل بازگشت مقدمه
 است دو کاذب بگذرد و اگر کمتر است
 چهار کاذب بگذرد کذا فی الکافی **سوال**
 شجاعت بهیسه سفر از خانه بیرون آمد از عملیات

گذشت

گذشت ظهر دو کاذب از آن کرده بود ویرانیت سفر
 شد اگر وقت ظهر باقی باشد ظهر باز کردند و
 کاذب بگذرد یابی **جور** کذا فی الترویج فی الترمیم **جور**
 اگر مسافر ظهر و یا عصر چهار کاذب نیت کند بروی آن
 چهار کاذب لازم آید یابی **جور** کذا فی المحیط **سوال** تابع چون
 بند و زن و نحوها دو کاذب گذارند و بعد روشن شد
 که متبوع نیت اقامت کرده است تابع مذکور چهار کاذب
 قضاء کند یابی **جور** کند کذا فی الکافی **سوال** **سور**
 در بیان نماز جمعه **سور** شرایط اداء نماز جمعه چند است
 و کلام است **جور** شش است یکی مهر دوم بادشاه یا نایب
 بادشاه سیوم وقت ظهر چهارم خطبه پنجم جماعت
 اگر چه سه نفر باشند ششم از غایبین در راه مسجد
 باز باشند هر یک کسرا منع نباشد **سور** شرایط و خوب
 جمع چند است و کلام است **سور** پنج است اقامه و سر
 و صیحه و شریه و سلامی چشم و پای و اسلام نین

الروایان

مکروه باشد کذا فی السراجین **یا** کو تمام اهل شهر را جمع کند
 بسبب میسر نباید شاید که ظهر جماعت گذرند درست باشد
 یایی **یا** باشد فاما آنها که گذرند مستحب است کذا فی الکبیر
یا چون بادشاه دوم باشد و اولی را پیر که خطبه باز داشت
 بود مادام که فرمان او نیامد اگر خلیفه والی یا قاضی جمع
 گذارند آنرا کند یا خلق جمع شوند کسی را برای امامت
 و خطبه اختیار کنند جمع ایشان جایز باشد یایی **یا**
 باشد کذا فی السراجین **یا** فاما جمع بغیر اذن خطیب چو یک
 بگردد و حاله الولاية بدو اقتداء مکرر باشد درست باشد
 یایی **یا** کذا فی السراجین **یا** اگر خطیب برای خطبه در
 مسجد حاضر نشد و وقت تنگ گشت شاید که قاضی غیر
 بشر فرستد تا خطبه بخواند و امامت کند یایی **یا** شاید
 کذا فی التهذیب **یا** وقت ظهر چو در اثناء نماز
 جمع بیرون آید فاما جمع تمام کند یا ظهر از سر گیرد
 ظهر چو در اثناء نماز جمع بیرون آید فاما جمع تمام

کند

کند یا ظهر از سر گیرد **یا** ظهر از سر گیرد کذا فی مجمع البحرین
 شیخی مراد ایشان فاما جمع فجر از سر زیاد اوردن گرفت
 شد است فاما جمع تمام کند یا فجر را مقدم دارد **یا** اگر
 خوف بیرون آمدن وقت باشد جمع تمام کند و اگر بماند
 که بعد از آن وقت قضاء فجر یا امام نیز خواند بی وقت فجر مقدم
 دارد و اگر خوف فوت جمع باشد فاما ظهر بعد تواند
 گذارد بر قول امام اعظم و بر سبب رحمة الله علیهما
 فی مقدم دارد و بر قول امام محمد رحمة الله علیهما تمام
 کند کذا فی شرح مجمع البحرین **یا** بجز بیرون آمدن
 بر جماعت نماز و کلام حرام میشود یا بعد برآمدن بر
 منبر **یا** بعد برآمدن بر منبر کذا فی المضارع **یا** اگر کسی
 از امام دور باشد چنانچه خطبه نشود در حق او نیز کلام
 و نماز ممنوع است یایی **یا** ممنوع است هو المحدثان کذا فی
 التبری **یا** چو مؤذن بعد بیرون آمدن خطیب با کلمات
 بگوید اجابة الله شاید یایی **یا** کذا فی التهذیب **یا** در حال

خطبه چون که در مسجد در یک صلوات گوید در صلوات و جواب
 برسد بگوید یا ای فیه و بقیه کذا فی التناوی **بخش** چون که
 بخیر است و برادر در حال خطبه در خطبه باشد فی الحال کذا
 یا ای بکذا کذا فی المصنوع بعد از آنکه از جمع
 صلوات که در حال خطبه صلوات گوید بود لایم الید یا ای
 هو المختار کذا فی الفصاحه **بخش** چون خطبه ایاء الله الذ
 امنوا صلوا علیه وسلموا تسلیما بخواند شونده در صلوات
 آهسته اولی است با سکوت **بخش** الا هم السکوت کذا فی الاذنه
 یا انکرا از جمع که بیاید بکند و واجب گردد و خیزد و فریاد
 مکرر شود همانست که بعد بیرون آمدن خطیب میگویند
 یا انکرا اولی میگویند بعد از آنکه **بخش** اول کذا فی الهدایه و الا
 ان المعتبر هو الاول از کلمات بعد از اول **بخش** در مسجد در
 جامع در محلها بلند چنانچه ملوک خانه و عواید بقیه و
 غایر جمع کلام در مکروه باشد یا ای باشد کذا فی القیامه
بخش در بعضی مقامات مرعاه از اشتباه میشود که اگر مرعاه

کند

کفت یا ای و بعضی یکی از شرائط اتفاقا در جمع است بیک
 اشتباه چهارگاه ظهر نیز بیک کلام یا ای شانی که بکند
 رفع اشتباه از مقامی که یقین مصر باشد بشتن و بلند
بخش مقایه اصلین دان مصر باشد و حکم زمان در جمع شده باشد
 در آن شکی نیست جایزه است که در بی بزرگ که در آن ده هزار باشد
 و بر وایتی هزار مرد و بر وایتی که در آن هزار نفرند
 بنزد و یکی ادبی میروید و بر وایتی هر صلب حریفی را از شرف
 خویش کنایت باشد و والی و قاضی باشد که او را تفتید
 احکام مقدر باشد در این چنین در بیست چون غورمان
 سلطان و حکم قاضی جمع متفق شود بالاتفاق در شرف
 اما در مدینه بوزن و بمشابه شهر باشد از جهت جمعیت چون
 حکم سلطان و قضا قاضی در آن تحقیق نباشد یا تفتید
 احکام شروع در آن میسر نیاید در آن بتولی بعضی **بخش**
 ظهر نیز بیک در بر او احتیاط کذا فی المصنوع من التناوی
بخش چهارگاه که بنیت ظهر بیک کلام اولی بکند یا آخر

بگذرد ترتیب بیان در میان **دو رکعت** و **دو رکعت** چهار
 گانه است جمع بگذرد بعد چهار رکعت نیت ظهر بگذرد بعد
 دو رکعت است الوقت بگذرد هذا هو الاصح المختار في فتاوی
دو رکعت چهار رکعت که نیت برای احتیاط بگذرد در دو رکعت نیز
 بعد فاتحه مسوره میخوانند یا **یا** میخوانند و علیه السلام
 کذا فی الفتاوی **ا** هو **ا** اگر خطیب بیک خطبه بسند میکند
 دوم بخواند یا دوم نیز بخواند و اما جمله که میان ایشان
 تریه کبر در دست باشد یا **یا** باشد کذا فی الزاد **ا** غیر بالغ
 اگر خطبه خواند روا باشد یا **یا** باشد چون او را
 مشغوری باشد ان شاء الله کذا فی الذخیره **ا** خطیب
 شهره را تیغ دست کرده بر منبت نشود یا در بعضی نحو
یا هر شهره که تیغ تیغ شده باشد در این تیغ سوار شود
 و آنکه بغیر تیغ در این طاعت در آمده باشد بغیر تیغ سوار
 شود کذا فی الروضة **ا** در خطبه جمع اگر همین **یا** بگوید
 خرج دایک الحمد لله یا سبحان الله یا لا اله الا الله یا الله اکبر و غیره

ناله

فلاک بسند باشد یا **یا** باشد بر قول امام اعظم خلاف
 اصاحیه کذا فی الذخیره **ا** خطیب چون خطبه بگذرد و تسبیح بسند
 کند و تلافی انقی از قرآن و وصیت کرد بتقوی و صلوة
 بر پیغمبر صلی الله علیه و سلم ترک کبر و مکروه باشد یا
یا باشد کذا فی المجمع البیروتی **ا** بعد از جمع سنت رکعت
یا بقول امام اعظم ابو حنیفه و امام محمد رحمه الله علیهما
 چهار رکعت و بقول ابی یوسف شش رکعت است و تلافی
 همین قول است کذا فی الفتاوی **ا** بسند که اسب موی کفر
 بر دراسته باشد یا اسب کاری دیگر بر موی جاف باشد
 جماعت مانع باشد اتم باشد یا **یا** کذا فی الشامل
 البقی **ا** کسی که بعد اتمام خطبه در مسجد در آنک شاید
 کردی امامت میکند غایب جمعی **یا** کذا فی المرجیه **ا**
یا در هم فی صلوة العیدین **یا** نماز عید فطر و اقی
 ست است یا واجب **ا** واجب است هر مختار فی العمل
 و لا وجه فی الزاد هو الاصح فی الذخیره **ا** در صبح

عید چند چیز مستحب است مستحب اول بیان فرمایند **در شجر**
اول غسل و مسواک و صدقه و پوشیدن نو و پاکه شستن و
مالیدن و صدقه فطر کشیدن اگر غنی باشد چیزی
خوردن پشیر غلغله فطر و نا خوردن در عید اضحی
از اخی کذا فی البیانیم **سوال** در کله روزه نماز عید بنحوی
افضل است یا تاخیر **جواب** در نماز عید قریب به جمیع افعال
و در نماز عید فطر تاخیر تا بلند شدن آفتاب کذا فی
مسئله در عید فطر صدقه فطر بنحوی افضل است یا در نیک
کردن تا بلند شدن آفتاب **جواب** در عید فطر صدقه فطر بنحوی
افضل است و در عید اضحی قریب تاخیر تا بلند شدن
آفتاب تا روزی که فی الفتاوی **الحجه** **سوال** در مقامی که
جمع موجود باشد نماز عید در اینجا درست باشد
یا نه **جواب** فی کذا فی المضار **سوال** چنانچه که از نماز جمع
نماز عید بیرون آید و نماز تکیه آورد هر دو عید بگوید یا در عید
اضحی بگوید فطر و او نیز هر دو بگوید در اضحی و هوای

باید که در عید فطر و عید اضحی هر دو بگوید یا در عید اضحی بگوید فطر و او نیز هر دو بگوید

وید نأخذ کذا فی النسخه **سوال** در نماز عید بعد تکیه افتتاح هر دو رکعت
رکعت دوم رکعت چند تکیه کفایت واجب میکند **جواب** سه تکیه
مذهب ما همین است فاما عمل خلف متابعت خلف است بر قول
ابن عباس پنج تکیه در هر رکعت چند تکیه افتتاح کذا فی الوقایه
سوال شما بعد جمله تکیه بگوید یا بعد تکیه افتتاح **جواب** بعد
تکیه افتتاح کذا فی الوقایه **سوال** دست برای هر تکیه بر زمین
یا برای اول فقط **جواب** برای هر تکیه کذا فی الهدایه **سوال** تکیه
عید متصل بگوید یا **فصل** فصل کند **جواب** فصل کند مقدمه **سوال** قدریم
تیم و لیکن بر زبان بگوید کذا فی التهذیب **سوال** نماز عید در
یک شعبه دو محل می باشد یا نه **جواب** باشد کذا فی التمهید
سوال تکیه است عید اگر از محل خود فوت شود و در اثناء
قنوت یا در رکوع یا او ایستاد بعد از قنوت و یا در رکوع بجاء
او بر زمین و صحبه سهواً لازم کرد یا نه **جواب** کرد و کذا فی
الفتاوی **الحجه** **سوال** فحیفه نماز عید فوت شد قضا
ان شاید بگوید در ایاتی **سوال** فی کذا فی القنیه **سوال** الکلام

در نماز عید بعد تکیه افتتاح هر دو رکعت دوم رکعت چند تکیه کفایت واجب میکند سه تکیه مذهب ما همین است فاما عمل خلف متابعت خلف است بر قول ابن عباس پنج تکیه در هر رکعت چند تکیه افتتاح کذا فی الوقایه سوال شما بعد جمله تکیه بگوید یا بعد تکیه افتتاح جواب بعد تکیه افتتاح کذا فی الوقایه سوال دست برای هر تکیه بر زمین یا برای اول فقط جواب برای هر تکیه کذا فی الهدایه سوال تکیه عید متصل بگوید یا فصل فصل کند جواب فصل کند مقدمه سوال قدریم تیم و لیکن بر زبان بگوید کذا فی التهذیب سوال نماز عید در یک شعبه دو محل می باشد یا نه جواب باشد کذا فی التمهید سوال تکیه است عید اگر از محل خود فوت شود و در اثناء قنوت یا در رکوع یا او ایستاد بعد از قنوت و یا در رکوع بجاء او بر زمین و صحبه سهواً لازم کرد یا نه جواب کرد و کذا فی الفتاوی الحجه سوال فحیفه نماز عید فوت شد قضا ان شاید بگوید در ایاتی سوال فی کذا فی القنیه سوال الکلام

از جماعت نماز عید فوت شود قضاء آن تا چند وقت
 باید گذشت **جواب** عید فطر تا در روز و عید اضحی تا بعد
 گذشتی الزام **جواب** در سبب رستاقی عید نماز عید که در روز شنبه
 یابی **جواب** مکرره است که عید کذا فی القیاس **جواب** بشرای
 عید نقل مخصوص در مصلحت عید مکرره است یا در جملة
 اماکن از شهر **جواب** در جملة اماکن **جواب** اگر کسی نماز عید
 بعد از شروع افطار کند قضاء آن بر او لازم که در یابی **جواب**
 بی کذا فی الروایات آن فی السریح **جواب** و جواب نماز عید نیز در
 بشرای جمع است یابی **جواب** هست جز خطبه که آن در جملة
 است و در عید مستحب کذا فی الوقایع و غیره **جواب** تشبیه
 کردن جوافعان عرفه و روز عرفه در غیر عرفه مشرف است
 یابی **جواب** هیچ نیست کذا فی الهدایة **جواب** تکریر و ایام تشریف
 آغاز از کجا کند و ختم بکدام نماز و کلام روز کند **جواب** بعد
 فجر روز عید آغاز کند و ختم آخر ایام تشریف بعد از عصر **جواب**
 و جواب تکریر ایام تشریف بعد از کلام و کلام شرط مشروط است

جواب

جواب بر مقیم در شهر عقب از یقه در جماعت مروت و برینانی
 که اقتضای جماعت کنند و بر مسافر که اقتضای جماعت کند الروایات
 فی الوقایع **جواب** جملة چند تکریر میشود و چند روز بگوید **جواب**
 جملة بست و بست میشود و تکریر و تکریر عید و بر روز بعد از عید
 یگان یگان تکریر بگوید و سوم روز بعد از نماز عصر تمام کند
 محسوب بخروج میشود **جواب** اگر کسی نماز تکریر تشریف فرما شود
 شود بعد از آنکه بخیم و یا بعد از آنکه از مسجد بیرون آید و زیاده
 آید بگوید یابی **جواب** ما دام که در مسجد است بگوید و بعد از سه
 اذان بی کذا فی التختة **جواب** شخصی را بعد از رفع قریحه
 حد شد بعد از طعام تکریر بگوید یا فی الحال یعنی بعد از طعام
جواب اگر فی الحال بگوید روا باشد اما مستحب است که طعام
 کند بعد بگوید کذا فی الکبری **جواب** خطبه عید مقدم رفتن
 بر نماز عید روا باشد یابی **جواب** باشد کذا فی الکبری **جواب**
 چون جماعت در مسجد جامع تکیه می رود اندک سوره
 حیاء است باشد یابی **جواب** باشد و الخروج الی الجبابة

عضو است علی حد و اگر خن بر است غیر او زیاد باشد به هم یا عضو
 کذا فی السورجیه **فرو** ذائق نام هر عضو علی حد است
 یا داخل شکم است **عضوی علی حد** است و اما هر چه خارج
 کذا فی البکری **چلو** یا شکم یکی عضو است **عضو علی حد**
 مجموع یک عضو است کذا فی القتیبه **سوال** اگر زنی در حد
 اگر چهارم حصه از کوئی یا از زنی باشد برهنه باشد یا نه
 درست باشد یا نه **در** مکر عند النبی مکر فی القتیبه
 اگر اندکی از دو عضو که پوشیده است از حد است برهنه باشد
 مجموع مقلد ربع میشود مانع جواز صلوٰه باشد یا نه
 باشد کذا فی التجنید المری **الشحنه** برهنه است و رجا
 اوجام است و کمان و می آنت که شاید چوب نخواهد
 او را بدهد و اگر او نخواهد برهنه بگذرد نماز او باطل
 یابی **فی** کذا فی الکفر **زنی** جامه با ریک پوشیده نماز
 میکند که اندام او غوده میشود نماز او درست باشد یا نه
فی کذا فی التجنید **سوال** اگر مردی برهنه است کذا فی

یا نه

یا بریک رخت موجود دارد و یک عورت خود را بتواند
 پوشیده او را برهنه نماز کند یا نه **یا**
فی کذا فی القتیبه **شحنه** نماز برهنه بگذارد و بعد نماز
 که جامه در دوش او بود از او زیاد بیاورد نماز با ریک بگذرد یا
سوال اگر مردی مکرر عیانی که امام کسری ذکر کند است کذا فی البکری
سوال اگر هیچ جامه ندارد مگر جامه که سر از آن پاک است موجود
 آن جامه برهنه بگذرد یا نه **یا** اگر جامه باشد یا نه **فی** کذا فی الکفر
سوال اگر جامه دارد کمتر از ربع از آن پاره است دیگر چه بگذرد
 الوده شده است یا این چنین جامه بگذرد یا برهنه بگذرد
 منقیر است برهنه بگذرد یا با آن جامه خلط **سوال** اگر جامه
 کذا فی الکافی **سوال** کسی که جامه ندارد و یا از جامه زیاد نماز
 در هر یک یا کلاً از آن نجس است چون نماز برهنه بگذرد یا نه
 طریقت بگذرد **سوال** نشسته برهنه بگذرد رکوع و سجود بگذرد
 ادا کنند تا شرمگاه او غوده نشود و چنین نماز گذاردن
 معتبر است از استاء گذاردن با رکوع و سجود کذا فی المصنف

عمر بگوید نماز ظهر مؤکد می شود یا نه **جواب** شود اگر در وقت
 ظهر در پیش بگردد که عمر بگذرد و برزیا نام ظهر گویند نماز
 بدین نیت مؤکد باشد یا نه **جواب** نیت مؤکد کافی است اگر نماز را
 عمر بگذرد و در وقت هم عمر بگذرد و از زمان ظهر پیش
 آید بدین نیت عمر مؤدی شود یا نه **جواب** شود کذا فی الکونین
 اگر نیت وضو در خاطریش بگذرد و بگذرد که ظهر یا عمر مؤکد باشد
 باشد یا نه **جواب** نیت مؤکد نیت وضو در خاطر گذشت باشد
 کذا فی المضرات اگر در وقت نیت بود و اما وقت شروع
 کرده و در وقت حاضر نبود که اگر کسی در حال پرسد که کدام نماز
 میکند اگر بغیر نیتش جهت با صواب بگوید روا باشد
 یا نه **جواب** باشد چون پشتر التکلیف نیت حاضر باشد و وقت
 تکلیف فاصلا در میان نباشد کذا فی الفتا **جواب** اگر در وقت تکلیف
 نیت ظهر میکند در صورتی که وقت ظهر باقی است و در نماز
 وی بیرون آمده و نیت قضا ظهر میکند روا باشد و نیز در
 ساقط شود یا نه **جواب** شود کذا فی الفیوضه هو المختار اگر

وقت

وقت ظهر بیرون آمده نیت وضو الوقت کرد ظهر او بدین
 نیت جایز باشد یا نه **جواب** باشد کذا فی المضرات والله اعلم
 اگر ظهر اليوم نیت کرد و حال این است که وقت ظهر بیرون
 آمده ظهر او بدین نیت بر جای جایز باشد یا نه **جواب** باشد الشا
 فی التجنید نیت بزبان سنت است یا واجب یا نقل **جواب**
 بزبان سنت است و در دل وضو است کذا فی المضرات نیت
 استقبال قبله نیت شرط است یا نه **جواب** نیت کذا فی الکبری و الخالصه
 و هو المعجم **جواب** در میان استقبال قبله **جواب**
 استقبال قبله توجه کردن سوی عین کعبه شرط است یا نه
 جهت کعبه **جواب** ساکنان مکه یا توجه عین کعبه شرط است و
 غیر ایشان را توجه جهت کعبه کذا فی الکفر **جواب** فرقی نیست
 توجه بعین و توجه بجهت **جواب** در توجه بعین شرط است چون
 مکی در خانه نماز کند و چنان مستقبل باشد که عمارت نماز
 که در میان است گردد و بکند کعبه بمقابل روی باشد و جهت
 این صورت شرط نیت و تحوی نیز واجب نیت بلکه محایا

مساجد که پیش از این نصب کرده اند اعتقاد بر حق است
 ایشان کنند کذا فی الکافی و بعضی فی تحقیق **مردی**
 در آمد فانه شام یا نماز خفتن گذارد و بعد از آن که فارغ شد
 آوردن چو روشن شد دریافت که نماز جهت قبله گذارد
 است سعی دیگر توجه کرده است پس اگر نماز یا نماز گذارد
 یا **جو** یا نماز گذارد اگر در آن خود صواب جست بداند
 توجه کرده است کذا فی التجنیس **و چون کسی** اشتباه
 قبله شود و در آن جاه کسی نباشد که از وی پرسش کند
 گذارد **جو** در آن خود صواب جوید سعی اختیار کنند
 اگر اشتباه او در مقامی باشد که عمل مات جهت قبله معلوم
 نگردد یعنی بحراب و غیره کذا فی التجنیس **و اگر بعد از آن**
 نماز روشن باشد که غیر جهت کعبه گذارد نماز یا نماز گذارد
 یا **بی** کذا فی الکتر **و اگر هم** در آن نماز جهت قبله
 معلوم کرد یا در آن خود غالب ظن بداند که در آن **نست**
 دیگر ظرف است هم در آن میان نماز بگذرد برای سعی

کنند

کنند یا نماز گیر **جو** همدان نماز بگذرد سمت قبله کذا فی القاب
مردی اگر شخصی را در میان **جو** شک در خط نکند شده و در میان
 خود هیچ صواب نیست بفرماید بشکند بعد از آن روشن
 شد که جهت قبله گذارد است نماز او صحیح باشد یا **بی**
 باشد برویت احمد فی السراجیه **و اگر در حال شک** بفرماید
 بگذرد بعد معلوم کرد که مستقبل قبله گذارد است نماز
 جایز باشد یا **بی** کذا فی القاب **مردی** کسی که در آن خود
 که ادب باشد کند هیچ طریقه او غالب نباشد او چگونه گذارد
بی برویتی هر چهار سمت تمام بگذارد و برویتی هم در آن
 اندیش بیشتر کند هر طرف که میل دل بپوشد همان **نست**
 کذا فی المخرج **مردی** اگر در آن محل که اشتباه قبله شود نماز دیگر
 کسی باشد او سمت قبله بگوید که متوجه این کسی بدان سمت
 نباشد بقول او عمل کند و اگر بر حق خود عمل کند کذا فی الکتر
 شرح الهدایه **و اگر جماعتی را در محله اشتباه قبله شود**
 و سمت قبله هر کس را معلوم نباشد چگونه نماز میگزینند

و آنچه در این باب از کتب معتبره نقل شده است

امام و جماعت هر یکی غریب کنند هر چه که هر یکی بخواهد
 نماید توجه کند نماز جماعت بکند و کند کذا فی الکبری **چون**
 درین حال از سب تاریکی و افشاه قبله حال جماعت کلی باقی
 توجه صرفی دیگر و امام داخل فی دیگر شد نماز مقتله **کذا**
 امام استاده درست باشد یا نه **باشد** اگر آن مقتله
 که مخالف امام است و یا از امام پیش استاده است کذا فی الوقایع
چون در میان وقت نماز برسد در هر روز و روشنا
 بادربش صافی معرفت قبله پیچ حاصل شود **بجاء** اگر آفتاب
 در تابستان در آخر چو نماز فرو روی آید و اینجا که در زمستان در
 آخر نماز قوس فرو روی آید میان آن دو مغرب قبله بگردد
 و چون خواهد که قبله مستحب بلند ثلثات از جانب بین
 قبله کند و ثلث از جانب شمال و قبله در میان این هر دو حد
 مستقبل قبله استاده شود کذا فی المفردات **مصلی** هر دو
 متای خوف در زو یا دره و غنوه چنان باشد که بداند اگر متوجه
 قبله خواهد شد یا نه نفس تلف خواهد شد یا نه غم خواهد

کرد

کرد یا نه حقیقت نشو و نت و کسی بلد که او را مستقبل قبله بکند و یا نشا
 سر او باشد بکند جهت مقدم و راست نماز بکند در بانی **بکند** و کذا
 فی الکافی **هر** اگر کسی بیرون هر دو مغرب که حد جهت قبله
 داشت با اختیار نماز بکند و کذا فی ردیای **چون** بروی کذا شد
 فتوی بر آنست فی کذا فی الکبری و الخلل **و الله اعلم** **بجاء**
 در میان اوقات و **بجاء** اول اوقات خمس و آخر آن **بجاء**
 بیان فرمایند **چون** اول وقت فجر چون هم صادر میگردد و آخر
 پش از منتهی آفتاب و اول وقت ظهر چون آفتاب از مرکز گردد
 و آخر شد تا گشتن سایه هر چیزی دو چندان جز سایه اشیاء اول
 وقت عصر تا گشتن سایه دو چندان جز سایه اشیاء و آخر شد تا زود **فتی**
 آفتاب بپایان اول وقت مغرب بعد از نماز اول وقت بپایان **بجاء**
 تا شفق که مرغی که از آسمان است غایب شود و اول وقت
 عشاء از غروب شفق و آخر شد تا طلوع وقت ناهج صادق
 کذا فی الوقایع **بجاء** اوقات مستحب برای اداء نماز و غیره
 مرغی را شروع کرد وقت روشنایی فاما الحقیقی

و سبب اصطلاح است
 که کم شدن سایه بود
 منتهی شود و از روی
 سایه زیاد تر شدن
 کم و کثرت و غیره

که چهل ایله باز یارده با تریب خوابیده شود و اگر خلی در وضو
 شود باز وضو ساختن و نماز گذاردن در وقت ممکن باشد ^{خبر}
 و تأخیر کرده ظهر در تابستان و تأخیر کردن عصر تا آنکه آفتاب
 متغیر شود یعنی تا آنکه چشم بنظر خیره نشود بگذارد بعد مکرر
 و تأخیر عشاء تا آنکه شش ثلث شب و تأخیر و تفرقا آخر شب
 آنکه یک بیدار شده استوارید دارد و مستحب است بخیل
 ظهر در زمستان و بخیل مغرب در زمستان و تابستان و بخیل
 عشاء و عصر در حال ابر و تأخیر و بخیل و مغرب در حال ابر
 کذا فی شرح الکفر ^{و تأخیر} و اوقات مسنوع از نماز قضاء و غیره
 و واجبست و از نوافل و سجده تلاوة و نماز جنازة کلام است
 در وقت طلوع آفتاب و وقت استواء و وقت غروب مکرر آنرا
 کذا فی الوقایه ^{و در اوقات} مسنوع مکرر و اگر چه از نماز و غیره
 تأخیر باید کرد یا بی الحاح باید کرد ^{در} بی الحاح باید کرد
 کذا فی شرح الکفر ^{در اوقات} که نوافل گذاردن مسنوع است و
 قضاء فوائده و سجده تلاوت و نماز جنازة که غیر مسنوع است

کذا فی شرح الکفر

ان کلام ^{مست} بعد از نماز یا مداد بشران طلوع آفتاب و بعد از عصر
 بشران حال غروب و بعد از طلوع همه صادق بشران اداء فضا
 جز دو گانه است و بعد غروب بشران مغرب و در حال غروب که در آنجا
 نماز دیگر در حال زرد شدن آفتاب و پیش از شدت و غیره
 مکرر است یا ^{مکرر} است چون تأخیر بغیر عدم باشد که
 فی الطحاوی ^{و در اوقات} نماز عشاء در آخرین روز یا سه شب بغیر
 عصر مکرر است یا ^{مکرر} باشد که فی المضار ^{و در اوقات}
 که وقت نماز عشاء در غیب یابند بجز غروب شفق طلوع ^{میشود} و بعد از
 نماز عشاء از ایشان کاری با قضا با قضا لازم کرد یا ^{در}
 قضا لازم کرد کذا فی الظهیر و اقی فی الفیض الشام ^{و در اوقات}
 اللزوم کبر حرمه الله فی اهل قوم که تأخر الشمس بطلع الفجر ^{و در اوقات}
 صلوة العشاء و البصر انه قضا القضا لغفد وقت الحکم ^{و در اوقات}
 در وقت ظهر و عصر مکرر و مغرب در عشاء و بر عکس
 صورت بیدار و یا بیدار و یا باشد یا ^{مکرر}
 شایع است کذا فی المضار ^{و در اوقات} ظهر و عصر و بیک وقت گذاردن

در جمیع مکاتب و در شهر
 که است بفرموده و در
 زمان برادر و در وقت
 بزرگ و بزرگ و بزرگ
 که است بفرموده و در
 جمیع مکاتب و در شهر

و اگر کسی از تمام
غیر دور

در روز عرف و مغرب و عشا در سزایه رو باشد یا **بیم** باشد
کذا فی شرح الکنتن **س** اگر پیش از اقام نماز غصه افتد بیک کلمه نماز
باطل گردد **س** اگر باطل کرد و عمره فی کذا فی محیط **س** اگر پیش از اقام
نماز جمع اگر وقت ظهر بیرون ایستد حکم چیست **س** جمع تمام شود
کذا فی المضارب **س** چو کافر یا مسلمان شود یا کوفی یا تمثود
یا دیوانه و شیاد شود یا باطل نظر پاک گردد در محال که از وقت
مقداری باقی است که طهارت کردن و تکبیر بخیر کند گفتن سکون
باشد قضاء آن نماز برایشان لازم گردد یا نه **س** اگر در وقت
اگر عورت طاهر و دایم بخوبی وقت حائض گردد و نماز آن وقت
تا غایب نگزارده باشد بر قضا لازم گردد یا نه **س** اگر کوفی
در وقت مقیم گردد لزوم چهار رکاد و یا مقیم در هر وقت
مسافر شود لزوم یک رکاد شود یا نه **س** اگر کوفی شد کذا فی التخت
س در بیان تکبیر بخیر **س** تکبیر اولی شرط نماز
یا رکعت **س** شرط است و نزد یک امام شافعی رحمة الله علیه
رکن است **س** شد اختلاف و کجا ظاهر گردد **س** در مسئله که

اقام

اقام کردت خیر بشتر از سلیح در فعل شروع کند بیکر
تخمیه دیگر نیز دیک علماء ماجایز است بهابر که تکبیر بخیرید و
بسنده است که در اول وقت خیر گفت از آنکه تکبیر بخیریه شرط است
در و است بشرط رضا مثل مودی شود و نیز دیک شافعی
روایت از آنکه رکعت اول و وفایست است یعنی تکبیر بخیریه بر آنکه
تکبیر بخیریه فرض بوده است و رکن فرض رکعت اول باشد کذا
الصیغ شروع در نماز بخیر تکبیر بخیریه فرض است **س**
نیز فرض است **س** بخیر و تکبیر و دست برداشتن منت است کذا
المجمع البعری **س** اگر ترتیب مسنون در برداشتن دست در نماز
و زمان را بیاورد فرمایند **س** اگر در نماز نکشت هر دو دست
مستعمل نماز کوش بلارد و نکشتن از تا غایت کشاده نکرده
نیز نکند و زرع هر دو دست تا کتب بردارند کذا فی القایه
س دست برداشتن در نماز چند جا آمده است **س** هشت جا
چنانچه بزرگوار **س** آورده است **س** رفع الیدین **س** باید
بیشتر وای برادر خوش طبع باز کار عیدیه و استلام و قنوت است

یا در تمام

مردی الجوار و مرده و غزوات باصفاء **سور** در داشتن دست مقیم
 دارد یا تکبیر گفتن مقارنت کنند **سور** مقیم دارد و نزدیک است
 یا تکبیر گفتن مقارنت کند کذا فی جمیع الوجوه **سور** تکبیر است بجزم و
 یا بر **سور** بجزم اولی است کذا فی الحیط **سور** اگر بجا الله اکبر الله
 یا الله اعظم یا تحمید اکبر یا لا اله الا الله یا فلاحی کویید مرد باشد
 یا **سور** مرد باشد کذا فی الوقایه وهو الصحيح **سور** ^{الجماع} فی المصنوع
 اگر بجا الله اکبر اللهم اغفر لی خواند مرد باشد یا **سور** کذا
 فی الکفر **سور** اگر بجا تکبیر اعود بالله قیاسم الله کویید یکپست
سور مرد باشد کذا فی الکفر **سور** اگر شروع بشیم یا تحمید یا
 بتحمیل کند بغیر کن هیت جایز باشد یا با اگر هیت **سور** با اگر هیت
 و هو الأصح فی الذخیره **سور** اگر کسی تکبیر بخوید یا امام بزر
 گفته فاما در حال ثناء یا در حال قنوة در رکعت اولی سوره شرا
 تکبیر اولی بیاید یا **سور** باید کذا فی الخالصه **سور** اگر شخصی
 بعد از شروع یا امام اشتباه شده که تکبیر او پیش از امام واقع
 شد یا بعد و بقیه وقت همه جانب راجع بنیامد او **سور**

کردند

کردند یا **سور** کذا فی التمهید **سور** اگر امام در حال
 رکوع رسید یکبار تکبیر گفت یا امام بیست و رو باشد یا **سور**
 باشد اگر در حال قیام تکبیر گفت باشد و اگر در حال نگوشت
 تکبیر گفت جایز نباشد کذا فی التمهید **سور** **سور**
 داخله و در جمله هفت است در بیان هر یک فصلی فانه آمد
فصل اول در بیان قیام **سور** در قیام هر دو قدم در قنوة بزر
 اولی است یا بر یکا نه قدم بنوبت **سور** در قنوة هر دو قدم یکا
 قنوة کند و در نقل بر یکا نه قدم بنوبت تا طول قیام بمسیرد
 کذا فی فتاوی عجمیه **سور** مطلق ذکر کرده است که بر یکا
 قدم قنوة کردن بنوبت افضل است **سور** در میان دو قدم
 مقلد فرج باید گذاشت در حال قیام **سور** مقدم چهل گفت
 کذا فی الکبری **سور** کسی که بتکبیر دیویر و یا بیک اذی ستاده
 نماز میتواند گذارد او را بعارضی رحمت نشسته گذارد
 شاید یا **سور** **سور** کذا فی الذخیره **سور** اگر ضعیفی است که نماز
 تمامش نکرده است که سبک بگذارد فاما جماعت یا امام سبک

این کتاب
 در بیان
 و در بیان
 و در بیان
 و در بیان

نتوانند استاد و فاضل آنها اگر استاد یا جماعت بکند
 بگوید شما استاد کزاد کذا فی الجینس **در** دست بستن در حق
 است قیام است یا ست و **در** دست قیام است که مره ذکر
 مستحب باشد کذا فی المعزات **در** دست بستن و یوناق بدلهای
 مستحب **در** دست بستن و یوناق بدلهای مستحب
 بجمع البحرین **در** دست در فغان چکود بند **در** دست بستن
 بر دست چپ بند بر انگشت و خنصر دست راست بر دست
 بگرد و سه انگشت میان بر پشت دست چپ کذا فی الجینس
 المزیل **در** اول بار چون تکبیر گوید دست فرود باز کرده
 بعد بند دیا ببرد تکبیر گفتن دست بند **در** بگوید گفتن
 تکبیر فرود آورده بند دبار تکبیر کذا فی الیسری **در** بعد
 تکبیر تحریر علی سجد الله اللهم تا آخر خواندن سنت است یا **در**
در سنت کذا فی الکیلانیة **در** اگر کسی ان قدر قوه دارد که
 تکبیر عمره استاد تواند گفت و ایضا یاد و پنج از فاعله
 استاد تواند خواند زیاده از کواستله بنشیند و نشست فار

میکنند

میکنند یا بقدر استطاعت استاد باقی نشسته میگذارد **در**
 استاد بقدر استطاعت بگذارد کذا فی القیاس **در** در حال کدام
 در قدرت باشد مقتدی و مسبق را شاه خوانده شاید یابن
در در سوره شاید و در جهر **در** کذا فی القیاس **در** بعد
 ثنا اعوذ بالله خوانند و بگوید است یا سله **در** سنت **در** اعوذ بالله
 بجمع البحرین **در** است یا بجمع **در** بقول امام اعظم و محمد **در**
 بجمع **در** است و بقول امام ابی یوسف **در** علی بجمع **در** ثنا کذا
 المصنف **در** اعوذ بالله گفتن در حد مقتدی هست یا **در**
در کذا فی الجمع البحرین **در** مسبق چون بر یا قضای
 او را با امام خوف شاه باشد بخیزد اعوذ بالله و بسم الله گفتن
 شاید یا **در** شاید کذا فی الینایم روی الحسن عبدی **در**
 مرجع انفعال یعوذ و یا بالتسمیت قال الحسن الذی و به تأخذ
در بسم الله گفتن در اول هر کجاست است آغاز هر سوره
در در اول هر کجاست است و بر قول امام محمد **در**
 علیه در سوره بر هر سوره **در** کذا فی الجمع البحرین و القلیله

کذا فی الکیلانیة

هو المختار فصل دوم در بیان قرائت در نماز مقدمه
 که فرض است که بدان نماز جایز است بیان فرمایند **در رکعت**
 اگر چه خورده باشد بر قول امام اعظم **رحمة الله عليه** یا
 در نماز یا رکعت خورده باشد بر قول صلیه و بر قیاس از امام
 اعظم نیز کذا فی جمع البیوع **الکذک** وجبت در نماز **در رکعت**
 آن بقدر که موجب نقصان در سحر سجده سهو لازم گردد چنانکه
 است **در رکعت** سورة قلعه و سورة یا س آیات یا س **در رکعت**
 کذا فی جمع البیوع **در رکعت** یا خاتم یک این یاد و یک
 بخواند مزایده بخواند مکروه باشد یا **در رکعت** باشد کذا فی
 الفخیر **در رکعت** یا جهر بر جهر امام و الا فکلیه بگوید
 سر بگوید مقتدا نیز سر بگوید یا جهر بر بگوید **در رکعت**
 کذا فی الوقایز **در رکعت** اگر کسی در نماز فریضه بعد اقام فاتحه بخواند
 اول یک رکعت اندیش کند که کلام سورة یا کلام آیه بخوانم
 بعد خواندن چنین در شک مکروه باشد و چون سهو لازم گردد
 یا **در رکعت** کذا فی الوقایز **در رکعت** یا اگر در نماز فریضه بعد از

فاتحه متصل یا ز فاتحه بخواند سجده سهو بر او لازم گردد یا
در رکعت یا چون سهو باشد در اول شفع کذا فی التمس المزیل
در رکعت یا فاتحه سورة دیگر بخواند بعد از فاتحه بخواند سهو بر او
 سهو لازم گردد یا **در رکعت** کذا فی السراج **در رکعت** قرآن در نماز
 در سجده رکعات فرض است یا در بعضی **در رکعت** در فرض در رکعت
 و سنت و یا قبل در سجده رکعات کذا فی المصباح **در رکعت**
 اخیر در رباعیه و در رکعت اخیر مغفرت مسنون قرآن کلام
 و مباح کلام است **در رکعت** فاتحه سنت است و اگر سناکت
 باشد از خواندن یا تسبیح خوانده روا باشد کذا فی جمع البیوع
در رکعت سورة در شفع اول عشاء و در کذا باشد در **در رکعت**
 او ایله با فاتحه خواند یا **در رکعت** کذا فی الکلیه **در رکعت**
 در فریضه هر وقت حال امن سفر و اقامت بیان فرمایند **در رکعت**
 مفصل در ظهر و فریضه از سورة محمد علیه السلام تا سور قمر
 و اواسط مفصل در عصر و عشاء یعنی از سورة بروج تا لم یکن الله
 و قضا مفصل در مغرب یعنی از لم یکن الله تا آخر **در رکعت**

الكافي **در سفر اکبر و حال نزول هارم** يكند حکم از قریه
چرا شد **در بقره و ظهر و عصر** و در عشاء و عصر
فرد در زمانه و در مغرب قصاص فصل خوانند **مسافر** و
سفر کسی که خائف باشد چه قدر بخواند **فان** و در سوره
که خواند **هذا المسافر** في الكافي **در مقتدیل** فاعت خوانند
شاید یابی **در** في کذا في المصنف **در** قریه بلند خوانند
در حق امام در فجر و مغرب و عشاء و بخت خوانند و ظهر
و عصر واجبست یا نه **جواب** واجب است کذا في الکفر **در**
حدیثی است و حدیثی است **در** حدیثی است که در بکر
بشود و اخفاء آنکه خود بشود فقط و کسی که تمام آن
میکند و او را بخوند یا جهر **در** در ظهر و عصر و بخوند
و در فجر و مغرب و عشاء بخوند و در اول وقت کذا
کذا في الکفر **در** و در نقل جماعت را باید خواند یا جهر
در در داخل روز و در داخل شب جهر چنانچه در غیر
کذا في الکافي **در** بعضی از آنکه در سوره سجده در فجر و در

جمع مدغم بخوند مکروه است یابی **در** مکروه است چنانچه
آن مشروح ذلک و الا کذا في السراج **در** در رکعت دوم
سوره خواند و يك سورة میان کذا شستن مکروه است یابی
مکروه است بر قول بعضی کذا في الذخيرة **در** در يك رکعت
سوره خواند و یکی در میان کذا شستن بالاشفاق مکروه باشد
یابی **در** باشد کذا في التيسر **در** در رکعت تکلیف سوره
یا يك است شاید یابی **در** شاید در مؤفل و در غیر آن
مکروه است کذا في التيسر **در** در رکعت دوم سوره یا یابی
خواند بالاشراق که اول خواند مکروه است مکروه باشد یابی
در باشد کذا في المصنف **در** در يك رکعت سوره خواند
بالاشراق سوره که هر یک رکعت خوانند است مکروه باشد
یابی **در** باشد کذا في الذخيرة **در** در دو رکعت از آخر و
سوره خوانند مکروه است یابی **در** هست بر قول اکثری
کذا في الفتاوی الحسامیه و الجامع الصغیر **در** **در**
انفلاک مکروه **در** در رکعت دوم قرائت پشتر از قرائت اول خوانند

مکروهت یابی **در فرایض مکروهت** چون زیاده از حد
 ایقی فرقی باشد ثانیاً در اول و ثانیاً مطلقاً مکروهت
 کذا فی العتایرة **یک** مسوره بتمام در دو رکعت خوانده
 مکروه است یابی **در سوره** و لیکن نباید چنین خواند و اگر خواند
 باکی بنور کذا فی الخ **اصه** **در شصت** را بعد از شریعت
 خلبه کرد یعنی در هر هفت خواند و در هر هفت
 محسوب باشد یابی **در سوره** فی کذا فی التجنيس المریه
 اگر کسی در خواندن فاتحه کمالاً یا مؤنه بغیر مستقیم
 یا با مضروب یا عین علیهم خواند نمازش تباه شود یابی
در سوره فی کذا فی التجنيس الملتقط **در** اگر در نماز فاتحه آن
 گفت و هم گیدلم چند گفت و در صورتی که در عذاب مرفوع
 نصب یا بجا جزم یا بر عکس آن خواند نمازش تباه شود
 یابی **در سوره** فی علیه الفتوی فی التعلیل **در** اگر کسی در محل
 وصل وقف خواند چنانکه بود شرط بشر الاجزاء و چنانکه
 موصوف و صفت نمازش تباه شود یابی **در** فی با جهاء

علماء کذا فی الذخیره **در صورتی** که در وقت تغییر یا
 شود سبب وقف کردن چنانچه میان مستثنی و معنی مندر
 یعنی متصل بخواند در رکعه توحید و نحوه الله لا اله الا هو
 وقف کند بعد از احوالی التیوم خواند و بعد شهادت الله انه
 لا اله الا هو و وقف کند بعد از احوالی بخواند مفصله صلوة باشد یا
در فی علیه الفتوی کذا فی النص **در** بتو که تشدید
 و تشدید مد چون لفظ و معنی متغیر در چنانچه در ایام تشدید
 بتخفیف یا بخواند و در رب العالمین بتخفیف یا بخواند و در
 علیهم و کمالاً و تشدید به غیر مد خواند نمازش تباه شود یابی
در سوره فی الخ **در** فی الخ **در** در بعضی الفاظ که تشدید
 خواندن تغییر معنی میشود چنانچه در سوره فاتحه امین
 تشدید می خواند نمازش تباه شود یابی **در** شود و تشدید
 ایست نشو و فتوی برین است کذا فی النص **در** کسب
 چنان بعد خواند که معنی لفظ قرآن متغیر میشود و تغییر
 یا تشدید چنانچه در قرآن فرموده است قوله یقل و ان یقل

اصول الشافعي و در فتاوی مسعودی آورده است که در رکوع
 نزد تکبیر چنانچه پیش کیا خورده و بلند بلند چنانکه
 در وقت شامی خورده بلك بر او دارد **سوره** صلی الله علیه و سلم
 پشت با سر چنان بر سر طافی اگر قدح بر پشت مبارک بر آید
 در غلطی روی **سوره** معطلی چون از قیام در رکوع سر و استاده
 تکبیر گوید در رکوع رود و یا تکبیر گوید بعد در رکوع **سوره**
 تکبیر گوید بعد در رکوع رود و بر وی تکبیر گوید در رکوع
 سر و کذا فی الخلل **سوره** اگر تکبیرات دست در حال رکوع بود
 بر سر او اندک کشاده هدا یا خم کند **سوره** کشاده کذا فی الخلل
سوره هر چه مسنون در رکوع کدام است **سوره** مرد پشت هموار کند
 و سر مقابل سر نهاده بکند و بر او دارد و بلند و در رکوع و زنه
 شکاه بیرون نیامد و بسیار خم نکند در حال سرفتن در رکوع
 و در حال برداشتن سر رکوع دستها بر نهد نزدیک علماء یا
 رحمهم الله و نزدیک شافعی رحمه الله علیه درین هر دو
 محل دستها بر دارد کذا فی الذکر **سوره** مصلی اگر پیش رکوع

کند

کند چنانکه با ستادت نزدیک تر باشد انظار رکوع بر او باشد
 یا فی **سوره** کذا فی السراجیه **سوره** سجاده بی العظم چند بار
 بگوید **سوره** چون امام باشد اولی است که اندک بعد که مستوت
 در تسبیح رکوع و یا سجود هم بگوید یعنی سکره و منفرد چکره
 و یا هفت کرة و یا ذکر بگوید کذا فی الطحاوی **سوره** مصلی چون
 سر از رکوع بردارد کلام ذکر بگوید **سوره** امام سمع الله لمن حمده
 گوید و مقتدی ربنا الله بگوید و منفرد جمع کند میانه در
 ذکر کذا فی الهدایه **سوره** منفرد لا عدد و ذکر در حال برداشتن
 سر چکود گفتن ممکن باشد **سوره** سمع الله لمن حمده در حال
 رفع سر گوید و ربنا لك الحمد در حال قیوم گوید کذا فی القتیبه
سوره سمع الله لمن حمده بجزم هاد بگوید یا حمده بضم هاد بگوید
 بجزم هاد بگوید کذا فی المحصای **سوره** در حال برداشتن سر یا
 اگر سمع الله نکرته باشد چون مرست استاده شود بگوید یا بی
سوره فی کذا فی القتیبه **سوره** اگر مصلی در رکوع السلام نگیرد نمازش
 قضاء شود مطلقا یا جائز یا نقصان یا شد یا بی **سوره** بر قول ^{اعظم}

یخ

تمام بر حق و الله عليهم مطلقا نیت شود و بر قول صاحبیه جایز با نیت
 باشد کذا فی جمع البحریه **درست** بر نیت داشتن در رکوع و بعد
 رکوع سبک استاده است یا واجب **درست** است کذا
 المقدم الکلی لایه **اگر در حال رکوع بقصد آنکه قنیه زیاده کند**
مر برداشت و قنیه زیاده کرد بعد از رکوع بجاء نیاید و هم
 بول بسته کند و یا باشد یایی **در کذا فی القنیه** **فصل** **جمع**
 در بیان سجود **در سجده** کرده پیشانی نهادن بر زمین
 وضعت یا برینی **نیت** **در سجده** نیز کذا فی القنیه **در حال**
 سجده هر دو قلم از زمین بردارد و یا باشد یایی **در کذا**
المحیط **اگر هر دو دست یا هر دو زانو بر زمین نهد** **در سجده**
 باشد یایی **در سجده** باشد و علیه التوسل **در حال** **در سجده**
 چون از رکوع در سجده رود و اولی از بعد از هر دو دست پس
 از روی کذا فی الکلی **در سجده** مستوفی در سجده کدام است
 در حق مرد و زن **در سجده** بغلها کشاده و در شکم از بر خفا
 دور دارد و صراط میان هر دو دست دارد و نیز چنین کند

و نحوه ایستادن و نحوه ایستادن و نحوه ایستادن و نحوه ایستادن

سوال

نکته

و یکبار بغلها کشاده نکند و شکم یا راها بپوشاند کذا فی جمع البحریه
در سجده یا اگر در حال سجود محل درست یا محل دوزخ
 متنجس باشد نمازش تباه شود یایی **در کذا فی الکلی**
در سجده کورت درست باشد یایی **در سجده** باشد چنانچه
 بران قرار گرفته باشد و اگر نرم باشد کذا فی التنجیس
 گاه که در مسجد شرعی اندازند اگر بیسار باشد و سبب آن
 سختی زمین بر پیشانی می رسد نمازش جایز باشد یایی **در سجده**
 کذا فی الکلی **در محل** سجده اگر غله باشد و بر سجده
 کند و یا باشد یایی **در سجده** اگر بیسار و جو و غله کند و درست باشد
 و اگر بر غله دیگر کند که پیشانی بدان قرار نگیرد جایز کال و نماز
 و نحوه روا نباشد کذا فی السراجیه و غیره **در سجده** اگر در مسجد
 هجوم جماعت باشد ببلای سبب بر پشت اذی پیشانی هفت سجده
 جایز باشد یایی **در سجده** باشد اگر مسجد بر پشت کسی کند که او نشسته
 در نماز باشد کذا فی الکلی **در سجده** اگر اصل نماز نباشد
 بر زمین و بر زانو افتد بکند یایی **در سجده** بکند چون علم بالیقین

باشد کذا فی المضرات **چون** امام سر از سجده بر سر و مقتضای
 تسبیح سجده هنوز سه کوه نکت باشد موافقت امام کنند یا نه
 که تمام کند **چون** موافقت امام کند و هو المعنی کذا فی الکبری
سوال اگر نماز از سجده مقدمه یا برادر که سجده نزدیک
 باشد از نشستن روا باشد یا **چون** **جواب** و هو المعنی کذا فی الهادی
سوال اگر سجده مقدمه در نیت نکند که بکدام سجده نیت آنکه
 گفته شود نماز روا باشد یا **چون** بر قول امام اعظم و محمد
 رحمهما الله روا باشد باقصان و بر قول ابی یوسف و شافعی
 بناء شود کذا فی المضرات **چون** جلسه یازده دو سجده سنت است
 یا واجب **چون** سنت است نزدیک امام اعظم و محمد رحمهما
سوال اگر در رکوع یا در سجود بغیر قصد در خواب رفت
 چون بیدار شود سجده باز گرداند یا **چون** **جواب** در صورت
 که نیت خواب بوده در سجده رفت سجده مذکور محسوب باشد
 بانی المسلمات فی التجنیس المزید **سوال** سجده دوم نیز فرض است
 یا واجب **چون** فرض است کذا فی العتق **چون** از قیام در سجده

رو اول دست بر زمین نهاد یا از آن **چون** اول نطق بعد است
 بعد پشانی مگر بعد ضعف **چون** سر از دوم سجده بردارد
 اول از نماز زمین بردارد یا دست **چون** اول دست بردارد
 بعد از آن بردارد مگر بعد ضعف کذا فی المحیط **چون** پنجم
 بیان قعود **چون** قعود اولی در غیر رکعت اول سه رکعت است
 و یا چهار رکعت است یا واجب **چون** واجب است **سوال**
 نذی الظهیری **چون** قعود آخره فرض است یا واجب **چون** فرض
 کذا فی الکافی **چون** در قعود دست بر زمین نهاد یا بر زمین
 بر زمین **چون** در قعود **سوال** در حال که باشد تشهد ان لا اله الا الله
 بوسه انگشت شهادت دست راست کند یا **چون** **جواب** **سوال** فی علیه
 الفتوی فی الکبری **سوال** التخییات خواندن در هر دو قعود
 واجب است یا سنت **چون** واجب کذا فی المضرات **سوال** بعد از
 تشهد صلوة واجب است یا سنت **چون** سنت کذا فی العتق **سوال**
 صلوة در آخر نماز چگونه خواند بیان فرمایند **چون** بگوید اللهم
 صل علی محمد و علی آل محمد كما صلیت و سلمت و بارک و تبرک

و ترجمت علی ابراهیم و علی الارواح **الحمد لله** حمدی محمد بن
 افاض و عیبرین اند کذا فی الشیخ **و انتم محمد کنتم نورا**
 یایی **مکرمه** است بروایت محمد بن عبد الله کذا فی المضاعف
در قعد بعد صلوٰۃ دعا خواندن سنت است یا هر دعائی
 کند روست مطلقا یا دعائی مخصوص **دعا که الفاظش**
 باشد یعنی در دعا چیز بخواند که از مخلوقات نبودند
 چنانچه اللهم زجفی قل انت و چنانچه اللهم اریقی ما
 عظمای فاقی فی دنیا اولی است که دعا از سبغای بر سر و دست خواند
 چنانچه **اجعلنی مقم الصلوٰۃ الی اخره** و چنانچه اللهم ای
 اعوذ بک من غلب جهنم و غلب النبروس من الفتنة المحیة
 و الممات و من شر المسیح العجالی کذا فی الطحاوی **و یا** اگر دعا
 مثابه کلام مخلوق خواند چنانچه اللهم السیخ ثوبا اللهم ذکر
 خیرا و نحو ذلك خواند نماز تباه شود یا **یا** اگر در اثناء
 نماز خواند چنانچه مسبوق بر امام بموافقه **میخواند**
 تباه شود و اگر اخر نماز بعد تشهد خواند از حرمت نماز

بیرون

بیرون آید کذا فی الیاسع **مسبوق** در اخر نماز بموافقه اما
 صلوٰۃ و دعا نیز خواند یا بجز العقیات تا عبده و سر و دست
چون بروایت تشهد تکرار کند تا فارغ شد امام کذا فی جامع
 الصغیر غیر مذکور است که صحیح همانست که متابعت امام کند
 در خواندن صلوٰۃ و دعا تا به قرآن کذا فی المعتمد **قول**
 در میان بیرون آمدن از نماز **بیرون** آمدن از نماز فرض است
 یا بنشینن مقلد تشهد نماز تمام شود **بیرون** آمدن
 از نماز فرض است **بیرون** آمدن از نماز مخصوص **بغیر**
 سلام یا چیزی دیگر **بیرون** بغیر سلام نیز هر قولی
 که منافای صلوٰۃ باشد **قول** فقط سلام واجبست یا سنت **دست**
یا اگر خنده قهقهه کند در اخر نماز از نماز بیرون آید یا **یا**
 اگر عمد کند بیرون آید و اگر بغیر عمد کند ناقص وضو و
 صلوٰۃ باشد کذا فی الشافی **یا** سلام مسنون بکلام عبارت
بی بقول العالم اعظم رضى الله عنه السلام علیکم ورحمة الله و بقر
 شافی رحمه الله علیه سلام علیکم ورحمة الله کذا فی المعتمد **یا**

بغیر سلام

در آن روز سلام و برکات و نیران که در آن شرعا آمده است یا بی **چند** کذا
 المحیط و لا یقول فی هذه السلام فی کثرة و برکات و عند اسلام هر دو
 با و از بلند یلمات گوید یا بی **چند** سوید چپ چنان بلند کند
 چنانچه سوید راست کذا فی التخیس **یا** **است** که در میان آن
مونده در مسجد ی یا آنکه از آن فرزند و شیخ **میرفت**
 همان جا استاده بماند یا اجابت کند برود **و** اولی است
 که همان جا استاده بماند هر اجابت **سور** **شیخ** در میان طریقه
 یا علم اصول شعوائست موند با آنکه از آن فرزند هر دو **سور** **سور**
 باشد و یا اجابت کند **سور** **سور** اجابت کند اگر مردن مسجد نماز
 می کند کذا فی الکافی **چون** تلاوت مشغول است اجابت
 کند یا همدلر تلاوت باشد **سور** **سور** اجابت کند مگر اگر در مسجد
 باشد که مردن مسجد نماز می کند کذا فی الغنیة **چون** موقفا
 بچند مسجد یا آنکه از گوید نتواند هر یک را اجابت کند بلکه
سور **سور** کذا فی الغنیة موند در حال اداء کلام هر یک را **سور** **سور**
 است مگر بکتن سجده الصلوة روی راست بگرداند و **سور** **سور**

چپا

چپا و یا آنجا مستقبل قبله برقرار دارد مگر آنکه بر مناره باشد از
 در چهار ستا و چپا رویه بیرون کشد یا شوت یا بی چوب
 میسر نیاید بگرداند کذا فی الهدایة **سور** **سور** کسی که تنهار بگوید
 او نیز با زنه و اقامت مامور است یا بی **چون** ما سور است کذا فی
 مجمع البحرین **سور** **سور** آن که نماز در خانه میکند و ایشان را بآنکه از
 و اقامت گفتن مستحب است یا بی **سور** **سور** کذا فی الکسیرة **چون** **سور**
 نمازها فائده قضاء گذارد برای هر یکی بآنکه نماز و اقامت بگوید
 جمله یکی **چون** در یک مجلس بگذرد برای او ای بآنکه نماز
 و اقامت بگوید و برای باقی اقامت بگوید و یا آنکه نماز گفتن مستحب
 و اگر در چند مجلس بگذرد برای هر یکی بآنکه نماز و اقامت هر دو
 بگوید کذا فی مجمع البحرین **چون** چند نفر از جماعت در مسجد
 در بلند بلند و اقامت گفتند جماعت نماز بگذرد بعد
 موند و امام و یا بی جماعت آمدند بعد ایشان نیز بآنکه نماز
 و اقامت گفتند و نماز جماعت گذارند مگر او ای باشد
 یا بی **سور** **سور** او مکره باشد کذا فی التلخیص **سور** در صورتی

یا بی

که مودن بانگها را واقعت گفت و امام با مقام یا بعضی
نماز را کرده اند بعد بعضی دیگر در مسجد حاضر شدند بنا
نماز باز واقعت مکرره باشد یا **جواب** باشد مکرره
مسجد جماعت معین نباشد چنانچه مساجد سرایر
و کوچ و راکب کذا فی التهذیب **جواب** فرق در میان بانگها
واقعت کلام است **جواب** قد قامت الصلوة در قامت
زیاده کردن مستحب است کذا فی التیسیر **جواب** اگر کسی برکت
این صورت بگوید یعنی کلمات اذن مستعمل و کلمات قلت
فصل کند روا باشد یا **جواب** باشد کذا فی الطائی **جواب** پنهان
بانگها از کفین هر نماز شاید یا **جواب** فی مکرره بقول ابو یوسف
و شافعی رحمه الله اگر پیش از سجده بانگها را گوید سبیه مانع
نمیگردد باشد کذا فی مجمع البیوع **جواب** میان بانگها از وقت
چه مقدم در رکعت **جواب** در رکعتی از مقدم در رکعتی که
در رکعت گذرده شود بعد چهل این خون بخور هر رکعت
بست کاد این خوانده شود و در ظهر جف از آن چهار رکعت

رکعت

رکعت گذراند ممکن باشد در هر رکعت ده کاد این خوانده شود
و همچنین در غسل و در رکعت اذان عصر مقدم در رکعت کند
که در رکعت نماز گذاردن توان و در هر رکعت ده کاد این خوانده
شود و چهار رکعت در هر رکعت پنج کاد این خواندن و در اذان
مغرب در رکعت نکند کذا فی التیسیر **جواب** امام و جماعت
صدرا نماز واقعت استاده شود یا اثر آن **جواب** چون
علی الفلاح آغاز کند کذا فی الطحاوی **جواب** تلبیس اولی بعد از
اقامت گویند یا پیش از فلاح **جواب** چون قد قامت الصلوة
بگوید و بر قول ابی یوسف رحمه الله علیه بعد از فلاح
کذا فی المصنوع **جواب** در میان احکام مسجد
مردی در مسجد بود که مودن بانگها از رکعت او نماز ناکرده
مسجد بیرون آمدن مکرره باشد یا **جواب** مکرره باشد
امام یا مودن مسجدی دیگر باشد کذا فی التیسیر **جواب** در
محلی دو مسجد اند برای حاضر شدن نماز کلام اولی تر است
میراث عمارت او قدیم باشد و آن اگر عمارت هر دو قدیم

باشد کلام اولی متعبد باشد **چون** آنکه من زیاده تر باشد من عتد
چون اگر هر دو بیک مقدار برابر باشند بعد از یکدیگر
چون معنی است **چون** اگر در یکی جماعت بیشتر جمع شود همان
 تر باشد یا بی **چون** باشد اگر غیر فقیه باشد و اگر فقیه است
 که سبب او جماعت بسیار شود باید که در آن حاضر شود
 که جماعت اندک باشد **چون** اگر در مسجد چهار حجی جماعت
 نشود شاید که در مسجد دیگر رود که دور تر است یا بی
چون بی بلك یکنوا باشد هم اولی است که با نماند بگوید و تقا
 بکند که کذا فی الکتاب **چون** دو کانه تحت السجود واجب است
 یا است **چون** است من ذلک علماء ما و واجب من
 امام شافعی رحمه الله علیه **چون** تحت السجود هر بار کرد
 مسجد در یک است یا در روزی یکبار پسند بود **چون**
 در روزی یکبار پسند بود **چون** من مسلم من مسجد و زیاده
 بخورد در اندک تحت السجود بکند یا بنشیند بعد از یکدیگر
چون مجرد در اندک تحت السجود بکند یا انکاء بنشیند
 و غیر

و عمل عام علماء بر بیت کذا فی الظاهر **چون** در مسجد اندک
 بشاز آنکه بیرون آید فریضه و شبیه ادا کرد بخیه وضو و
 ساقط کرد یا بی **چون** کرد **چون** اگر ناگذارد بیرون آید
 در آن وقتیه فرض بکند **چون** آن ساقط باشد یا بی **چون**
 بی کذا فی کلماتی **چون** بیام مسجد که سبب کراهت
 میکند مستحب است یا بی **چون** بلك من و بیست کرده
 نیز گفت اندک کذا فی القنیة و هو المعیوم **چون** بیست **چون**
 در میان و بیست و سن و مستحبات و مفاسد و مکرها
چون جمله و بیست نماز چند است **چون** بیست یک است از آن
 هفت علم است چنانچه لفظ تکبیر تحریمه و قعد او از تشدد
 خواندن در هر دو قعد و آرام گرفتن در رکوع و سجود و
 فعل که فرض در مقام خود بخواند و هر و بیست در محل
 خود بجا آورد و بیرون آمدن بلفظ سلم و چهارده
 خاص است تعیین کردن در دو رکعت اولی برای قرأت و تعیین
 فاتحه در هر دو رکعت اولی و اقصا کردن و یکبار و ضم

کردن سورة يا شمس آیت کوتاه یا یک آیه سوره که با فاتحه خوانند
 و قنوت خوانند در وقت و یا آن بلند خوانند در وقت امام
 در فجر و مغرب و عشاء و صبح خوانند در ظهر و عصر و نماز
 بودند مقتدی در حال خواندن امام و متابعت امام کردن
 هر حال که برسد و سجده تلاوت بر امام و منفرد و تکبیر
 عیدین و تکبیر رکوع نماز عیدین و سجده سهو بر امام
 و منفرد بتکبیر و بجز و هم سوره با فاتحه در جمله رکعت
 در عایه واجب کذا فی الکفر **فصل فی السنن** **جمله**
 در نماز چند است **جواب** بیست هفت است از آن هفتدهام
 که در جمله نمازها و جمله نماز کنندگان را یا فرض و یا
 دست برداشتن در تکبیر تحریره و در قنوت و در تکبیر بعد
 و انگشتان کشاده کردن در حال برداشتن دست و نشستن
 خواندن بعد تکبیر اول و تکبیرات غیر تحریره و تسبیح رکوع
 و سجود سه رکعت گفتن و سبک استادن بعد رکوع و جمله
 میان دو سجده و سجده بر هفت انگشت کردن و در رکوع

بقی

بیغایب بر صلی الله علیه و سلم تشهید ستاد در دعای
 خود و برائی مادر و پدر خود و جمیع مسلمانان کردن و بعد
 سلام گفتن هر دو جانب و قاضی در عدالت و اعلم و تلبیس
 گفتن و مقتدی بر امام تکبیر گفتن و متابعت امام کردن
 بخط افعال او و اعوذ بالله گفتن امام بعد از نشستن و از
 اختیار کردن برائی قنوت و بسم الله گفتن بعد از آنکه **شعر**
 در آن بین و سر امین گفتن و سمع الله لمن حمده گفتن **حق**
 امام و ربنا لك الحمد گفتن در حق مقتدی و هر دو حفظ **گفتن**
 در حق منفر و پاید چپ کسرتون برائی نشستن بر پای و قدم
 راست استاده کردن مر یا دل و یا ناله و سر برین **بر**
 داشتن و هر دو قدم جانب راست پیروان آوردن کذا فی
 الکافی **باب بیست و چهارم فی المسجبات** **جمله** چندین
 که در نماز مستحب است چند است **جواب** بیست و سه است **و**
 جمله هم از آن عام است زیاده کردن قنوت بر سه آیت قنوت
 بر ترتیب یعنی حرف آخر و سر را بایست بر برگردان در رکوع

و داشتن زانو بر زمین پش از دست و دست پش از پش
پش از پش ای و خوب بردار و ای پش بر زمین داشته باشد
انرا پس دارد و سر میاید و دست داشتن در حال سجده
و سر از پشت به دست و پایی مستقیم قبله داشتن و مقدم
چهار انگشتان و سجده کشیدن میان هر دو قدم در حال قیام
و دور داشتن شکم از مزه و بغلها کشاده کردن و سینه
پش نصب کردن در محلی که بلندتر از پش خوانده اند
و چشمها باز داشتن و دهان وقت قیام بسته و پش
و نظر بر محل سجده گذاشتن و سرفه دفع کردن بقدر امکان
و با خشوع استادن و خواندن سوره و یک مرتبه تسبیح
و خاصه نه عدد است برداشتن دست تا گوش مرد از او
دست برداشتن مرد از او منت است و بر او گفته زن از او
بستن زینتاف مرد از او و بر سینه زن از او اوگ دست از
استهله بیرون کشیدن زن از او بخشیده مرد از او و در
داشتن زن از او و قرین زن از او کردن تا قدر مستور شود

در سجده

در سجده در وقت قیام و تسبیح از رکوع و سجود و سوره در
زبان بر سر کمر گذاشتن و بغلها کشاده کردن و شکم از مزه
دور کردن مرد از او در حال سجده و بر عکس از مرد از او
در الخرب و در آخر رکعت مغرب خواندن مرغض از دو
ایستاده مشهور است و پس از آن خواندن پش از خاک در هر رکعت
مگر کسی که کفایت ویران باشد خواندن و منتظر بودن قیام امام
موسوق رکعتی الکیلیات و کافی و غیره **باب پنجم**
فی مفصلات نماز اگر کسی سبب دریا مصیبت باعث
با و از بلند در نماز بگریزد یا تنگی چنان کند که دو حرف و ظاهرا
کرد و چون آخر یا آخر یا در محض نظر کند بخواند یا در علامت
کلام دنیا باشد چنانچه اللهم زو جني زوجة جميلة و یا اللهم
السمی ثوبا و غنوا لك یا عطس زننده را جواب بر خداوند
گوید یا غیر امام خود در وقت بستن قرآن بکشد یا پس از
بیاید یا رسول الله بگوید یا جواب کسی که پسند بگوید
اوهیت خطایی دیگر بگوید لا اله الا الله محمد رسول الله

یا چیزی در دهان نگذارد و اگر چه اندک باشد یا قند
 آب بخورد و غلظت روی تمام شود یا بی **پوش** تپا شود کذا فی
 المضار و السراجیه **باب هشتم** در بیان مکررها
 غلظت در غلظت کثیر مکرر گفتن و آیات و یا شیخات یا نکشتن
 دست شمریدن و دست بر قیام گذاشتن و تنجیح بغیر عذر کردن
 و دست بجام و یا بن زدن چنانکه بلندی و ارفاید و سکر
 از محل سجده در مکرر بودن وجود نگذارد سجده و برامکن باشد
 یا از هر سجده چند کمره جنبانیدن و انگشتان دست و پا
 جنبانیدن یا کشیدن که او از اینک و آنکسین چپا و لریا
 چنانکه روی بقبله ماند و نشستن بر هر دو سر و بلبسته کردن
 هر دو زانو و در حال سجده هر دو دست تا آسمان بر زمین
 نهادن و مربع نشستن بغیر عذر و موفی سر در میان کمره
 بستن و بر وایتی در قیام بستن و یا جام از پیش یا از
 در حال سجده برداشتن و جام که بر سر یا بر کتف باشد
 و دامها را در هر دو اوینان گذاشتن فائز آورد و **پوش**

و شستن

پوشیدن و تمام مرد عجب سفا استادن و یا امام تنها بردگان
 استانی یا فرد استادن و جماعت بردگان و پوشیدن **پوش**
 جام که در آن صورت اذی باشد یا صورت دیگر **پوش** باشد
 و غلظت در محل گذرن که بر سر او یا مقابله او یا بر دبر او
 دی روج باشد بر مکرر از مکرر غیر مرید و مقابله **پوش**
 از وقت گذرانی و در غلظت در آمدن با وجود تقاضا و بولفا
 و تعجیل در قیام و خواب انداختن و خشوبی بوی کرده
 و کم از سه کمره جام و غیره باز کرده و سوره برای غلظت **پوش**
 کردن و مکرر باریدن و غلظت در دهان داشتن چوب خورده
 میتواند و طعمای که کمتر از دهان بخورد و بر وایتی مقادیر
 نیز که در میان دندانها مانده باشد از آن فرود بردن و ترش
 آوردن سنی را قفله در رکوع قائم کردن و تسبیح رکوع تمام **پوش**
 و تسبیح رکوع و سجود سیوم کرده در حال سویر داشتن گفتن
 و غلظت بر پیشانی در حال سجده رسیده باشد پش از غلظت
 افتاد و مکرر کردن و سر در رکوع از پشت بلند تر یا نشستن

پوشیدن و تمام مرد عجب سفا استادن و یا امام تنها بردگان
 استانی یا فرد استادن و جماعت بردگان و پوشیدن **پوش**
 جام که در آن صورت اذی باشد یا صورت دیگر **پوش** باشد
 و غلظت در محل گذرن که بر سر او یا مقابله او یا بر دبر او
 دی روج باشد بر مکرر از مکرر غیر مرید و مقابله **پوش**
 از وقت گذرانی و در غلظت در آمدن با وجود تقاضا و بولفا
 و تعجیل در قیام و خواب انداختن و خشوبی بوی کرده
 و کم از سه کمره جام و غیره باز کرده و سوره برای غلظت **پوش**
 کردن و مکرر باریدن و غلظت در دهان داشتن چوب خورده
 میتواند و طعمای که کمتر از دهان بخورد و بر وایتی مقادیر
 نیز که در میان دندانها مانده باشد از آن فرود بردن و ترش
 آوردن سنی را قفله در رکوع قائم کردن و تسبیح رکوع تمام **پوش**
 و تسبیح رکوع و سجود سیوم کرده در حال سویر داشتن گفتن
 و غلظت بر پیشانی در حال سجده رسیده باشد پش از غلظت
 افتاد و مکرر کردن و سر در رکوع از پشت بلند تر یا نشستن

التوون وقتیه از چکوه بگذرد **ج** خوانیت میگردانند تا آنکه وقت
 عرض رسد چون بدانند که وقت ضعیف شد وقتیه بگذرد و در آن
 وقتیه مقدم دارد کثافی القیة **ج** چون نمازها فایده بسیار
 باشد و بدان سبب ترتیب ساختار کرد و آنرا قضاء بگذرد تا آنکه
 پنج وقت نماز یا کمتر بپوشد وقت باقی ماند نماز ترتیب عود
 کند بای **ج** بی برویت اصح کثافی از ذخیره **ج** مردی را فایده
 قدیم بسیار است درین وقت یک نماز او را فوت شد آن
 جدید نماز نیز در مرتبه سقوط ترتیب داخلان فزونی قدیم
 کرد و بای **ج** فایده جدید بروقتیه مقدم داشتن واجب ایستادنی
ج جدید بروقتیه مقدم داشتن واجب باشد کثافی القیة
ج اگر کسی نماز و توفیق شده باشد و نماز یاد میگرد مع حقیقت
 ادا میکند بخوبی فاسد باشد یا بی **ج** باشد اگر وقت تکبیر
 نباشد کثافی الکبیری و الکافی **ج** اگر بخیر فوت شد باشد
 در حال الخطی یا در حال که امام در نماز جمع باشد یا در دیگر
 یا تاخیر میکنند **ج** بگذرد کثافی القیة **ج** اگر نمازها بسیار

شد

شده باشد عقیقت ندانند که چند است از قضاء هر وقتیه بگذرد
 بعد چند مردگان آن باشد که شاید جمله فزونی قضاء کرده
 باشد بعد نماز اگر نیمة قضاء بگذرد در آخرین دور نماز
 یا فاتحه سورۃ نبر خوانند بهتر باشد یا بعد فاتحه **ج** سورۃ
 نیز کثافی فتاوی الحی **ج** مردی نمازها ایام عمر قضا میکند
 برای احتیاط اگر چه همه نمازهای فوت شده باشد چنین کند
 و بر جایز باشد یا بی **ج** باشد بگذرد نماز غیر عصر کثافی
 العتایة **ج** در بیان صلوة الخوف **ج** ترتیب نماز
 خوف بیان فرمایند **ج** اگر مسافر باشد امام را مقابلہ دشمن
 بگذرد قیای بعضی بگذرد نماز بگذرد بعد سجده ثانیه این طایفه
 برود و مقابلہ دشمن با دست و پایی سخن تکوید و طایفه دیگر
 نکند و بی طایفه بیایند با امام من کور اقتل کنند باقی نماز
 امام بایشان بگذرد ایشان نماز کردند امام من کور سلام تنها
 گویند انکاء طایفه اول بیایند نماز تمام کنند قیای غیر طایفه
 از آنکه لاحق اند و بعد تمام ایشان نیز نماز کردند مقابلہ

بگویند و نماز خوانند و از ایشان زانوی برانداختن از آنکه

دشمن است و طایفه مسوق اند و اگر نماز مغرب است امام بگوید
اول دو رکعت نماز بگذرد و یا دوم یک رکعت و اگر مقیم اند امام در
نماز **سوره** و کان رکعت یا هر طایفه بگذرد کذا فی الوقایع بعد
از شرح اگر سواری شده باز گردند کار باز میکنند نماز تمام شد
یا **چهار** شود کذا فی الطحاوی **سوره** در صورتی که دشمن
نشیند بدین غبار یا گرد قفل چنین بگذرد بدین بعد معلوم شود
که دشمن نبود نماز را اگر دانست یا **چهار** باز گرداند کذا فی
الحنفه **سوره** چو در وقت نماز خوف دشمن یاد دعای
سخت باشد اگر بعضی از لشکری بر این نماز باز گردند حرکت کنند
شاید که سواری شده باشند یا شامه آنها گاه هر چه که نتایج
گردد باشد بگذرد یا **چهار** شاید که بگذرد کذا فی مجمع البحرین
باب **سوره** فی الجنائز عند الموت **سوره** چون مرخصی بموت
مزدکی شود چه طریق و میل بجهتند **سوره** محتلم است
کوتاه مستقبل قبله کنند **سوره** تلقین کلمه شهادت بگذرد و حق
باید گفت **سوره** نزدیک دی نماید گفت تا شاید که او بمشغول شود

و بگوید

و بگوید کذا فی السراجیه **سوره** تلقین مخصوص درین حالت
کذا فی مجمع البحرین **سوره** تلقین است یا واجب **سوره** و **سوره**
کذا فی الحاشیه الکفریة الثلثین واجب علی اخوانه و خالاته
سوره چون وفات یابد چه باید کرد **سوره** ده روز باز بپوشند
و چشم و اسع او بپوشند کذا فی الکفریة **سوره** چو خون هند که
میت را غسل دهند چه طریقی باید داد **سوره** بر تخت فند
که بجز بگوید سبار یا پنج بار یا هفت بار گردانند باشند
و عورت غلط او بپوشند و بر وی نه از زین ناف تا زیر ناف
بپوشند و جامه دیگر دور کنند و وضو بدهند بغیر
و استشق و ای بر سر بپوشند که در آن بر سر کفن را نشان
چو شایسته باشند یا مجرد اب کوم و سر و ریش او را بپوشند
بشوینند و بر پهلوی چپ و بر بختبانتند و پهلوی راست و **سوره**
دیگر او را بشوینند تا چیزی که متصل بقحفه است انگه به پهلوی
راست بختبانتند همین را غط بشویند پس از آن بنشاند و **سوره**
او را بخورد بگوید هند شکم او را بنغم مالند و اگر چیزی

درین حالت باید از آنکه بپوشند و غسل دهند

از او بآلیند بیرون بدن از بشویند غسل و وضو او باز بکشد
 و روی اندام وی بجام هفت کند و خشویه مخلوط در
 و بریش او باند نرزد و کافور در غصه که در هنگام سجده
 سجده می خندد بآلند کذا فی الکفر و شرحه **سور** و برش
 میت را شاء کوبه و لطف او و روی لب او بر پشه شاید
 یا **سور** کذا فی الشلیف **سور** اگر نعیض من ایدی یا بر پاره افت
 شود غسل آن لازم کرد و یا بی اگر زخمه باشد لازم کرد
 و در تخم می کند اگر بای سبب باشد کذا فی السراجیه **سور** و
 اندام مزه خود نشستن و مرز را شو و خود نشستن غایب
سور زن را شاید و مین شود هر ای کذا فی السراجیه **سور**
 فرزند که از شکم مادر مرده زاده شد حکم غسل و کفن وی **سور**
 کثرت در حق وی چگون باشد **سور** غسل و کفن می باید
 دعا نماز کذا فی الکبر **سور** ازین وفات یافت و در شکم او ازین
 زنده می جنب حکم شریعت در این چیست **سور** شکم او پاره کرد
 انظر فی چیست و فرزند او را بیرون آورد کذا فی التبیان

در این کتاب
 بیان شده است
 که اگر مردی
 در جنگ
 کشته شود
 و در شکم
 او جنین
 زنده باشد
 باید که
 غسل و کفن
 او را
 بکند
 و اگر
 مردی
 در جنگ
 کشته شود
 و در شکم
 او جنین
 زنده باشد
 باید که
 غسل و کفن
 او را
 بکند

اگر خنثی مشکلی بیرون و بر غسل و طریقه بدهند **سور**
 که در بیان نرزد و بر قلاب بریزند کذا فی التکسیر **سور**
 سفید اگر زنی میان مرغان یا مرغی میان مرغان بیرون
 زن آن مشکوحت او باشد طریقه غسل چه باشد **سور** و برش
 جامه پیچیده نیم دهند کذا فی المضرات **باب بیستم**
 در بیان کفن مرده **سور** کفن مرده چند پر کال سنت است
 و هر کال یکی چه مقدم مفسران بیان فرمایند **سور** سیر کال
 یکی از از سه تا قدم دوم خیمه دان اگر در تا قدم هر دو
 طرف دوخت بغیر طریز و استین سیوم لفاذ و آن بمقدار
سور ترتیب پوشانید بیان فرمایند **سور** اولی میوه
 پوشانید و لفاذ را بکسترتانید و از آن بران بگذرد میت
 ستان بچسباند و از آن جانب چپ اندازد بر چپ بچپ بدن
 را من راست بالا کشد و لفاذ بدین ترتیب پیچد و کفن
 دو و یا سه محل بدن اگر خوف انتشار باشد **سور** کفایت
 زن آن چند پر کال است **سور** از آن و لفاذ و خمار **سور** کفن

گفتن خونریزی و در وقت هر چه میسر شود نوبت آن **چهارم** گفتن زمان است
 چند پرگار است منتهی بیان و نمایند **پنجم** پرگار یکی پیراهن
 چنانچه در این و دوم از او و سوم خوار و چهارم نگاه داشتن
 تا قدم و پنجم پرگار سبب **ششم** گفتن زمان کنایه بخند
 پرگار است **هفتم** پرگار از این و نهم و دهم و یازدهم و بیستم
 گفتن زمان از این بیان و نمایند **اول** پیراهن پوشانند
 و مویشا او را در کسوی کنند هر دو طرف او را و بالای
 او را و **دوم** و بالای او را و نهم و دهم و یازدهم و بیستم
 به بندند المسائل فی المضرت **چهارم** اگر میت در کفچه بگذاشت
 باشند گفتن او بر که لازم است **پنجم** بر کسی که نغمه او در حال
 حیث لازم بود گذاشتن فی الثیر **ششم** فقیر و وفات یافتن و
 واری نذر که او را گفته دهند **هفتم** در مسجد سوال
 کرده گفتن او را حاصل شود قدری از آن بعد خوریده
 گفتن باقی ماند آنکس آن باقی چه کند **چهارم** اگر صاحب از دم
 بیخته بشناسد بر و مرد کند و اگر نداند دو گفتن فقیر دیگر

آن کوه اندام
 آن از ارم

چهارمین
 او را و نهم و دهم و یازدهم و بیستم

مثلا

مثلا آن مفر کند و اگر آن چنان که باشد تصدق کند بفقیران
 و مساکینا گذاشتن فی الثیر **ششم** فقیر و وفات یافتن و
 چنانچه مثلاً هر که روز عید می پوشد و زن و چنانچه در وقت
 زیارت در خانه پدر و یا خور و در شادی کار خیر عزیمت
 و الله اعلم **هفتم** پرگار در بیان چنانچه **چهارم** یا امامه نمازها
 را و از ترکها باشد **چهارم** سلطان پسران از این قلعه پسران
 حی پس از آن والی اما بقریب عصیت گذاشتن فی الثیر **ششم**
 اگر سلطان یا قاضی یا امام حی در غیبت ولی نمازخانه بگذراند
 بعد ولی حاضر شود باز کرده اند یا بی **پنجم** گذاشتن فی الثیر
ششم اگر غیب علی کسی فرود از او باشد دو و یک نماز بگذرد
 بعد ولی حاضر شود نماز چنان باز کرده اند یا بی **پنجم** گذاشتن فی الثیر
هفتم و البته نماز مکه و ممالک را باشد یا پدر را و یا پسر را
هفتم پدر و یا گذاشتن فی الثیر **چهارم** بعد گذشتن و یا **پنجم**
 کسی را و یا باز کرده اند یا بی **پنجم** گذاشتن فی الثیر
چهارم اگر مسلم بغير نماز دفن کرده شود برتریت و یا نماز

تاکدام وقت شاید **مادام** که می فریید باشد و آن
بقلب ظن دانست شود کذا فی الکافی **اگر** غایب صیبت پیش
از غسل گذرده شود یا بعد از غسل گذرده شود یا گفنه پید
درست باشد یا بی **بی** کذا فی الخزانة والکافی **بعد** تکبیر
سوم دعاء معروف کدام است **یا** اللهم افرحینا و میتانا **هنا**
و غایبنا صغیرنا و کبرنا و اشرانا اللهم **رحمتنا**
فاحیه علی الاسلام و من توفیه منافق و فیه علی ایمان **مرد**
که صیبت غیب بالغ یا مجنون باشد در تکبیر ثالث کدام دعاء تا
خوانند **این** دعاء بخواند اللهم اجعل لنا فرطا و جعله
لنا اجرا و ذخرا و اجعله لنا شافعا و مشفعنا کذا فی الکفر
در صورتی که امام پنج تکبیر گوید مقتدر بر اعدای پنج متابعت
شاید یا بی **بی** یا بلك منتظر مانده تا امام سلام گوید **مرد**
میسوق بخود رسیدن تکبیر گوید یا منتظر امام باشد تا تکبیر
دیگر بگوید **منتظر** تکبیر دیگر باشد کذا فی الشافعی
کسی که در حال تکبیر اولی حاضر باشد و در تکبیر اولی یا امام

مقلد

مقارنته کند او نیز منتظر تکبیر دوم باشد یا عقب اولی بگوید **یا**
او بگوید کذا فی الهدایة **بجای** استاد بر چنان مردوزن کدام
مقابل است بر مردوزن و مقابل مردوزن را و هر دو
فی الاختیار **عنا** از چنان گذردن در مسجدی شاید بای
بی شاید و لیکن مکروه کذا فی مجمع البحرین **در** صورتی که امام
و بعضی جماعت و چنان بیرون مسجد باشند و بعضی
در مسجد باشند دست باشد **یا** کرامت یا بی **باشد**
با کرامت بر روی امام سر خمی کذا فی المستدرکة **عنا** هر
غایب و بر عضو صیبت پیشتر گذاردن بقاد یا بی **بی** کذا
فی مجمع البحرین **مرد** گوید که آن شکم مادر دهنه بیرون آمد
چنانکه گوید از وی شنیده شود و لیکن فی الحال وفات یافت غسل
وی **عنا** بروی لازم کرد یا بی **مرد** کرد کذا فی الکافی **مرد**
که از در حیرت اسیر شد بود بعد مرده نماز بروی گذاردن
لازم کرد یا بی **مرد** اگر بغیر مادر و پدر بر سر شود لازم کرد
و اگر با یکی از ایشان باشد کذا فی الهدایة **مرد** در سجده

ممکن نباشد شست کردن شاید با بی جوب باکی نبود سوال در این
 دست نیلید اگر تابوت بلند شاید با بی جوب باکی نبود چنین در
 خاک باید که است برین و طبق بالینه کلاه باید کرد شویات بی
 السراجیه **س** میت را از طرف قبله در نهد یا از جانب پایا
س از جانب قبله در نهد کذا فی الکفر **س** ترشیت چه می
 بر سر کند **س** ترشیت کند به بلند بی چهار انگشت یا یک انگشت
 کذا فی الاختیار **س** ترشیت کلاه کرد در وقت عمارت
 چه کرد باید با بی **س** مکره است کذا فی الکبری **س** خشت
 یخته و جوب بود است شاید با بی **س** مکره است کذا فی جمع
 النعم **س** میت را از کور بیرون آورد شاید با بی **س** بی
 مکرر که زمین معصوم باشد و خم بجز بیرون آوردن
 نشود کذا فی السراجیه و شرح **س** اگر میت بر پهلوی
 چپ افتاده باشد یا روی او سمت قبله نباشد بعد از آنکه
 یاد دهد که روی بطرف قبله نیست پس بعد از آنکه روی را
 ازان طرف مستقبل قبله کرده شاید با بی **س** بی مکرر که پیشانی
 انداختن خاک کذا فی السراجیه **س** از بی سر خیزند خاک کرده

و از او شمری دیگر دفن کردن و بعد از دفن کردن خاک بر سر
 بقرار و بی لرم شد و میخواهد که ازان چاه بکشد و در مقام خود
 بیارد رو باشد کشیده میت را و انتقال با بی **س** فی کذا
 فی التیمس **س** میت را مقلد دو فرسنگ برد شاید با بی
س شاید کذا فی المضرات **س** تشنن اقارب میت از هر میت
 سه روز جایز است با بی **س** هست مگر ازان کذا فی الکبری
س بعد از وفات سه روز طعام بتکلیف ساختن بطریق
 مهمانی مباح است با بی **س** هست کذا فی التیمس لمزید **س** اهل
 معیت را تشنن بر در خانه میت و اهل میت نزدیک جنازه
 بمیان گذاشتن شاید با بی **س** مکره است کذا فی التیمس **س**
 در میان صلوة الکعبه **س** نماز گذاردن درون کعبه درست
 با بی **س** هست **س** کسی که پشت او سر پشت امام یا سوی
 روی امام باشد نماز او درست باشد با بی **س** ازان اول
 درست باشد و ازان دوم **س** اگر جهات کرد کعبه حلقه کند
 و بیاید بیرون کعبه بر یکت باشد ازان امام نماز ایشان جایز

[Faint handwritten notes at the bottom right corner.]

چہ صفوں است حقائق شریک برزخ و حکما

هوایب چشم و صدای غمناک لبت که در وقت دلم
شغولت بود و دایره چقدر از غم چو خط
تو که در دلم و تو که در دایره دلم و تو که در دایره دلم
است و تو که در دایره دلم و تو که در دایره دلم

در جواب بقیه منورند و نیست درم نقره یا پسته مثقالی
 اما بشرط آنکه مال تجارت باشد کذا فی الشیخ **س** اگر اموال غیر منقول
 و نقره یک سال بارت رسیده یا از کسی بخشیده یا فت و در آن وقت
 کرده بجز دینیت بخانه کوه آقا تجارت گرفته زکوة لازم کرد و با
 کبدان سود نمکند **س** انگاه که او را بفروشد کسی نزد سید
 استعمال دارد و چه نیت تجارت در آن مقدار در هر سال در آن
 زکوة لازم کرد و یا **س** کرد و چون بقیه نفع باشد للسابق
 فی السیرة **س** اگر مال تجارت در اول سال در قیمت مقرر
 نفع نبود در میان سال بخر کم شد و مال آن نفع کم شد و
 سال آن بقیه نفع باشد شرعا زکوة از آن لازم کرد و یا **س**
 کرد کذا فی الکفر **س** مردیست مالک ده مثقال نقره و مقدری
 نقره دارد و قیمت آن کم از صد درم است اما در پنج مره
 ده مثقال نقره مقدری نقره میشود شرعا در آن جمع زکوة
 لازم آید یا **س** **س** یک کذا فی الاختیار **س** اگر فقیر نقره
 کلاه منورند صد درم قیمة دارد و صد درم نقره و نقره زکوة بود

لازم

لازم شود یا **س** شود چون کلاه از آن تجارت باشد کذا فی حاشیه
 الکفر لمولانا شمس الدین **س** در میان صدقه سوا
س سائید کلام موش را گویند **س** آنکه زکوة از شش ماه در چنگ
 بجز و کذا فی حاشیه الکفر **س** نفعاً شش ماه سائید چه مقدار است
 و زکوة چند است **س** در پنج سال شش سال که سفتد و در
 شش دو کو سفتد و در پانزده شش سه کو سفتد و در پست
 شش چهار کو سفتد ناست شوند از آن بنت مختار یعنی یک
 که در دو سال پای نهاده باشد و در سبب و شش بنت لیون
 یعنی دو سال و در چهل و شش حق یعنی سه سال و در شصت و یک
 جزء یعنی چهار سال و در هفتاد و شش دو یکسال و در نوزده
 یک دو سه سال تا صد و بیست معافست و در صد و بیست
 باز از سر گیرد کذا فی مجمع البحرین **س** انصاب ماد کا و بخت است
 و چه مقدار است و در آن چه لازم آید و چون زیاد شود زکوة
 چگونه بدهد **س** در سبب ماد کا سائید شیع یعنی یکسال و در
 چهل مثقال یعنی دو سال و در زیاده از آن بخت است یعنی در یک

نیم

عشر صنف و در دو نصف عشر داشت که در آن در وضع و در هفتاد و یک ماه
 فستق و پسته و در هشتاد و یک ماه و دو صنف و هجده در هر
 مر از بیع منه شود **سور** زکوة کا و منتر چه حکم دارد حکم کا و
 دارد در جمله چیزها **سور** کوفته چه مقدار است و نیز
 چه لازم آید **سور** چهل کوفته و آن بعد مسا فقه یکسا را لازم آید
 سوال چون از چهل زبانه شوند و تا چند عفت است و چه مقدار
 در کوبند **سور** عفت است چون صد و بیست یک شود لازم کرد و در هر
 این حکم تا چند است و زیاده برین تا چند شود **سور** در هر
 و یک **سور** کوفته لازم کرد پس از آن در هر صدی یک لازم
 آید و در چهار صد کوبند چهار **سور** کوفته یا نصف یک **سور** کوفته
 کاهها فی الکفن **سور** در بعضی که از عتق و آن باشد در هر زکوة
 حکم دارد در هر حکم کوفته دارد کفای الشافعی **سور** از اسباب عتق
 و از خزان و از استادن و برگان و شتر و بکات و کاه و از عتق
 و یا کوسالکات و جمل آنها بجز بقره و بقره بر کسی لازم باشد
 که پیش از شش ماه یا زباده دهان علف خویند از نهان که

لازم آید باین **سور** فی کفای الکفن **سور** بر کسی که زکوة یا صدق فقه
 و خراج و نیز واجب کرد و اگر قیمت آن او نکند جایز باشد
سور باشد کفای شرح الکفن **سور** اگر خراج زمین و عشر و زکوة
 با غنیمت و بعد امام یا بشان مستولی شد از اصحاب زمین
 و از اصحاب مال زکوة بهر یک است باین **سور** فی کفای الکفن
سور در هر مال مقدم بر عتق دارد زکوة سالها اینده همین زمان
 میدهد روا باشد باین **سور** باشد **سور** در هر یک نصف است
 دارد و از آن چهار نصف زکوة او کرده بعد از مرصاف دیگر
 مالک شد از جمله نصف محسوب باشد باین **سور** از جمله محسوب
 باشد **سور** اگر کسی گوید که سال تمام نشده است یا گوید که
 دین است که فر گرفته است آن نصف آن گوید که بهاشیر دیگر
 یا بفقیران داد و هم عاشر بقول او بسته کند یا سو کند بملک زکوة
 از وی طلب کند **سور** بقول او بسته کند یا سو کند بملک زکوة
 مویشی که در آن اگر گوید که من خود بفقیران داده ام در هر یک
 ندارد مگر بسته اند **سور** درین چنین ها قول تابعی که

باشد نیز چون مسلم یا سولند او استوارند باید **دارند**
 کذا فی السراجیه **در** مردی در غله فقیری دهیست **در** ده
 پنج درم از آن به نیت زکوة هم بدیون مد کوثر کند از زکوة واق
 شود دینی **در** نشود مگر ربع عشر ازین پنج درم ده فن
 در دهست **المستأثر فی السراجیه** اگر کار از دیار فقره
 و غوه در زمین خراجی یا عسری یافت شود عشر از آن بدهم
 حصه بستاند و باقی بکشد **در** شش حصه بستاند
 چهار حصه مگر آنکه بیاید **در** اگر کسی در سرای خود
 زمین آفره یا غنایک بیاید که بر او مهر خانه نشاء اسلام باشد
 یا نشان جاهلیت باشد حکم آن چیست **در** حکم اسلام خطه
 و از جاهلیت خمس آید و چهار حصه یا پند را باشد کوفه
 مباح باشد و المعصی خطه مریخی کسی را که در اول فتح از
 گرفته باشد یا واد او را باشد **در** اگر خطه و دوش
 او معلوم نباشد قصه مکرر باشد **در** مکرر کسی را که سابق باشد
 قبض او در اسلام کذا فی الکافی **در** شهد که کثیر از شهد

از این زمین که در
 آنجا که در
 آنجا که در
 آنجا که در

در زمین عسری باشد یا خراجی کرده عشر در آن لازم کرد
 یا **در** در زمین عشر لازم کرد و در خراج فی کذا شرح
در از عسری که در آن ضرر و یا آنکه در بجا بود و یا بر آن
 بغیر التمسکه آن حاصل کرد عشر از آن بغیر شرط نصبت
 کرد یا **در** کرد کذا فی الجمل **در** آنکه بانه شقی کند آن
 قدر واجب کرد **در** نصف عشر **در** از عسری که در بعضی سال
 مال سید تر شود و بعضی سال بانه آنرا آب دهند حکم و پند
در حکم آنکه اگر کثیر است کذا فی مجمع البحرین **در** عشر از
 بستاند یا بعد از خراج موهبت مزیلعت **در** آن که خراج
 کذا فی الکافی **در** زمین عشری کدام است و زمین خراجی کدام
در هر زمین که اهلان بطوع ایمان آورده باشند زمین او
 و در زمین که اهلان بطوع کرده اند یقین و غلبه کرده باشند یا
 اهل غنیمت قسمت شود یا امام هم بر او مقرر دارد آن زمین
 خراجی باشند مگر مگر مبارک کذا فی السراجیه **در** اگر زمین عسری
 مرتفعی باشد یا باشد یعنی قومی از آن ترسایان که نام او مؤنوسند

از ایشان حاصل آن چه مقدار باشد **در ضعف عشر** یعنی خمس
 اگر ثقلی مسلمان شدن یا بدست مسلمانی بفرستد کم
 چیست **در ضعف عشر** واجب است اگر مسلم یا ذی حرم
 عشوی از ثقلی خرید و واجب از آن چه قدر است **در ضعف عشر**
 خمس واجب است اگر از ثقلی بستاند کذا فی الهدایه
 اگر ذی حرم یا مسلمان یا خرید از وی عشر طلب است **در ضعف عشر**
 باید که اخراج کند کذا فی الکنز **در مسلمانی** سرای خود بستاند
 ساختن از آن عشر لازم است یا اخراج **در ضعف عشر** و بیست
 گردد عشر لازم است و اگر بای حرامی باشد عراج لازم نیست
 کذا فی الکافی **در اب عشر** کلمه است و اب خزای کلمه است
 عشر عید یا بلکن و اب چاهها و چشمها و اب دریاها که
 تحت ولایت کینه نیست و اب خزای اب چو پندار اهل حق کافیه
 چاهی که در زمین خزای کافیه شده و اب سبخون و بختون
 در بخله و فرات کذا فی الهدایه **در مال زکوة** هر کس مثله
 نصاب یا نهاده لازم کرده تمام بیک کس داده و نه باین
 باشد

باشد یا **در مال زکوة** اگر بشهر خود بستاند و در شهر
 دیگر بود درست باشد یا **در مال زکوة** اگر بشهر
 شهر قریه قریب وید باشد یا فقرا از آن شهر محتاج نباشد
 از فقرا شهر سکونت و کذا فی الشافی **در مال زکوة** اگر کسی که از
 قوه یکروز باشد در خود است گرفته از یک کس مر او بستاند
 یا **در مال زکوة** اگر کسی که در میان صدقه فطر
 صدقه بریده غنی و بر کافر غنی لازم کرد یا **در مال زکوة**
 اگر کسی که صدقه فطر از بنده کافر بر مولی لازم شود یا
در مال زکوة اگر کسی که صدقه فطر از بنده کافر بر مولی لازم شود یا
 و خوب صدقه فطر **در مال زکوة** مقدار غنی شرط است یا
 و عام پوشیدن و شاع خاد و اسب سوار و او و سوار است
 او و بندگان خلعت او کذا فی الشافی **در صدقه فطر** اگر
 واجب کرد **در مال زکوة** از نفس خدمت او کذا فی الشافی **در صدقه**
 فطر اگر کسی که در مال زکوة از نفس خویش و طفل خود بستاند

اند و بندگان خفت خود و مدبر و م و کله خویش فطرت
 کذا فی القدر و **را** طلع که مالک رضا است صدقه فطرت
 و غل مانه او را ده کند **را** پندار اگر پدر نباشد جدا و
 و کجید نباشد و صبا نباشد و اگر و صبا نباشد
 که قاضی او را نصب کند کذا فی المضرات **را** احقار و مسلمانان
 که هم باشند صدقه فطرت بر چند ایشان چون غنی باشد لازم
 کرد و یانی **را** جودیت اظهار کذا فی المضرات **را** اگر و نند
 بالغ باشند بجز معنویت دیوانه شود صدقه فطرت او را ده
 او لازم الیوم ایله یانی **را** آمد کذا فی البیاض **را** اگر و نند
 اگر بید و کیزت که کر بخت باشد یا رهن باشد یا غصب باشد
 بر کسی که او متکواست غصب صدقه فطرت ایشان بر موط
 و جب ایک یالی **را** مکر در موهون بر و اینو **را** بکچون
 و عیاد مقدر دین مال باشد زیاده از نقتا **را** و نند کند
 شده و کینز **را** کلام و نند کشته از ایشان نیز صدقه فطرت
 یانی **را** کذا فی المضرات **را** صدقه فطرت چه قدر بید

یا هجونیتم

نیم

نیم پناه کدم یایک پناه جو یایک پناه خرم **را** پناه
 شری مقدر چیست **را** هشت بر طر و بر طر پست سیر و
 شش نیم درم یعنی یک حد سیر درم کذا فی المضرات **را** وقت ایله
 صدقه فطرت کدم است **را** بعد طلوع جمع صادق یعنی روز عید
 فطرت او را بکنین سقوط نیست فاما وقت مستحب است که اگر
 او تار سینه امام بعمل نماز عید شافعیان خاطر جمع بکن
 دل نماز کنیز زن کذا فی الکبیری **را** در ماه رمضان صدقه
 فطرت اگر بدهد در وقت باشد یانی **را** باشد کذا فی الفقه
را اگر صدقه فطرت کدم یانیان جو کسی را بدهد در وقت
 باشد یانی **را** باشد اما بعضی وزن اعتبار کرده اند و هم
 است که قیمت معتبر است و هو المعیج کذا فی الذخیره **را**
را در روز چه چین را گویند **را** زن مسلم
 که پاک از حیض و نفاس باشد او را نفس خود باز داشتن
 از خوردن و آشامیدن و جماع کردن یا نیت قربت بر
 صادق یا غروب آفتاب **را** شرع و طری و خوب صوم کدم

نیت روز و نماز
 اللَّهُمَّ إِنِّي
 لَأَكْفُرُ بِكَ
 بِكَ وَ عِلَّتِكَ
 أَقْنَيْتُ
 تَوَكَّلْتُ فَقَالَ
 رَزَقَكَ
 فَطَرْتُ
 فَتَيَّكَ
 أَصْغَرُ عَدَا
 مِنْ شَرِّ
 رَمَضَانَ
 الَّذِي نَزَلَ
 فِيهِ الْقُرْآنُ

حج اسلام و عند بلوغ **حج** و شرط و وجوب اداء صوم کلام
و اما بعد از روزه که بر روزه داشتن زیاده شود و وقت
 و چهارم از حیث و تقاسم کذا فی المناهج **حج** اگر در ماه رمضان
 کسی نیت روزه کند مطلقا تعین رمضان نکند یا نیت نکرده باشد
 نفل کند یا قضا کند و او مسافر باشد حکم نیت او جایز باشد
 جواب واقع باشد اداء رمضان و هو العیج کذا فی الینایح **حج**
 اگر نیت نیت قضا کند حکم او چیست **حج** حکم مسافر نیت
 صییم کذا فی المفردات **حج** در روز شك اگر نیت نفل کند حکم
 چیست **حج** با کسی نیت و هو العیج کذا فی المفردات **حج** در روز
 شك اگر نیت واجبی دیگر در روز بگذرد حکم آن چیست **حج**
 اگر آن روز معلوم شد که داخل رمضان باشد از رمضان
 باشد و اگر از شعبان بود قبل نفل واقع شود یا از نیت
 کرده بود و هو العیج کذا فی الهدایه **حج** اگر در ماه رمضان
 شك افتاد چه باید کرد **حج** مختار است که خواهد نیت نفل
 کند و عوم تأییم و در انتظار کشد کذا فی التحدیث **حج**

اگر

اگر کسی قضا در رمضان است او نیت چگونه کند **حج**
 است که تعین کند در قضا روزه و قضا نماز اما اگر در نیت
 روزه تعین نکرد هم درست باشد کذا فی الذخیره **حج** اگر نیت
 یک رمضان در روزه تعین نکرد هم درست باشد کذا فی
 الذخیره **حج** اگر او بر یا غبار باشد گاهی چند کسی بر او شود
 ماه رمضان معتبر است **حج** یک نفر عاقل و بالغ اگر چیزی
 باشد یا بیهوش یا محدود قذا کذا فی الینایح **حج** اگر کسی
 عاقل بر کوهی عاقل دیگر کوهی دهد حکم آن چیست **حج**
 درست باشد کذا فی المفردات **حج** اگر کسی ماه رمضان بیند
 و قاضی بر کوهی وی حکم نکند حکم روزه بر وی قضا ایستد کذا
 بیاید و هو العیج کذا فی الجامع الصغیر الخانی **حج** برای قبول
 کوهی بر دیدن ماه رمضان دعوی شرط است یا نه **حج**
 بر قول امام اعظم رحمه الله علیه هست و بر قول صاحبیه
 نه و میل بنا خدان برین مفهوم است مد الغیورین
 اگر در مطلع ابر و غبار باشد ماه شوال و ماه ذی الحجه

چنانچه

قضا کرده باشد حکم آن
 چیست چنانچه حکم مسافر
 در روز نیت نفل کند

اگر نیت نفل کند
 در روز نیت نفل کند

بگوای چند کس شمع بایند **ج** بگوای دو عدد کذا فی الجواب
س و اگر در مطلق هیچ غباری و ابوی نباشد حکم چیست
ج بگوای چیزی بسیار که ازینک محله نباشد کذا فی الینایح
س و اگر در صورتی که در شهر ماه یکصد نه امایک بقدر عدد ایشان
 بیرون آمد بمقای کوان مقام بلند تر است حکم کواهی **ج**
س و اگر در مطلق باشد حکم روایه شرح العبادی اگر غبار
 نباشد و حکم روایت کتب دیگر غیر مقبول کذا فی الینایح **ج**
س و اگر در شهر ماه رمضان در شب دوشنبه و یکشنبه چون
 پست هم ماه و روز و روزه دوشنبه باشند جماعی پند
 قاضی کواهی و مفسر کفایان جا ماه شب یکشنبه و یکشنبه اندام و
 صلح است قاضی بران حکم کوه و اندام فرمود که بامداد عید است
 چون شب و شب شد در مطلق هیچ غباری نبود و مفسر
 ماه نبود و شد تراویح درایت شب و افطار و روزه و عید
 و شب و روزه است یایی **س** و کذا فی محیط **س** اگر در شهر
 سیم روزه داشتند حکم دویزه و در شهری دیگر پست

روزه داشتند حکم دویزه بر اصحاب این شهر بگرد
 قضا لازم کرد و یایی **س** و اگر در مکرانک میان هر دو شهر فرق
 باشد که مطلق متفاوت باشد کذا فی السراجیه **س** و در شهر
 دویزه کوه پشتر قاضی برویه هلال رمضان کواهی و اندام
 بموجب صحیح دعوی و عدالت شاهدین حکم کرد چون
 روزه تمام شد بوجود صفا مطلق ماه کسی ندید حکم این
ج است **س** و بامداد عید بکنند هو الصحیح فی الزخیرة **س**
 اگر ماه هلال شوال در روز دیدن حکم چیست **ج** و از شب
 آینه گیرند هو المختار کذا فی الکبیری **س** و در قریه که قاضی نیست
 بلیدت ماه رمضان بکنند عید کواهی دهد و در مطلق عید باشد
 بقول او و مسلمانان روزه لازم کرد و یایی **س** و کذا فی الجرد
س و در روزه وضو و روزه نفل چون صایم بقول مویطع
 و یا شراب خورد یا جماع کند روزه او بشکند یایی **س** و کذا
 الحادیة **س** و بخطاه دهد و یایی صایم اب یا طعام رفت
 حکم روزه او بشکند **ج** و بروی قضا اید و کفار و کذا فی

کتاب المصنف **اگر صایم** غذا مویشی طعام بخورد و در روز
او کسی است که او را در خورده می بیند مراویا رسد که یاد
دهد باین **چه** مختار است که قله اخبار مکر و هست مکرنگ
سبب خورده بنسبانی او را خورده بر او صوم و صلوته
کرده و بتو که ضعف حاصل اند کذا فی الکافی **اگر** روز
دارد خواب است و بر الحرام شد روزه وی شباه شود باین
روز **چه** اگر سبب نظر کردن سوئی مرتب انزال کرد و بیاید
الزنا بخورده او را تا انزال شد روزه وی شباه شود باین
اگر **چه** در روز صوم شباه شود کذا فی الهدایة و الکبیری
سوال اگر کسی با احتلام افتاد و او پنداشت مکر روزه او بنا
شد بعد طعام نیز خور حکم روزه ماه رمضان وی
چه باشد **قضا** و کفاره نیز لازم کرد کذا فی الغرر
اگر در ماه رمضان صایم بغرامویشی طعام خورد
یا آب خورد یا نجس کرد بعد چون یاد او شد که روزه بود
پنداشت مکر و روزه وی بشکسته است انگاه بعد ازین

طعام

طعام خورد اکنون حکم روزه وی **چه** باشد **اگر** بروی قضاء
لازم آید و کفاره یا کذا فی المصنف و النسخة **اگر** بر صوم الحائض
در چشم صایم را روزه تباها شود باین **چه** کذا فی الجامع البصر
خانی و در مضرات میگویند که در زنی که صوم است که عورتی
مرد خورد یا بغیر شهوة بر او گرفت و یا او فریاد رمضان
فرام آید بیغیفت اند که بر مرد و قضا و کفاره واجب آید
صورت است که مرد با لباسش و عورت فرود قاما اگر عورت
مرد را فرود خنده و خورد بالا شود و با مرد فرام آید
صورت بر مرد کفاره نیست فاما قضا باشد و بر مرد **چه**
قضا و هم کفاره لازم باشد فاما قنوی است که بر مرد بالا
و عورت فرود قاما اگر عورت مرد را فرود خند و خورد بالا
شود و یا مرد فرام آید که بر مرد کفاره باقیست بر هاتل
اگر **اگر** روزه را زان شب در آید و آب بر سر و اندام خود بریزد
و یا جامه تن کرده بالا بخورد حکم روزه او **چه** باشد **اگر** باین
نیت صوم الحائض کذا فی النسخة **اگر** در ماه رمضان بیوس

نزد راجعش کردن زن اعتدال شود حکم روزه او چه باشد
جواب بر وی قضا ایست و کفاره بی کفای اهدایه **اگر کسی در**
 ماه رمضان بوسه بکشد چگونه باشد **جواب** باکی نیست اگر این باشد
 از اعتدال و جماع و ملاکوه باشد کفای الوقت **اگر روزه**
 دار قیامت روزه او بشکند یا بی **جواب** مگر آنکه بجهل باشد
 پریده باشد یا از دهن باخورد و در آن وقت و بکشد این پریده
 باز در شکم مرقع بقول امام محمد رحمه الله علیه روزه قیامت
 نشود و هر المعجم فی الجامع الصغیر و زوجین **اگر در**
 غث و در و حاصل نشود چون آنرا کسی فرود برد جنازه
 پاره آهن یا سنگی زخم یا خسته خرم حکم روزه وی چیست
جواب بر وی ناسخ قضا لازم آید فقط **اگر کسی در**
 در یک روز در دهن یا غبار روزه بشکند یا بی **سوال** کفای جمع
 البصر **اگر ازین دندانها خون آید و آن در شکم فرود**
 رود حکم روزه او چه باشد **جواب** اگر آب دهن بدان غالی باشد
 روزه قیامت نشود و اگر خون غالب باشد قیامت نشود و روزه

در دهن

کفاره بی م

ماه رمضان قضا لازم آید فقط **اگر از بیستم که تا هر یک**
 بدهن بشکند و از آن آب دهن او بر نشکند آن لعاب سرخ
 و بارز و بیا سبب شود و از آن فرود بر روزه او بشکند یا
جواب بشکند کفای الکبیری **اگر آب دهنه در دهن صیام**
 مرد و از آن در حلقه فرود روزه او قیامت نشود یا بی **جواب** مگر آنکه
 بسیار باشد که فرود و کفای تمام دهن بیاید پس اگر فرود بر
 انگه بشکند چنانچه در رقیه عرف کفای الکبیری **حیاء که**
 و یا طعام که در دهن بماند مانند از فرود بر روزه او بشکند
 یا بی **جواب** اگر بقدر دانه بخورد باشد بشکند و کمتر از آن بی و بشکند
 بدان بعد کفاره لازم آید مگر آنکه بلیست یا روزه کشد بعد بایست
 کند و فرود بر انگه قضا لازم آید کفاره بی کفای الحاحیه
اگر در گوشت چیزی چکاند کثرت و یا سر را معید باشد
 چنانچه روزه و غلظت چنانچه روزه بشکند یا بی **اگر معید باشد**
 بشکند و لای چنانچه آب و نحوه کفای النافع و المختار فی الکبیری
 سوال اگر در وقت روزه در اول وقت و آخر وقت

جایز هست باین **در کذا فی الهدیه** **در کلم** غنیه است
 که بکلی صایم و اگر صحت خطا است **در کلم** غنیه است
 یعنی هر دو آدم که روزی یکبار شود و **در کلم** غنیه است
 ششم **در کلم** غنیه است یا بشیر خورنده و شش **در کلم** غنیه است
 اگر کسی **در کلم** غنیه است **در کلم** غنیه است **در کلم** غنیه است
 کردن بغیر تو حی حکم آن چگونگی است **در کلم** غنیه است
 اگر صایم در روزی یکبار و برین **در کلم** غنیه است
 یا برین **در کلم** غنیه است یا بشیر خورنده و شش **در کلم** غنیه است
 در ده صایم در یکبار یا در روزی یکبار **در کلم** غنیه است
 باین **در کلم** غنیه است **در کلم** غنیه است **در کلم** غنیه است
 یا او و در روزی یکبار **در کلم** غنیه است **در کلم** غنیه است
 المسائل كلها فی جمع البعید **در کلم** غنیه است **در کلم** غنیه است
 در احادیث السیکن اذی در روزی یکبار **در کلم** غنیه است
 بکلی غنیه یا دو بعد بیک **در کلم** غنیه است **در کلم** غنیه است
 برده را اگر روزی یکبار **در کلم** غنیه است **در کلم** غنیه است

روزی داشتن و یکروزه قضا و در میان دو ماه مذکور **در کلم** غنیه است
 نقصان نکند **در کلم** غنیه است **در کلم** غنیه است **در کلم** غنیه است
 پشتر از زوال نیست کرد و بعد از زوال **در کلم** غنیه است
 کفاره نیاید کذا فی جمع البعید **در کلم** غنیه است **در کلم** غنیه است
 خود در آورد حکم روزه او و جنابت وی چه باشد **در کلم** غنیه است
 بر صیامم نیاید کذا فی الکبری **در کلم** غنیه است **در کلم** غنیه است
 نباشد مزور اخصل چیست **در کلم** غنیه است **در کلم** غنیه است
 در ماه رمضان صاف شود و در روزی یکبار **در کلم** غنیه است
در کلم غنیه است **در کلم** غنیه است **در کلم** غنیه است
 روایت روزه داشتن کذا فی المفردات **در کلم** غنیه است **در کلم** غنیه است
 چند روزی باشد متصل بیکدیگر یا متفرق **در کلم** غنیه است
 بیک **در کلم** غنیه است **در کلم** غنیه است **در کلم** غنیه است
 نباشد او در ماه رمضان چه کند **در کلم** غنیه است **در کلم** غنیه است
 کلمه صلیق کند صلیق دهد وین را فدیة گویند کذا فی الهدیه
در کلم غنیه است **در کلم** غنیه است **در کلم** غنیه است

آن چیست **ج** اگر وصیت کرده باشد هر روزه و غیره از خود دهند
و اگر وصیت نکرده و قاربت او بترک کند از جهت اوقیه دهند **س**
فاما ببله روزه روزه داشتند قبل از نماز که از روزه مروا نیست کذا فی
المطهرات **س** اگر کسی روزه نیت کند بعد از شروع شکسته بوی
فصل الامر که در بای **س** اگر در کله فی الشایع **س** از روزه در ماه رمضان
مروزی که عاده افطار حقیقت او بود آن روزه نداشت **س** در بعضی
اوقات عادت نشد یا مردی روزی نیت شب بود در آن روز روزه
نداشت پس آن روز را بر او نیت نیامد حکم قضیه هر روزی چنانچه
س کفار لایم شود کذا فی النبیوة **س** مردی سوختن و در بیکان
شب است چون جانب مشرق دید صبح رفته است یا کیهن افکار
بیکان آنکه افتاب غروب شده است بعد از تحقیق شده صوم
افتاب هست برایشان چه باشد **س** قضا را بد و اساک باقی
روزه کند کذا فی الهذیه **س** اگر پادشاه ماه شوال تصادید او را
عیل کردند بعم خود و مردی هلال را باشد بای **س** کذا فی الکلیه
س زنا در روزه نقل بغیر از آن شوهر و نسله و کینه را بغیر از

روزی که در روزه نیت کند بعد از شروع افطار
او شکسته و قضا را بد و اساک باقی
روزه کند کذا فی الهذیه
س اگر پادشاه ماه شوال تصادید او را
عیل کردند بعم خود و مردی هلال را باشد بای
س کذا فی الکلیه
س زنا در روزه نقل بغیر از آن شوهر و نسله و کینه را بغیر از

مولى

مولى واجب بر بقیه از آن مستاجر شاید بای **س** اگر کسی که شوهر
او زوجه باشد یا غایب یا صایم واجب بر او چنانچه روزی باشد
در عمل فتور باشد روزه بگذرد کذا فی التهذیب **س** اگر کسی که
شیرخوار شکم مروان شود و کاهتا مر یا بر او مروان و قاربت ماه
رمضان رخت صفت فرمایند مر یا بر او شاید که روزه بشکند
بلین سبب بای **س** شاید بشرط آنکه اطباء هادق باشند یعنی بجز
باشد و زوجهت معینه شوهری حاکم باشد **س** در بیان
اعتکاف **س** اعتکاف بر چند نوع است **س** بر سه نوع است **س**
دست و نقل واجب است که مسلم بر خود واجب کبر و دست
که در عشاخیره ماه رمضان که رسول صلی الله علیه و سلم بدان
مواظبت کرده است و نقل است که در مسجد دوازده بیت اعتکاف
و این قسم با صوم و غیر صوم جایز است کذا فی المطهرات **س**
اعتکاف در کلام مواضع جایز است **س** در هر مسجدی که مراد
جماعتی شود بدان واقعتا همه اعتکاف کذا فی الفلأصله **س**
معتکف را بر ای کلام چیز از مسجد بیرون آمده شاید **س**

اما وجوب شرط خروج و بعل و عقل و صحه و قدره مراد در حلقه ابراه
از باسكن و نيز چيزي كه از او باهر نباشد و نقد و فزايه مر
چند دهه كه خود برود و باز پاييد و بر و ليح چهل روز
نقد مران كه غير از يك بجز در مدينه و بر و ليح چهل روز
نقد و راه كنند بر آنكه از سفر بجا نماند و كوفه بكامري
مشغول شوند و امن مر و مي پاييد و امن مره بخوان
كه در حلقه و نيز چيزي كه از او باهر نباشد و نقد و فزايه مر
شروط كه برابر باشد آقا اميدم از اين جميع شروط مير
و بعل و عقل و هرب شرط واجب اند و صحت و قدره مر
و مرحله و نيز چيزي كه از او باهر نباشد و نقد و فزايه مر
اگر چه و يا غلام محرم شدند بعد از احرام حبي بالغ شد
و يا بنده از اد شد و هم بلكه احرام بجا نماند از فرض
محرم باشد يا ي و كذا في مكره انقل و كذا من العيب
الاحرام قبل التوقوف و نريد حجة الاسلام جلاله
لوفعل ذلك لا يجوز لان الاحرام العبي غير الام معناه

اگر چه

اگر چه حبي و بلكه از احرام با كشتن آن حبي كه بالغ شد و نيز
فرض محسوب باشد و ان بنده كه از اد شد چ او نيز فرض
نباشد نعل كه در فرض چ سال ديگر بجا آورد سوره مواقيت احرام
يعني جاء احرام كذا سوره مع اهل مدينه را از ذوالحججه
كه از مدينه بعد ترملك فرض است و از ذوالحججه تا يك
مرحله است و مر اهل عراق را ذات عرق و اين نام و ان
كه از مكه مسافات دوازده روز است و مر اهل شام را از حنظل
و حنظل را ربع هم شو اند و ان از مكه پنجاه فرسنگ است چنان
در مشق الانو مر اطره است المحضر اي ميثاق اهل شام
شصت و شصت و شصت و مر اهل هند را از قرن و ان دورود
راه از مكه است و مر اهل يمن را از يك نيم و ان سه روز راه از
مكه است اگر اين موضع كذا في احرام او حاجي نباشد و
محسوب نكرده و انكساني كه از اين مواقيت يعني مواضع كذا
اند مر اهل ايشان احرام از حلقه كينند يعني مر اهل حرم مكه
و مر اهل مكه را از حرم مبرج را و از حلقه حرمه را الحاحند

الحرم یعنی در احرام مکسول اگر شیخی بلبا حج اسلام بجا آورد
 جدا نفوذ بالله منها مرتد شد بازم اسلام آورد اگر استقامت
 باز دیگر حج بجا آورد فایده پانزده جاه است که اینجا هر دعا که کند
 بی شک مستجاب است یکی بر دین کعبه دوم دستهای بجانب
 حجر الاسود کند سوم چون در رکعت نماز در مقام بر زمین علیه السلام
 بکند چهارم چون بیا اصداء شود و مستقبل کعبه کرد و پنجم
 چون از صفاف و نداید و بر موقوفه بالا نشود ششم چون از حجر الاسود
 از حجر اسود کند هفتم بعد خواندن دعا بین الصفاء و المرقه
 هشتم بعد از طواف رکعت که بدان نشاء حل میشود نهم بعد
 از ذبح قربانی دهم بعد از حلق یا قصر یازدهم عند الفتره
 دوازدهم عند الزمان سیزدهم بین الرکعتین و المقام چهارم
 بوقت انداختن ری الجمار پانزدهم چون کعبه را واقع
 کنند خد سبحانه و تعالی هم روزی گردانند امین بر لباق
در بیان احرام چون کسی خواهد که احرام بپوشد
 و بر آن کوزه باید کرد و وضو سازد و بجز آنست که غسل کند

نادر و خت بغیر و نیز و شبه پوشد و بیا که شسته یکی از دو مرد را
 و بیا یک جامه ساتر عورت نیز بسته است و اگر خشو بر او باشد
 استعمال کند فاما آنکه بعد از استعمال عین است باقی نمازد و کلاه
 کلاه و بعد بگوید اللهم لیکن لیکن لا شریک لک لیکن
 ان الحرد والنعمه لک والملك لک لا شریک لک لیکن کذا فی
 جمع البیوت **در** اگر حاجت بخواهد که احرام بپوشد
 در حق وی وضو و غسل بکشد یا نه چیت **در** ایشان نیز بجا
 آرند از آنکه از واجبات کذا فی کافی **در** اگر کسی احرام
 بندد که درون زمین حرم باشد میقات احرام او کلمه است
در زمین حقل **در** مقله حرم چه مقله است **در** از جانب
 مشرق شش میل و از جانب دوم دوازده میل و از جانب سیم
 سیزده و از جانب چهارم بیست و چهار میل کذا فی الکبر
در مخرج روزه پوشیدن و پیراهن و قبا و موز
 پوشیدن و کلاه و دستبر بر سر کردن و شکار کردن و شتر
 کردن و کلاه کردن بر شکار اگر جایز است یا نه **در**

في كذا في مجمع البحرين **الكر غير موزع** باخر امر ديكه تباد
 وجامه نيابد مكره كرهين بر عفر مران يا بومرند چكو دكند
فرد در تراشتانك موزع هر دو مراد بود وجامه كين
 را بشويد اگر چه رنگ او در موشود كذا في القدر و
 شوحه **محو** كركر غسل كند يا عود بسوزد روياش قيا
جواب باشد كذا في الشافي **چون** زير يك در آيد نعت
 كذا بآورد **در مسجد الحرام** چون نظر او بر كعبه
 افتد چه كويد **جواب** تكبير و تحليل كويد و ايند تكبير بخير
 كند و مقابل است تايشك تكبير كويد و رفع يديست كند چنانچه
 در فائز بخير اسود را بيوسند اگر تواند في ابدست اشارة
 كند **كذا** اگر فاق باشد بعه چكند **طواف** قدوم هفت
 شرط كند كه اغانر از آن بخير اسود باشد از سنا متصل
 در كعبه بس شوط از آن بطريق ماهران با هيئت بگردد
 چهار ديكر بنوي چهار دانگ بگردد كذا في الشافي **الكر**
 درگاه طواف در اول شوط رمل فراموشا گرديد بانه

نكشت

نكشت در جهام خضا و گرد جان است يائي **الكر**
 در عرها شوط و فراموشا موشد كذا في المضرات **در عرشه**
 از طواف بدايه بچه فراموشا كند كذا في المضرات **جواب** استلام حجر
 اسود اگر ممكن باشد و الا تكبير و تحليل كويد بآخر طواف
 كند چو تين با سترايم بخير اسود بعه نزد يك مقام ابراهيم
 پغا مير عليه السلام دو كانه بگذرد كه واجب است و اين
 طواف را طواف قدوم كويند براهل يك اين طواف نيست **جواب**
 از اين طواف چه بايد كرد **جواب** سوي صفايه و ن ايد بر كوه
 صفاسوار شود در و يه سوي كعبه كند تكبير و تحليل كويد
 و در رود بر پغا مير عليه السلام فرستد درست بر داند
 و حاجت خواهد انشاء الله تعالي بيايد **جواب** چوبه اوصاف
 فرود ايد كجا رود **جواب** چوبه سوي مروه با سكونت و ريز
 روان شود چون در بطن وادي برسد مياد ميليت نفرت
 بجه بنوي كند تا بمروه برسد نگاه بالا شود و نوازش شود
 و اينج بالا صفات كشته همان بگويد بعه فرود ايد هفت شوط

طواف کند اقامت کند و خطبه بخواند و آن سبب واجب است
فی رکعت بعد بیاید و در رکعت سالت کرد و هرگاه که اتفاق بود
طواف خانه کند تا هفتم از ماه ذی الحجه چون هفتم شود
اما اگر منبر بر این خطبه متضمن تعلیم بیرون آمدن سوره یا
غمان عرفات و وقوف و طریقه بزرگشت بخواند از دیگر
کلام روز بیرون آید و بعد بیرون آمدن چه کند و از روز
شروع یعنی هفتم از ماه ذی الحجه چون غمان با مکه بگذارد و سوره
منا بیرون آید و در اینجا باید تا روز عرف چون غمان بگذرد
بگذارد سوره عرفات بیرون آید و در عرفات تا وقت نماز
پیشین بماند چون آفتاب از سو بگذرد امام با جماعت ایستاده
و عمر بیک اذن و دو اقامت بگذارد بعد خطبه خواندند
و وقوف و نماز و تعلیم کنند و سوره بخواند و طواف
ایاره بعد توجه کند سوره سوقف اعظم پس بایستد و نوحه
جبل رحمة مستقبل قبله و احوال است که امام سوره بخواند
در میان از تعلیم سالت چه و باید که میان نزدیک امام

باشند

بایستد و استماع کنند و سوره سوقف دعا کنند بدو ساعت
صلاحت ایست بیک گوید و چون آفتاب از در آید امام با جماعت
باز گردد و سوره سوقف دعا بیرون آید چون نماز بگذرد
مستحب است که نزد یک کوه خدای باستد و غمان غریب
و غمان بیک اذن و بیک اقامت با مکه بگذرد و میان هر دو
غمان فصل بنقل نکند و اگر چیزی فصل کند غمان با فای دیگر
بگذارد و چون چه صلوات بدین امام غمان با مکه بگذرد هم در وقت
تاریک بگذارد بعد باستد با خلف بکدام دعا کنند و این وقوف
و بایستد فی رکعت و بیک اذن بعد از دم است و چون
آفتاب برید امام با مکه بگذرد و سوره منا بخواند چهار
کند از بطن و ادب هفت کافح اندازد با هر کافح تکبیر کند و خطبه
کفین در اینجا ختم شده است هر چه اول الحجه و کیفیت سوره است
که سوره را بر پشت بزرگشت سرت بخند و باستد سالت سالت
چنانچه با مکه که مقلد چه کسر بفتند و بیک از آن جوان هست
اما هر که است است و از قدر سنون دو در اندازد و سالت

حلق باشد چه سربزه از علقه و حلقی برفت چو با سرباز آمد از کلاه طلاق
 واقع شود یا بی **بی** کذا فی الواقع الحسامیه **بی** زید سر حلقی گفت که سرباز
 حاجت است حاجت من روا کن حرکت روا کن زید او سر سوگند داد
 بطلاق بعد سوگند زید گفت حاجت من **بی** زید که زن خود را طلاق کرد
 شرعا اگر عسر و حذر نکوی طلاق و مطلق واقع شود یا بی **بی** کذا فی الواقع الحلق
 حلقا لا یخبر علیه حلقه فاقضها فی فقال اقیضها مختلفا لها المطلق طلاقا
 ان تقیضها فقال ایا جیه ان تعلق امرک فی استیلا یصلقه فیه لا یجوز
 الصنف والکذب **بی** متابع شده میان زن و شوهر زن میگوید سر است طلاق
 گفته شوهر میگوید که من متصل استله الله گفته ام شرعا خلع خود را باشد **بی**
 قول زن باشد کذا فی الوقایع النبی **بی** اگر شوهر گوید که من چنین گفته ام عا
 سطق اگر در سربزه در روی زن میگوید که عسر و حذر طلاق گفته و مطلق نموده
 رایج قول که باشد **بی** قول شوهر کذا فی فتاوی النبی **باب بیست و ششم** در بیان نکاح
بی مخاطب و مخطوبه اتفاق نکاح بعباریتی کردند که هر دو در هم نمیکند **بی**
 عجز نکاح ثابت گردد صحیح باشد یا بی **بی** باشد کذا فی الوقایع **بی** مردی
 مردی را گفت که من دختر خود را برید فلان پسرتان را هم مخاطب گفت که قبول

گردد

کرده ام بر او پس خود را مخاطب مذکور را در دست نکاح منعقد شود یا بی **بی**
بی در صورتی که مخاطب مذکور همین قدر گفت که من قبول کردم حکم چیست **بی**
 نکاح منعقد گردد کذا فی العین **بی** مردی را بی زنی خواست بدید که بیگانه
 اختیار باشد نکاح مذکور فی الحال پس بطل قطع منعقد کرد یا بی **بی** گردد **بی**
 صورتی که چنین گفت که فلانست را چنین خواستم اگر بدید من رضایت دهد حکم چیست **بی**
 نکاح منعقد نشود کذا فی الکبری **بی** اگر یکی از عاقدین کلام دوم نشنید نکاح صحیح
 باشد یا بی **بی** کذا فی الخلل ص **بی** ایجاب و قبول را بر عاقدین یک گونه
 شنید دوم نشنید بعد باز تکرار کردند آنکه شنیده بود او شنید و آنکه نشنید بود
 او نشنید هر دو وقت یکبار تفرشید نکاح مذکور صحیح باشد یا بی **بی** کذا فی
 السراجیه **بی** نکاح بحضور مجرد بند کمان و کدو کمان و دیوانگان و زنان
 شود یا بی **بی** کذا فی النکاح **بی** بگو ای نایبان و محدود و قنف و فاسقا
 و سپهران مرد و پسران زن منعقد شود یا بی **بی** شود **بی** اگر یکی از عاقدین
 شکر شود بگو ای من کون اشبات شود یا بی **بی** مگر آنکه پدر پسر را
 منکر باشد و نیز دگر گوی فاسقان اگر قلیش پیش از طعنه و پیش از
 تذکیر حکم اگر بخایان باشد کذا فی الوقایع **بی** مردی بحضور و در **بی**

که در هر حال قضا نکاح مهم میکنند و دختر خود را بفرستند و از مردی نیز بفرستند
 چون آن دو نفر هتیار شدند از غلبه مذکور هیچ نیاید نمی آیند و غلبه نکاح
 جایز باشد یا نه **در کذا فی الکافی** **مردی** بحضور کواهان گفت که این
 زن منست و نیز گفت که این شوهر منست بدین فقره نکاح میان ایشان ^{مستند}
 گود یابی **بی** در صورتی که در قبه مذکور کواهان برایشان گفتند که
 بر سرشان نکاح گردانیدید گفتند از این نکاح درست باشد یا نه **جواب**
 کذا فی الکافی **مردی** گفت که شهادت کواهان باشد که این زن در این
 خانه بنی خواهم و زن مذکوره نیز از در خانه او ازداد که من ^{ببینم}
 رفتن نکاح مذکور منعقد شود یا نه **جواب** شود گودره خانه باقی
 زنی دیگر نباشد مگر آنکه کواهان او را او شناسد کذا فی العتایه
سوال زنی نقاب کشیده گفت که من نفس خود را بفریدم و زید ^{فرد}
 کرد خا ماکواهان نمی دانند که این منم کیست و نام او نیز پیش ایشان
 نگفته این چنین نکاح درست باشد یا نه **جواب** باشد مگر بزرگ عالم
 نفیس نباشد کذا فی الجنب المزیه **مرد** مسلم الوری ذیله را ^{مردی}
 دو فقره نکاح آورده درست باشد یا نه **جواب** **کرمه** مگر

شود

شود بگوئی ایشان بر مسلم نیست باشد یا نه **بی** **مردی** در وقت موطی ^{نش}
 در نکاح از مردی جایز هست یا نه **بی** **مردی** مادر سرکوت خود که ^{خود}
 و غیر مسوخته باشد درست هست یا نه **بی** کذا فی الوقایه **مردی** متکوح ^{چند}
 و اولاد در نکاح از مردی درست هست یا نه **بی** کذا فی الکند و فی **سوال**
 عده و خاله خاله نیز در نکاح است یا نه **جواب** هست مگر آنکه ^{مرد}
 احبای باشد و خاله او علی باشد یعنی عده احبای است که پدر ^{چند}
 جلد باشد و مادر هر دو یکی است و خاله علی است که مادر هر دو ^{چند}
 باشد و پدر هر دو یکی است انگاه عده آن عده و خاله آن خاله ^{مرد}
 مورد این چنین است باشد کذا فی العتایه **دو** زن که فضا یکی از ^{چند}
 مرد باشد و دوم نه باشد میان ایشان نکاح ^{چند} پیوند این چنین ^{مرد}
 روا باشد که در نکاح بکرم یا در عتیکه یا در وطی بکرم ^{چند} رقیه جمع شوند
 یا نه **بی** کذا فی الشافیه **مردی** کینه دارد که آن موطوه او کشته ^{مرد}
 کینه که مذکور بود نکاح او در مادام که یکی از ایشان بر آن ^{مرد} حرام نکرده ^{چند}
 دوم ^{مرد} جایز باشد یا نه **بی** کذا فی الوقایه **مردی** دو خواهر ^{چند}
 بدو عقد تزویج کرده و معلوم شد که اول کتم بود و لحن کتم تعریف ^{مرد} هر دو

باشد کذا فی الوقایح **و** ای چنانچه دختر بالغه را یکی بری دهد اگر دختر
مذکور بصیغ قول چند ندهد فاما ساکت ماند یا بجنبه ای میسر
تسلیم بچنین نکاح جایز باشد یا نه **در** کذا فی الیسایع **و** ای که
یکبار **و** اولی باشد باشد بزختن زن یا بخرجه یا بلباس ماند یا بچند
یا بزناینها یا در باب ازدواج حکم او چون بگوید یا چو کالم
حکم بگوید کذا فی المضر **و** چون منازعت شود میان مرد و
مرد بگوید چون نکاح بنور رسید تو ساکت بودی زن بگوید
بلکه من مرد کرم قولم که باشد **و** قول زن باشد بغیر سوگند
کذا فی الزاد **و** دختری بصرض بزاغه ستم آورسید میگوید که
من در این منزل بزی زنی دادم بالغه بوده ام بدان چند نامم و زن
مذکور و پدر دختر مذکور میگوید بی بلکه تو صغیره بودی بصر
قول که باشد **و** قول دختر من کوره باشد کذا فی المضر **و** زینب
میکند که زنی شوهر هست زید در جواب دعوی او میگوید که این
سایست زینب مذکور اندر واقع زن وی باشد بدین نظر میاد
کرد و یانی **در** کذا فی الکبری **و** زید خلیف را زنی خواست بچو

دو کون پشما از دخول مرد کون مان دفات یافتند بعد خلیف مذکور مرد را
آن کلام زید دختر شد و شوهر مذکور مرد **در**
کذا فی الکبری **و** ای که زینب را در نکاح آورد
بستفاجا امت حاصل اند بعد زینب مذکوره دتی میکند که در این خیر
تزوج وی من رسایند من مذکوره ام و بر قضا **در** بینه اقامت میکند
شرعاً در نکاح مذکور از زینب مسوع باشد یا نه **در** کذا فی الکبری
و هو الصیغ انه لا یقبل الا التکلیف **و** ای که اقرب مرد دختر **و**
بگوید بالغه را گفت من میخواهم تا ترا بزنی **و** هم بگوید بن خلدی فاسم
بهر هر دم شرع دختر مذکور ساکت ماند پس وی مذکور و زنی
بعد چون دختر مذکور شنید گفت من بدیدم زوج رضا فید هم
نکاح مذکور مستقیم ماند یا نه **در** ای که مازد کذا فی المضر **و** دختر
بگوید بالغه را وی از بزی زنی داد بعد بکنرم غیره از خیر
تزوج مذکور پدر دختر مذکور رسایند پس دختر مذکور ساکت
ماند سکوت او حنا باشد یا نه **در** ای که باشد **و** ای که بکنرم
حلی مذکور باشد و الا شرط است علالت یا آنکه بچند دختر باشد کذا فی الیسایع
در وی مرد دختر بگوید بالغه را گفت که من میخواهم که ترا بکنم از بزی فانی

قوی بزی دهم دختر مذکور سالت دلیلی و دلیلی بهانه شوهر که او را
 بگویند از بی خان قوی بزی دهد یا بی **ب** بگویند اگر بی خان قوی بزی دهد
 که در عدد توان شمرد دلیلی کذا فی المضمر **و** دلیلی اقرب دختر بی بکر الی
 و بی بکر بگویند بزی داد سکوت او ضمه باشد یا بی **ب** کذا فی الینایع **و** بکر
 مرانی را بغیر علم و ادب او بگویند بزی داد جو یا مره مذکور خبر بزی
 خویش شد گفت بار الله لنا یا گفت باکی نیست این الفاظ اجاز باشد
 یا بی **ب** باشد کذا فی المضمر **و** ترتیب اولیا در باب نکاح بیله
 فرمایند که دلی اقرب کلام است و بعد کلام **و** اولی علم است بعد
 از آن بنگاه اگر چه ضرورت است بعد از آن پدر است پس از آن پدر **ب**
 اگر چه بالاتر باشد پس از آن برادر اعیانی پس از آن برادر بی
 علی بن پس از آن ابناء ایشان هم برین ترتیب است پس از آن عم جد
 اعیانی پس از آن عم جد علی بن پس از آن ابناء ایشان و هم برین
 ترتیب اول پس از ایشان مادر پس از آن خواهر اعیانی پس از آن
 خواهر علی بن پس از آن خرمزند مادر کذا فی الکفر **و** اگر از اولیا در
 هیچکس نباشد مولی اعتناقی عینه ازاد کنند مرد باشد یا زن باشد

ازان کیست که در اول قلیف نصب کرده باشد کذا فی الینایع **و** مسلم را بکار و غیره
 در کاف و غیره که از آن بر مسلم صغیر و بر مسلم صغیر گایه نکاح باشد یا بی
 بی **ب** بند مره مره زن خود و گایه نکاح باشد یا بی **و** بی المسلمان کذا فی بی سوال
 المفترات **و** دختریت دلیلی داده و هر دو برابرند دلیلی یکسان
 دختر مذکور بغیر از آن دوم یکسکه بزی داد درست باشد یا بی **ب** باشد **و** در
 صورتی که بزی داد و هم بجز را در حکم چیست **و** آنکه ساید باشد صحیح
 هاست و اگر هر دو بزی واقع شود یا مشکل افتد در وقت وقوع و یکی
 مرد و یا طفل باشد کذا فی الینایع **و** اگر مرته را خرمزنی مسلم باشد یا کافر
 و گایه نکاح مراده باشد یا بی **ب** بی کذا فی الشلیف **و** قلیف که در صورت
 و اگر تفویض شریع صفا باشد اگر صغیر که مراده دلی نباشد تواند
 که او را بزی دهد یا بی **ب** بی کذا فی الکبری **و** اولی صغیر مره بزی داد
 یا اولی صغیر بزی خواست جد از بزرگ مرایشان اختیار فسخ نباشد یا
 باشد اگر دلی مذکور بغیر پدر و غیر جد بود و غیر قلیف بر او بی **ب**
 علیه کذا فی بیع البعز **و** چون عند البلوغ ایشان فسخ اختیار کردند
 بغیر از حکم قلیف فسخ ثابت کرد یا بی **ب** بی کذا فی الکبری **و** اگر محل

فی الوقایة کیف است که مانده او را از او جدا شد است مردی
که از او شده باشد مرید زن را کفو باشد یا نه **بی** کذا فی الجحیم مردی
که دو بیست درجه برتر بود او کفو بود مگر کسی که بسیار بسیار از او باشد
یا **بی** باشد کذا فی السراجیه **بی** معتقد می کفو باشد مرید است
در یا **بی** جواب باشد کذا فی السراجیه **بی** زنی مقصد خود را بر دیگر
داده و ملاقات کرده است آیا اندیش معلوم کند که بعد از آن است
در پنج حرام زن را اختیار فرماید باشد یا **بی** **بی** بلک مرید بود
باشد **بی** و در صورتی که اولیا او نیز علم نکاح او داشته باشد
ایشان بود مریدان بعد علم حق اعتراض باشد یا **بی** **بی** در
صورتی که بشرط گفتا به زنی در دین بوده عدم کفو ظاهر شد حق
اعتراض باشد یا **بی** **بی** باشد کذا فی التهدیب **بی** فقیری که بخت
از مهر محفل و از نفقه کفو باشد مرید و **بی** **بی** کذا فی الوقایة
بی جایک و کس و دیار کفو باشد مرید از او مرید از او مرید
حق در یا **بی** **بی** کذا فی الوقایة **بی** اگر دختر عاقل و خرد
مهرجانی در زنی در مراد او را الحق اعتراض باشد یا **بی**

بی کذا فی التختیه **بی** زنی که در بکثرت زنی را بکثرت از او مرید
مهرجانی او را مرید که مرید او مقدر مرید مثل کثرت یا نکر کند
یا **بی** **بی** رسد کذا فی جیم الجحیم **بی** اگر و غیره مرید مرید باشد
چنانچه بر مرید مراد دعوی رسد **بی** عدم کفایت یا **بی** **بی** رسد کذا
السراجیه **بی** مرید خواهر خود را بغیر خود او با جملت خواهر مذکور
بی **بی** در یکو مرید اعتراض باشد یا **بی** **بی** کذا فی السراجیه **بی**
مرید با جملت چنانچه را کنند و یا شاه اگر از جهه اصاله کفو نباشد
با اعتبار علم و شغل کفایت با علوی ثابت گردد یا **بی** **بی** و هو المهرجانی
فی التیاسیم **بی** کافری ذی دختری در نکاح او رد کرد یا دختر
دو نفر یا درجه خورید چند مرید یا لا ترا و میداند شرافت
با اعتبار علم کفایت مراد رسد یا **بی** **بی** مکررند فزونی و احش باشد
چنانچه اگر دختر **بی** **بی** **بی** یا دیار و فزونی انکسار رسد کذا فی
الحیط **بی** مرید دختر سگانه را بزید که حافظیت بزنی در یکو
که خبر بزنی بدختری مذکور بود انحراف ملک و گفت که
ضمیم کرده ام انکسار را که اعتقاد کرده ام میان فلان و فلان نکاح

مذکور بدین فتح منع شود بلیه شود اگر از جمله دختران
 وکیل موجود که بقضوی انعقاد کرده بی کذا فی السراجیه (دری گفت
 مرزیدم که مرزید بزی ده مرزید مراد را برای خود بجزر شود
 بزی خواست درست باشد یا بی کذا فی السراجیه (دری گفت
 صغیر که جزیر هم ولی اقرب نکرده پس هم مراد را باشد حکم
 ولایه خویش دختر مذکور برای نفس خویش بزی خواهد بود
 باشد کذا فی الکبری (اگر بینه کیسه برای خود بغیر از موی
 بزی خواست یا کینزله خود را بغیر از موی بزی خواست کیسه
 بزی داد این چنین نکاح باطل باشد یا موقوف باشد باجازه موی
 موقوف باشد باجازه موی کذا فی الشافی (مرید بحضور می شود
 گفت من دختر خود را بزی داد ام ذیل بود در آن مجلس حاضر بود
 از جمله وی کیسه در آن مجلس قبول نکرد بعد از حاضر آن مجلس کسی خبر
 آن نکاح مذکور بر نیدر می آید زید مذکور نیز بحضور شد و قبول
 کرد نکاح مذکور منعقد گردد یا بی کذا فی الوقایه (چنانچه
 نکاح منعقد و کینزله موقوف است باجازه مالک نکاح مکاتب و مدتی

ولد نیز موقوف است باجازه مالک ایشان یا بی موقوف
 چون باذن موی نکاح مذکور منعقد شود حکم مع ایشان چه باشد
 مهر بر ایشان لازم شود اما بی مهر بینه فریخته شود و بر مکاتب
 و بر مدبر جمعی بینه نیاید (للسنان فی الشافی (کینزله کیسه داد
 بزی بر موی مذکور سپردن کینزله بمنزل شوهر لازم گردید یا
 بی (دری گفت و منزل سکونت مرکب بینه مذکور را بر شوهر
 مذکور بغیر کینزله بینه بغیر سپردن کینزله در منزل مهر
 لازم گردید یا بی کذا فی الوقایه (کینزله باذن موی در نکاح
 بد بود یا حرم بعد از ادکته دفعه نکاح بخیر باشد یا بی (دری گفت
 در صورتی که کینزله بغیر از موی عقد نکاح خود یا کیسه کرد
 پیش از ادکته حکم عقد او و خیاس او چه باشد (دری گفت
 او نافذ و خیاس او ساقط کذا فی التتبی (مهر کینزله مذکور
 مرکب یا باشد (اگر اعتقد بعد از وطی حاصل شد مهر او و موی
 بر باشد و اگر پیش از وطی از وی حاصل شود منکوحه مذکور را
 باشد کذا فی التتبی (مرید کینزله پر خرم در نکاح او مرد

چون از او فرزند نشود گنیزنك مذكوره اولاد او شود یا ^{سوال} **بی**
 حکم فرزند او چه باشد ^{جواب} فرزند از ادب حکم قریب کذا فی الوقایه ^{سوال}
 مردی گنیزنك پسرخ در او طوکر گنیزنك مذکوره فرزند آورد
 چون او دعوی استیلا کند حکم نسب و حکم بتنگی او چه باشد
^{جواب} نسب او از پدر موی و گنیزنك مذکوره ام ولد او گردد
 و قیمت گنیزنك مذکوره بر وی لازم گردد ^{سوال} اگر بعد
 صحیح از گنیزنك نسب دعوی استیلا کند دعوی او چه
 باشد حکم دعوی او چون حکم پدر باشد در حال عدم پدر
^{جواب} المسائل فی الکیمی ^{سوال} گنیزنك مزید را کت مزید را کت مزید را کت
 مزید او را در نکاح آورد بعله معلوم گشت گنیزنك است هیچ
 لازم کرد بر گنیزنك مذکوره یا ^{سوال} اگر غیر اذن موی او هزینه آن
 قیمت اولاد مزید را ضامن کرد بعد از عتق و اگر باز تو
^{سوال} مزید را فریفته است موی ضامن کرد بر یحیی زادن فرزند ^{سوال}
 در صورتی که اجنبی مزید را کت که این زن در نکاح بیمار این
 حره است (زید مذکور با عقدا قول او زن مذکوره را در نکاح
 آورد

او را بعد مرگش گشت که منکوح مذکوره و در نکاح گنیزنك است این
 چنین گنیزنك بقول او فریفته شد قیمت او را زید که از این گنیزنك
 شود ضامن باشد یا ^{جواب} باشد کذا فی النراجیه ^{سوال} پند زید
 حکر را بغیر اذن موی در نکاح آورد بعد بتجسس کرد پس طلاق
 بعد زید مذکور را و اذن کرد بعه زید باز آن مطلقه بغیر اذن
 بنی میخواید مراد احوال باشد یا ^{جواب} باشد کذا فی مجمع البحرین ^{سوال}
 مردی دختر خویش را بکاتب خویش زنی داد بعد مزوج مذکور
 وفات یافت نکاح مذکور باطل کرد یا ^{جواب} بی مکرانکه از ادله
 کتابت عاجز است و بدله اعتبار نگذرد او را شود کذا فی مجمع
 البحرین ^{سوال} کافری زنی کافره بغیر شهود در نکاح نه او را بیست
 کافری در نکاح آورد بعد هر دو مسلمان شدند هم بران نکاح
 که در بین ایشان شده بود جایز باشد یا ^{جواب} بی باشد اگر این چنین نکاح
 در بین ایشان جایز باشد و الا کذا فی الکنز ^{سوال} در صورتی که محرم
 در نکاح وی باشد و مسلمة بجاها حکم چیست جواب تقریر واجب
 این ^{سوال} عقد نکاح بغیر فکر مهر جایز هست یا ^{جواب} بی جایز هست



